

۴۰۲

کیهان

KAYHAN LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۱۲ تا ۱۸ اسفندماه ۱۴۰۱ خورشیدی
سال سی و نهم - شماره ۱۸۶۸

تو داد و دهش کن
فریادون تویی!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684
Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۶۸ (۴۰۲)

جمعه ۱۲ تا ۱۸ اسفندماه ۱۴۰۱

۳ تا ۹ مارس ۲۰۲۳



به نام یزدان ایران زمین

با سینه‌ای آکنده از اندوهی بی‌پایان و احساسی سرشار از افتخار و مباحات از عمری پر ثمر که چون نقشی عطرآگین بر سینه هستی درخشید، درگذشت پدری بی‌همتا، نازنین و بزرگوارمان، استاد و نگارنده فرهیخته،

محمد علی کریم‌زاده تبریزی

را به اطلاع عموم، فامیل و دوستان گرامی می‌رسانیم. آثار و تحقیقات گسترده ایشان به عنوان یک فرهنگی هنرمند، محقق، هنر دوست و نویسنده ایران شناس، جایگاه والایی در عرصه تاریخ جاودانه هنر ایران را به خود اختصاص داده است.



ای پدر، خیرت هست که بی روی تو آرامم نیست؟ طاقت بارِ فراق این همه ایامم نیست؟ به امید دیدار عزیزت، شاید؛ روزی، زمانی، مکانی.

فرزندان: ارشیا، تلی، پارسیا.

داماد: جعفر هشترودی.

نوادگان: آرین و آریانا هشترودی.

خاندان خطیبی: پرویز، کامبیز، بهرام خطیبی، همسران، فرزندان و خانواده‌های وابسته.

خاندان شماعی، شکوه شماعی، اسلامی و خانواده‌های وابسته.

خاندان رهبری، نسرین، آفاق، پریناز، دکتر نصرت رهبری، فرزندان و خانواده‌های وابسته.

شفیع‌ها، فرقانی، وزیر، صفوی، معتمدی، خرمشاهی، اندیشمند و حریری.

بنا به خواست عزیزمان، مراسم ترحیم خصوصی برگزار شده و مخارج آن به مؤسسات خیریه اهدا خواهد شد.

کیهان لندن درگذشت نویسنده، هنرمند و سخنور فرهیخته، زنده یاد محمد علی کریم‌زاده تبریزی، از دوستان اران و یاران قدیمی، صمیمی و با وفای این نشریه را به فرزندان، بستگان و دوستان آن نکونام تسلیت می‌گوید.

جاودان مقام سرور گرامی



به ابد پیوستن استاد بنام هنرپور، مورخ و فرهنگ دوست جناب آقای کریم‌زاده تبریزی، بزرگ بسیار گرامی، این خاندان را اندوهمند نمود.

دختر: تلی کریم‌زاده تبریزی.

داماد: جعفر هشترودی، شاگرد مفتخر و ارادتمند.

نوادگان: آرین و آریانا هشترودی.

خاندان هشترودی، ملیحه، ایفا، رضا، خاطره و خانواده‌های وابسته.

خانواده‌های: چراغچی، فرهنگ آذر، خدا پناه و کوه سنگین. خاندان: بهزاد هشترودی، فرشته سرتیپی و خانواده‌های وابسته.

خانواده: جلیل و نیر محمدزاده، شهرام و الناز هشترودی. خاندان‌های: محمدزاده، محمودزاده، سالکی، جوادپور، غفاری به همراه خانواده‌های وابسته.

خانواده‌های: خامنه‌ای، سلسی‌پور، خشتی، مشیر فاطمی، ابراهیمی، احمدی، تاج‌الدین، Piras, Marcovaldi, خوشباف و خوبی.

مژده به هم‌میمانی که خراستار کتاب سقوط

بهشت بودند

می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان

خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی

در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران

پادشاهی



آندرو اسکات گوپر، ترجمه رضا تلی زاده

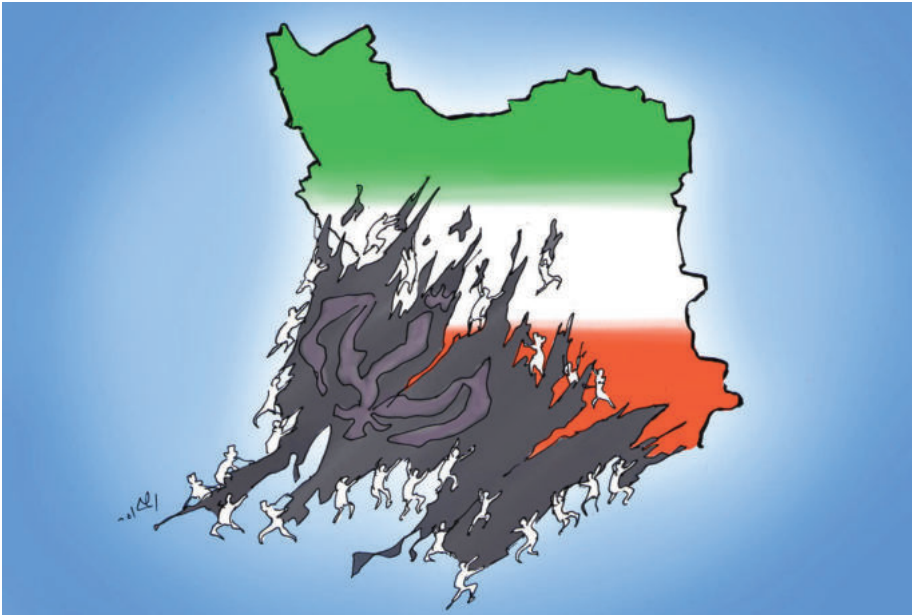
* فهرست مطالب *

۴ مقاله - مسمومیت های سریالی در نظام ستمی / الاهی بقراط
۴-۵ تو داد و دهش کن فریدون تویی! / روشنگر آسترکی
۶ شاهزاده رضا پهلوی: ایران آینده با دموکراسی پارلمانی به سود ملت ایران، منطقه و ...
۷ شاهزاده رضا پهلوی: تنها ما موریتیم در زندگی این است که ایرانیان پای صندوق ...
۸-۹ شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان اروپا: من باید بتوانم به مردم ایران بگویم اروپا با شماست ...
۹ اکونومیست: پسر آخرین پادشاه ایران برای پس گرفتن تاج و تخت تلاش می کند ...
۱۰ دست شیطان را باید خواند تا شر آن کمتر شود ... / حامد محمدی
۱۱ دست دادن یا ندادن، مسأله این است! ... (۵) ... / احمد احرار
۱۲-۱۴ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۳) ... / دکتر هوشنگ نهانندی
۱۴ دیدار امیر عبداللهیان با وزیر خارجه بلژیک همزمان با تور اروپایی شاهزاده ...
۱۵ پیروزی نیز «زیر تیغ مرگ و فنا» از دست رفت ...
۱۶-۱۷ نسخه اقتصادی - نظامی روس ها بحران های جمهوری اسلامی را ... / حامد محمدی
۱۷ هشدار مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در مورد «جنگ شناختی» ...
۱۸ بحران اقتصادی و عدم مشروعیت داخلی دست رژیم ایران را برای ...
۱۹ دانشگاه های آمریکا بکابه خاطر پول، خود را به رژیم اسلامی ایران فروخته اند ...
۲۰-۲۱ ادامه نوسانات در بازار ارز کشور؛ نشست سران قوا پشت درهای بسته و ...
۲۱ فاکس نیوز: جلسات محرمانه در اسرائیل برای بررسی حمله نظامی احتمالی به ...
۲۲ نمایندگان مجلس شورای اسلامی مالیات خانه های لوکس را حذف کردند! ...
۲۳ درخواست دو حزبی کنگره آمریکا از دولت بایدن برای تحریم ۲۲۷ نماینده مجلس ...
۲۴-۲۵ گسترش مسمومیت های سریالی به ۱۵ شهر ایران؛ جمهوری اسلامی به پنهانکاری ...
۲۶-۲۷ راه اندازی «قرارگاه کوثر» در آموزش و پرورش؛ آماده ساختن دختر بچه ها ...
۲۷ جواد طباطبایی اندیشمند ایرانی درگذشت ...
۲۸-۲۹ گفتگویی از سال های دور؛ استلا استیونس در دومین جشنواره ... / بهمن مقصدلو
۲۹ واشنگتن اگر مینر: بافر اسیدن توفان بزرگ، سقوط رژیم زامبی هاناگزیر است ...
۳۰-۳۱ افزایش اعتصابات صنفی؛ جو امنیتی شدید در ذوب آهن اصفهان ...
۳۱ جمهوری اسلامی آماده بستن سفارت بریتانیا در تهران می شود؟ ...
۳۲ فروش ۴۰۰ میلیارد تومان اموال تملیکی برای تأمین مخارج غذا و ...
۳۲ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اروپا را تهدید موشکی می کند ...
۳۳ نتایج یک پژوهش: از هر ۱۰ شهروند بزرگسال ایران ۸ نفر متلک با مزاحمت ...
۳۴-۳۵ ادامه اعتراضات در سیستان و بلوچستان؛ تهدید مولانا نقشبندی درباره ...
۳۵ سازمان عفو بین الملل با تأیید جان باختن ابراهیم ریگی بر اثر «شکنجه» این اقدام را ...
۳۶-۳۷ تجمع سراسری بازنشستگان در چند شهر ایران ...
۳۷ محمد بروغنی: از «رویای آزادی» تا «بیم اعدام» ...
۳۸ جان باختن پزشک جوان اهل زاهدان ساعاتی پس از بازداشت ...
۳۹ افزایش نجومی قیمت اتومبیل ...
۴۰ پشت جلد - عکس هفته / استقبال از شاهزاده رضا پهلوی در اکسفورد / دوشنبه ۸ اسفند ۱۴۰۱

بازنشر
بازنشر



تو داد و دهش کن فریدون تویی!



● **سفر اروپایی شاهزاده رضا پهلوی رویدادی مهم و یک نقطه عطف در به رسمیت شناختن اپوزیسیون دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی توسط دولت‌های غربی بود. چهار دهه مبارزه برای آزادی، سلامت مالی و سیاسی، مواضع شفاف، رفتار دموکرات، عدم سهم‌خواهی از جریان‌های مختلف سیاسی و آغوش باز برای شنیدن نظرات موافقان و مخالفان، وی را فرای نهاد پادشاهی، به سیاستمداری قابل اتکا برای گذار از جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت سکولار دموکرات در ایران تبدیل کرده است.**

انقلابی مردم برای آزادی که از شش ماه پیش در ایران جریان دارد، از مقامات جمهوری اسلامی برای شرکت در این کنفرانس دعوت به عمل نیامد اما از شاهزاده رضا پهلوی بطور رسمی برای حضور در این کنفرانس دعوت شد. مسیح علینژاد خبرنگار و فعال حقوق زنان و نازنین بنیادی بازیگر و فعال حقوق بشر نیز دو مهمان دیگر ایرانی این کنفرانس بودند. به این ترتیب سه چهره مخالف جمهوری اسلامی بجای مقاماتش در این کنفرانس مهم امنیتی حضور یافتند. شاهزاده پس از آلمان به فرانسه سفر کرد و با سناتورهای فرانسوی و اولیویه مارله رهبر گروه جمهوریخواهان در پارلمان فرانسه دیدار کرد. سناتور والینی عضو کمیسیون روابط خارجی، نیروهای مسلح و دفاعی سنای فرانسه پس از دیدار با شاهزاده با انتشار توثیقی بر لزوم کمک فرانسه به حمایت از مردم معترض در ایران تأکید کرد.

شاهزاده رضا پهلوی همچنین در نشست خبری در موسسه مطبوعاتی آمریکایی-اروپایی در فرانسه حضور یافت. در این نشست کریستیان ملارد از شبکه تلویزیونی ۲۴ یکی از جنبه‌های اهمیت نقش وی را در این دانست که در اعتراضات ماه‌های گذشته نام او و پدر بزرگش در بیش از ۳۰ استان ایران از سوی مردم فریاد زده شده است. شاهزاده رضا پهلوی همزمان با تور اروپایی، با چند رسانه مهم اروپا و جهان از جمله گاردین، فاکس نیوز، دیلی تلگراف، رویترز، پولیتیکو، بیلد آلمان و شبکه اتریشی «او آر اف» گفتگو کرد.

در بریتانیا به عنوان یکی از مهم‌ترین مقاصد سفرهای اروپایی شاهزاده، او در وزارت خارجه این کشور و در نشستی پشت درهای بسته با مقامات ارشد این وزارتخانه گفتگو کرد. او همچنین در نشستی در محل پارلمان بریتانیا به میزبانی «اندیشکده هنری جکسون» و در نشست

شاهزاده رضا پهلوی طی دو هفته گذشته در تور اروپایی دیدارهایی رسمی و پراهمیت را با هدف جلب حمایت حداکثری دولت‌های اروپایی از اعتراضات مردم ایران و فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی در جهت سرعت بخشیدن به روند انقلاب ملی مردم پشت سر گذاشت. با توجه به سطح دیدارها و مذاکرات صورت گرفته، سفر اروپایی شاهزاده رضا پهلوی یک نقطه عطف در به رسمیت شناختن اپوزیسیون دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی توسط دولت‌های غربی و فراهم شدن مسیر رایزنی و مذاکره میان اپوزیسیون و دولت‌های اروپایی به شمار می‌رود.

سفر اروپایی شاهزاده رضا پهلوی از حضور در کنفرانس امنیتی مونیخ از ۲۸ بهمن آغاز شد و در فرانسه و بریتانیا و سپس در دهم اسفندماه با حضور در پارلمان اروپا در بلژیک پایان یافت. حمایت از جنبش اعتراضی مردم در ایران، گزینه «تغییر رژیم» بجای «اقدام نظامی» و ارائه تصویری از ایران بدون جمهوری اسلامی از مهمترین محورهای گفتگوهای این سفر بود.

این سفر همچنین با حضور ایرانیان ساکن اروپا و عمدتاً مشروطه‌خواه در محل سخنرانی‌ها و نشست‌های شاهزاده رضا پهلوی همراه شد که پیام مهمی برای دولت‌های اروپایی به همراه داشت و پایگاه مردمی او را نشان می‌داد. استقبال از وی در اکسفورد صحنه‌های بی‌نظیر آفرید.

دیدارها و گفتگوهای تاریخی

پنجاه و نهمین کنفرانس امنیتی مونیخ از تاریخ ۱۷ تا ۱۹ فوریه با شرکت ۴۰ رئیس دولت، ۱۰۰ وزیر، صدها نماینده مجلس و با حضور صدها روزنامه‌نگار از بیش از یکصد کشور جهان برگزار شد. در کنفرانس امسال نام «ایران» برای نخستین بار بطور مثبت چشمگیر بود؛ متأثر از جنبش

مسمومیت‌های سریالی در نظام سمی

۱۳ آذر ۱۴۰۱ توضیحاتی درباره مسمومیت دانش‌آموزان هنرستان دخترانه «نور» در قم توسط یکی از نزدیکان دانش‌آموزی که شاهد عینی آن در چهارشنبه ۹ آذر بود به کیهان لندن رسید. این خبر پس از چند روز در رسانه‌های داخلی نیز منتشر شد اما برخی مقامات یا به تکذیب پرداختند و یا اعلام کردند که موضوع مهمی نبوده. علت مسمومیت چه بود؟ برخی نوشتند «گاز» و برخی دیگر اعلام کردند معلوم نیست! کیهان لندن به دلیل اینکه از یکسو توضیحات منع مربوطه دقیق و کافی نبود و از سوی دیگر امکان راست آزمایی نداشت، از انتشار آن خودداری کرد. این فرد گفته بود دانش‌آموزان کلاس دهم این هنرستان مسموم شده‌اند چون «در کلاس چیزی به بچه‌ها دادند و گفتند که کار یکی از دانش‌آموزان بوده... آنها یکی یکی دچار تنگی نفس شده و با حالت تهوع خون بالا آوردند... از طرف مدرسه کسی به اورژانس تلفن نزد یکی از بچه‌ها که گوشی داشت زنگ زد... بچه‌های بدحال به بیمارستان منتقل شدند. پلیس و آتش‌نشانی آمد و کل مدرسه را گشتند؛ اول گفتند گاز و بعد گفتند مسمومیت از خوردن کلوچه بوده... در کلاس بوی عجیبی بود که شباهتی به بوی گاز نداشت... مدیر مدرسه به همه هشدار داد که حق ندارید به خانواده‌هایتان بگویید در مدرسه چه اتفاقی افتاده. بعد مدرسه را ساعت ۱۲ تعطیل کردند و گفتند چون موضوع امنیتی است باید بگویید بچه‌ها مسموم شدند... حراست آموزش و پرورش خود را زودتر از پلیس و اورژانس به مدرسه رسانده بود... بعد هم اجازه نزدیک شدن به بخش ویژه دانش‌آموزان بستری شده را به کسی ندادند، فقط یک دکتر و سه پرستار مرتب مواظب بودند کسی نزدیک این بخش نشود و یک تیم پنج نفره حفاظت اطلاعات سپاه هم ۲۴ ساعته در حال کشیک داخل بیمارستان و اطراف آن هستند...»

در ۲۲ آذر دوباره عین اتفاق در همان هنرستان روی می‌دهد! علائم بدحالی مثل قبل بود با این تفاوت که «بو» بار اول فقط در یک کلاس بود و اینبار در تمام مدرسه و همچنین به گزارش ایسنا خبرنگاران هنگام برای تماس با دانش‌آموزان در بیمارستان «خوشبختانه این بار مثل دفعه پیش هنگام ورود با مشکل زیادی مواجه» نشدند! مقامات هم تکذیب نکردند بلکه مجتبی ذوالنوری نماینده قم در مجلس شورای اسلامی آن را «خرابکارانه در حد محدود» دانست و گفت: «باید عوامل آن شناسایی شوند و در زمره محاربان و مفسد فی الارض» با آنها برخورد شود. برخلاف مورد اول، پس از اتفاق ۲۲ آذر، رسانه‌های داخلی به فراوانی به مسمومیت‌های مشکوک پرداخته و احتمالات مختلفی را مطرح کردند از جمله ادعاهای مقاماتی را که آن را پس از مدتی به «اپوزیسیون برانداز» نسبت دادند بدون آنکه مسئولان امنیتی توانسته باشند پس از سه ماه عاملان این مسمومیت‌ها را آنهم در فضای بسته و قابل کنترلی مانند مدارس دستگیر و علت این مسمومیت‌ها را اعلام کنند!

این اتفاق نه تنها در مدارس دیگر قم از جمله ۲۵ بهمن در یک مدرسه راهنمایی پسرانه روی داد بلکه مسمومیت‌های سریالی تا کنون در بیش از ۳۰ مدرسه در شهرهای مختلف تکرار شده که طی آن ۷۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر مسموم شده‌اند و با مرگ مشکوک یک دانش‌آموز قمی (فاطمه رضایی ۱۱ ساله) نیز همراه شده است. در این میان، حکومت بجای پاسخگویی، مثل همیشه دست به سرکوب وحشیانه والدین معترضی می‌زند که جگرگوشه‌های آنها در مدارس نیز امنیت ندارند! ویدئویی که این روزها از کشیدن سر و موی یک مادر در شبکه‌های اجتماعی می‌چرخد، صحنه‌ی تک‌اندنده‌ی دیگری از زندگی در یک نظام سمی است.

دولت‌هایی در جذب سرمایه خارجی و توریست موفق‌اند که امنیت و ثبات داشته باشند. آنچه استدلال در این زمینه را تکمیل کرد تأکید بر نیاز اروپایی‌ها به جایگزین کردن منابع انرژی به ویژه گاز ایران برای پایان دادن به باج‌خواهی روسیه از اروپا در زمینه انرژی بود.

به بیان دیگر آنچه شاهزاده رضا پهلوی برای توجیه وضعیت ایران آینده برای مقامات غربی به تصویر کشید عمدتاً بر پایه جهان‌بینی واقع‌گرایانه به ویژه پیوند میدان امنیت و اقتصاد بود. وی تشریح کرد که کمک به مردم ایران برای جایگزین کردن یک دموکراسی سکولار بجای حکومت کنونی، جهت شراکت با دنیای غرب تا چه اندازه می‌تواند برای غربی‌ها امتیاز داشته باشد.

نقش فراملی و منحصر به فرد شاهزاده رضا پهلوی

بی‌تردید اثرات تور اروپایی شاهزاده رضا پهلوی با هدف جلب حمایت دولت‌های غربی از جنبش انقلابی مردم در ایران به زودی مشاهده خواهد شد. در ایالات متحده، همزمان با پایان تور اروپایی شاهزاده رضا پهلوی، ائتلافی از ۲۶ نماینده احزاب دمکرات و جمهوریخواه از دولت بایدن خواستند ۲۲۷ نماینده مجلس شورای اسلامی را به دلیل فراهم کردن ابزار قانونی شکنجه، قتل، زندانی کردن و سرکوب معترضان تحریم کنند.

مایکل روبین تحلیلگر مؤسسه «آمریکن اینترپرایز» نیز در یادداشتی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی در برابر چشم‌انداز در حال فروپاشی است، نوشته جنبش انقلابی ماه‌های گذشته به جهنمی برای مشروعیت حکومت تبدیل شد. او از دولت ایالات متحده خواسته بجای سازش با جمهوری اسلامی، سیاستی را در پیش بگیرد که در نتیجه آن، کشور ایران نه برای جنگ و تروریسم و آشوب بلکه برای صلح و آرامش در خاورمیانه نقش‌آفرینی کند.

تور اروپایی شاهزاده رضا پهلوی در عین حال اعتماد اروپاییان به وی و درک آنها از نقش منحصر به فرد او را در تحولات سیاسی آینده ایران به نمایش گذاشت. همانطور که روزنامه‌نگاران اروپایی نیز تأکید می‌کنند، نام خاندان پهلوی بارها در شعارهای مردم مطرح شده و حمایت گسترده‌ای از او از سوی ایرانیان داخل و خارج از کشور، از جمله در حاشیه این تور اروپایی، صورت گرفته است.

شاهزاده رضا پهلوی اما نه تنها به دلیل «ولیعهد» بودن بلکه به دلیل ثبات در کردار و گفتار و مواضع سیاسی در طول چهار دهه توانسته جایگاه کنونی را کسب کند. روند زندگی وی یادآور این ابیات فردوسی در شاهنامه است:

فریدون فرخ فرشته نبود

ز مُشک و ز عنبر سرشته نبود

ز داد و دهش یافت او نیکویی

تو داد و دهش کن، فریدون تویی!

سخنان و عملکرد شاهزاده رضا پهلوی در درازای ۴۳ سال گذشته توانسته نقشی فراملی و فراجنبی برای او در معادلات سیاسی ایران ثبت کرده و وی را به شاخص‌ترین چهره اپوزیسیون دموکراسی‌خواه تبدیل کند.

چهار دهه مبارزه برای آزادی، سلامت مالی و سیاسی، مواضع شفاف، رفتار دموکرات، عدم سهم‌خواهی از جریان‌های مختلف سیاسی و آغوش باز برای شنیدن نظرات موافقان و مخالفان، رضا پهلوی را فرای نهاد پادشاهی، به سیاستمداری قابل اتکا برای گذار از جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت سکولاردموکرات در ایران تبدیل کرده است.

روشنگ آسترکی

کنید؟ به مردم ایران که حاضرند جانشان را فدای کشورشان بکنند؟ یا مقاماتی که اصلاً ایران برایشان مهم نیست؟» شاهزاده همچنین با اشاره به اینکه از اقدام نظامی علیه



جمهوری اسلامی و حمله به تأسیسات اتمی در ایران حتا توسط اسرائیل حمایت نمی‌کند گفت با وجود اینکه نگرانی اسرائیل از تهدیدات اتمی و منطقه‌ای رژیم را «درک می‌کنم» اما نمی‌توانیم وقتی دیپلماسی شکست خورده، دست به اقدام نظامی بزنیم زیرا راه سومی وجود دارد که کم‌هزینه‌تر است. استدلال او مانند تمام سال‌های گذشته این است که جنگ یا اقدام نظامی نتیجه‌ای جز ویرانی ندارد و اتفاقاً جمهوری اسلامی دنبال چنین شرایطی است تا برای خروج از بحران زمان بخرد.

او برای دولت‌های غربی شفاف کرد که مردم ایران خواهان حکومتی هستند که استقرار آن به سود جهان و منطقه است: «هموطنان من نه تنها به دنبال پس گرفتن حقوق فردی و شهروندی خودشان هستند بلکه به دنبال نوزایی و رنسانس متکی بر صلح و همزیستی هم در داخل کشور و هم در روابط با همسایگان و با جهان هستند.»

شاهزاده رضا پهلوی طی تور اروپایی خود با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی به هر حال دیر یا زود فرو خواهد پاشید، بر ضرورت سیر این روند در کوتاه‌ترین زمان تأکید کرد و گفت که حمایت اروپا از مردم معترض ایران بدون شک هزینه مبارزه برای مردم و خسارات ناشی از وجود جمهوری اسلامی را کاهش خواهد داد.

او همچنین خواستار پایان مامشات با جمهوری اسلامی و تشدید فشارهای اروپا از جمله تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اعمال تحریم‌های ماگنیتسکی اروپا علیه مقامات رژیم و فراخواندن سفرها شد.

ترسیم ایران بدون جمهوری اسلامی در زمینه سیاست خارجی، حقوق بشر، محیط زیست، اقتصاد و انرژی، و کمک به صلح در خاورمیانه از دیگر نکات مهم شاهزاده در سخنرانی‌های وی بود که نشان از نقشه راه و برنامه برای پس از فروپاشی جمهوری اسلامی دارد.

استدلال دیگری که می‌توانست برای اروپایی‌ها قابل توجه باشد، برنامه‌های آتی ارائه شده توسط شاهزاده رضا پهلوی در مورد بهبود وضعیت اقتصادی ایران از طریق «جذب سرمایه‌گذاری خارجی» و توسعه صنعت توریسم بود. دو حوزه‌ای که مستقیماً با بحث امنیت پایدار ارتباط دارد.

مجمع دانشجویان دانشگاه آکسفورد شرکت کرد. شاهزاده رضا پهلوی در بروکسل پایتخت بلژیک در جمع نمایندگان پارلمان بلژیک سخنرانی و در نشست مهم دیگری

در مقر اتحادیه اروپا حضور یافت و با استقبال گسترده نمایندگان پارلمان اروپا روبرو شد. او همچنین هدیه ویژه اتحادیه اروپا را که فقط به رؤسای دولت و رهبران کشورها داده می‌شود از چارلی وایمرز نماینده سوئد در این اتحادیه دریافت کرد.

تور اروپایی شاهزاده رضا پهلوی که از چندین هفته پیش برنامه‌ریزی شده بود، در ششمین ماه انقلاب ملی ایران یک رویداد مهم و نقطه عطفی در به رسمیت شناختن اپوزیسیون دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی توسط دولت‌های غربی به شمار می‌رود. همچنین با تلاش‌هایی که طی ماه‌های گذشته برای هماهنگی میان جریان‌های سیاسی اپوزیسیون و ایجاد سازوکار همکاری میان گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی صورت گرفته، این تور اروپایی نقطه قوت مهمی به شمار می‌رود.

تأکید بر اصول همکاری اپوزیسیون و لزوم حمایت غرب

شاهزاده رضا پهلوی در سخنرانی‌ها و نشست‌های خبری این تور اروپایی بر محورهایی که پیشتر نیز برای همکاری میان جریان‌های سیاسی اپوزیسیون مطرح کرده بود تأکید کرد. او در اعلام مواضع در سفر اروپا نیز با بیان جملاتی چون «ایران کشوری کهن، با فرهنگی غنی و میراث تاریخی ۲۵۰۰ ساله و سرزمینی یکپارچه» است اصل خدشه‌ناپذیر یکپارچگی ارضی را مورد تأکید قرار داد.

از سوی دیگر او بر لزوم سکولار بودن حکومت آینده ایران که به عنوان یکی از اصول همکاری مطرح شده، تأکید کرد: «به کسانی که نگران خلاء پس از سقوط رژیم تبهکار هستند، اطمینان می‌دهم که مردم ایران تخصص و مهارت لازم برای گذار به یک دموکراسی سکولار را دارند.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین در خلال سخنان خود در حضور نمایندگان پارلمان اروپا به ملی بودن انقلاب ایران اشاره کرد و گفت در برابر ایجاد هرگونه جنگ و آشوب داخلی خواهد ایستاد. او با اشاره به احساس «هیچ» خمینی در بازگشت به ایران، خطاب به غربی‌ها تأکید کرد: «ایرانیان امروز در داخل و خارج فریاد می‌زنند: جانم فدای ایران! تفاوت اصلی اینجاست. شما به کی بیشتر می‌خواهید اعتماد

اختصاصی؛ شاهزاده رضا پهلوی: ایران آینده با دموکراسی پارلمانی به سود ملت ایران، منطقه و اروپاست



شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس مونیخ / ۱۸ فوریه ۲۰۲۳

منافع ملی ایران- و نه یک ایدئولوژی افراطی مذهبی- پیش خواهد رفت و منافع عموم ملت ایران را در نظر خواهد گرفت نه منافع تنگ و محدود سیاسی- مالی یک حلقه فاسد. این دموکراسی پارلمانی، ماجراجویی‌های خارجی بسیار مخرب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به کناری خواهد گذاشت و پشتیبانی از شبه‌نظامیان و دیگر نیروهای غیردولتی را- که عامل بی‌ثباتی هستند- در سراسر خاورمیانه متوقف خواهد کرد؛ در عوض زمینه‌های مشترک همکاری با همسایگان، از جمله اسرائیل را در حوزه تامین امنیت، اقتصاد، و نگرانی‌های زیست‌محیطی، پیگیری خواهد کرد. مانند سایر دموکراسی‌ها، رقابت‌های سیاسی داخلی به واسطه صندوق‌های رای مدیریت خواهند شد نه با سرکوب یا ترور؛ ترورهایی که امروزه گاهی در خاک کشورهای خارجی انجام می‌گیرد.

این دموکراسی پارلمانی در ایران، همچنین بجای آزارسانی یا تهدید و اخاذی، نویدبخش سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت فرامرزی با اروپا خواهد بود تا بتواند به عنوان منبع جایگزین تامین انرژی برای کشورهای اتحادیه اروپا که در پی تنوع بخشیدن به پایگاه‌های تامین انرژی خود و تسریع انتقال به سوی انرژی‌های تجدیدپذیر هستند عمل کند. از منظر ارزش‌های دموکراتیک و منافع دنیای غرب، جمهوری اسلامی یک دشمن طبیعی و ملت ایران یک متحد طبیعی برای آنها است. در چنین مقطعی از زمان، که ملت ایران شجاعانه و با اعتماد به نفس و عزم روزافزون برای پس گرفتن ایران از جمهوری اسلامی مبارزه می‌کند، از منظر سیاسی غیرمسئولانه و تنگ‌نظرانه است که دولت‌های غربی بجای آنکه به سوی ملت ایران دست دراز کنند، به رژیم دست یاری بدهند. اولویت سیاست اروپایی‌ها در قبال ایران بایستی تعامل و توانمندسازی ملت ایران و در عین حال، منزوی ساختن و تضعیف جمهوری اسلامی باشد. رفتار خلاف این صرفاً شرط‌بندی روی یک اسب مرده نیست؛ بلکه علیه منافع امنیتی کنونی و آینده اروپا خواهد بود.

مدیریت حاکم بر اقتصاد، محیط زیست و منابع ملی کشور. من یقین دارم ملت ایران، به زودی، به روش خود و با تکیه بر توانایی‌ها و شایستگی‌های خود، ایران را از این رژیم پس خواهند گرفت و آن را در مسیر آزادی، دموکراسی، صلح و رفاه قرار خواهند داد.

جمهوری اسلامی از دید ایرانیان به عنوان یک نیروی اشغالگر نامشروع شناخته می‌شود که به تاریخ، فرهنگ و منافع ملی ایران رویکردی درهم‌آمخته از بی‌اعتنایی و تحقیر دارد. از جانب دنیای غرب نیز به جمهوری اسلامی به عنوان یک تهدید امنیتی هولناک و دائمی برای ثبات و همزیستی بین‌المللی نگریسته می‌شود. بنابراین، فراتر از دگرگونی خود ایران، جنبش ملی ایرانیان برای آزادی و دموکراسی، نوید دگرگونی مثبت چشم‌انداز امنیتی عرصه سیاست بین‌الملل را نیز با خود به همراه دارد.

اروپا به علت نزدیکی جغرافیایی به ایران و نیازهای قابل توجه در حوزه انرژی، احتمالاً بیش از هر قاره دیگری در معرض خطرات و هزینه‌هایی است که جمهوری اسلامی در حوزه امنیت بین‌الملل تولید کرده است. برای اروپا، واقعیت امنیتی بین‌المللی ارائه‌شده توسط جمهوری اسلامی شامل بحران‌ها و چالش‌هایی است که بی‌پایان به نظر می‌رسد: در سراسر قلمرو اروپا، نفرت‌پرانی، رادیکالیسم، و برنامه‌ریزی و پیشبرد ترور و توطئه‌های تروریستی؛ در مرزهای اروپا، سیل میلیونی مهاجران از کشورهایی که توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عملاً فرو پاشیده‌اند؛ در اوکراین، کمک نظامی به روسیه در پشتیبانی از تجاوز به اوکراین؛ در حوزه دیپلماسی، باج‌گیری از طریق گسترش سلاح هسته‌ای و گروگان‌گیری؛ در حوزه انرژی، یک شریک غیرقابل اتکا و تا حد زیادی غیرقابل استفاده؛ و در تجارت، بازاری که نه جذابیت اقتصادی دارد و نه هدفی امن برای تجارت و سرمایه‌گذاری است.

اما یک دموکراسی پارلمانی در ایران رفتاری بسیار متفاوت از جمهوری اسلامی خواهد داشت. این دموکراسی بر اساس

● ایران در گیرودار یک جنبش انقلابی است که در پی سرنگونی جمهوری اسلامی و برپا ساختن یک دموکراسی سکولار است. ایرانیان و به ویژه نسل‌های جوان‌تر، مشتاق تغییرات کلان در ایران هستند و حکومت مذهبی حاکم و تمام آنچه را که این رژیم نمایندگی می‌کند، رد می‌کنند؛ از تعصب مذهبی و خصومت با تاریخ و فرهنگ ایران و بدرفتاری با زنان و اقلیت‌ها گرفته تا دشمنی با دنیای غرب و فساد و سوء مدیریت حاکم بر اقتصاد، محیط زیست و منابع ملی کشور. من یقین دارم ملت ایران، به زودی، به روش خود و با تکیه بر توانایی‌ها و شایستگی‌های خود، ایران را از این رژیم پس خواهند گرفت و آن را در مسیر آزادی، دموکراسی، صلح و رفاه قرار خواهند داد.

● یک دموکراسی پارلمانی در ایران رفتاری بسیار متفاوت از جمهوری اسلامی خواهد داشت. این دموکراسی بر اساس منافع ملی ایران- و نه یک ایدئولوژی افراطی مذهبی- پیش خواهد رفت و منافع عموم ملت ایران را در نظر خواهد گرفت نه منافع تنگ و محدود سیاسی- مالی یک حلقه فاسد. این دموکراسی پارلمانی، ماجراجویی‌های خارجی بسیار مخرب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به کناری خواهد گذاشت و پشتیبانی از شبه‌نظامیان و دیگر نیروهای غیردولتی را- که عامل بی‌ثباتی هستند- در سراسر خاورمیانه متوقف خواهد کرد؛ در عوض زمینه‌های مشترک همکاری با همسایگان، از جمله اسرائیل را در حوزه تامین امنیت، اقتصاد، و نگرانی‌های زیست‌محیطی، پیگیری خواهد کرد.

● این دموکراسی پارلمانی در ایران، همچنین بجای آزارسانی یا تهدید و اخاذی، نویدبخش سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت فرامرزی با اروپا خواهد بود تا بتواند به عنوان منبع جایگزین تامین انرژی برای کشورهای اتحادیه اروپا که در پی تنوع بخشیدن به پایگاه‌های تامین انرژی خود و تسریع انتقال به سوی انرژی‌های تجدیدپذیر هستند عمل کند.

برگزارکنندگان کنفرانس امنیتی مونیخ تصمیم گرفتند از نمایندگان جمهوری اسلامی برای سخنرانی در کنفرانس امسال دعوت نکنند و بجای آن از ایرانیان مخالف رژیم دعوت کردند. من افتخار داشتم که یکی از آنها باشم.

این تصمیم مهم برگزارکنندگان- که برای نخستین بار در تاریخ این رویداد، امکان نمایندگی ایران توسط نمایندگانی جز جمهوری اسلامی را فراهم کرد- نه تنها رژیم را محکوم و منزوی می‌کند بلکه به تعامل با ملت ایران پرداخته و آنها را ارتقاء می‌دهد. هنگامی که این هفته در مونیخ صحبت کردم، به دنبال ترغیب دیگران، از جمله دولت‌های غربی، به اتخاذ رویکردی مشابه بودم. از طریق گفتگوی بیشتر با ملت ایران و نه رژیم، غرب درخواهد یافت که یک ساختار امنیت بین‌المللی جایگزین- به ویژه برای اروپا- با ایران پساجامه‌جمهوری اسلامی پدیدار خواهد شد که هم ممکن و هم مطلوب است.

ایران در گیرودار یک جنبش انقلابی است که در پی سرنگونی جمهوری اسلامی و برپا ساختن یک دموکراسی سکولار است. ایرانیان و به ویژه نسل‌های جوان‌تر، مشتاق تغییرات کلان در ایران هستند و حکومت مذهبی حاکم و تمام آنچه را که این رژیم نمایندگی می‌کند، رد می‌کنند؛ از تعصب مذهبی و خصومت با تاریخ و فرهنگ ایران و بدرفتاری با زنان و اقلیت‌ها گرفته تا دشمنی با دنیای غرب و فساد و سوء

شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با گاردین: تنها مأموریتم در زندگی این است که ایرانیان پای صندوق رای سرنوشت خود را تعیین کنند



فردی بی طرف باشم نه در اردوگاه پادشاهی خواهان و نه در اردوگاه جمهوریخواهان قرار دارم.»

شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به آنها که مدعی نقض حقوق بشر و فساد در دوره حکومت پدرش در ایران هستند گفت: «من مستقل هستم و عقاید خودم را دارم... بدیهی است که اشتباهاتی در آن دوران صورت گرفته. هیچکس منکر آن نیست. اما صادقانه اگر نگاه کنیم، اکثر مردم می‌گویند که کشور آن دوران رو به جلو بود. یا می‌گویند ایران در حال پیشرفت بود. اگر انقلاب اسلامی نشده بود، امروز حداقل باید مثل کره جنوبی می‌بودیم ولی در عوض، کره شمالی شدیم.»

او به گاردین گفت که «مردم به من به عنوان پُلی برای بازگشت به گذشته نگاه نمی‌کنند. از دید آنها من کسی هستم که در کنار آنها به سمت آینده حرکت می‌کنم.»

شاهزاده در بخشی از این مصاحبه استدلال کرد که «احیای برجام» فقط به نفع جمهوری خلق چین است، نه غرب. او تأکید کرد: «برای من سؤال است که دولت بایدن چرا آنقدر برای احیای برجام تلاش می‌کند! آنهم وقتی که غرب سودی از اقتصاد ایران ندارد. تا زمانی که این رژیم بر سر کار است، مانع همکاری با غرب خواهد شد.»

گاردین در پایان نوشته است رضا پهلوی از اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی و حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی حتا توسط اسرائیل حمایت نمی‌کند هرچند که نگرانی اسرائیل را از تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی درک می‌کند.

شاهزاده رضا پهلوی در این ارتباط می‌گوید: «ما می‌توانیم وقتی دیپلماسی شکست خورده، دست به اقدام نظامی بزنیم زیرا راه سومی وجود دارد و آن حمایت از صدای مردم ایران در خیابان است. از نظر تاریخی این یک اقدام مجرمانه است که وقتی می‌توانیم راه حل بهتری در مورد رژیم ایران داشته باشیم، متوسل به گزینه نظامی شویم.»

دولت‌ها ادعا می‌کنند اعتراضات فروکش کرده، شاید به این دلیل است که می‌خواهند برخی روابط و مذاکرات‌شان را با رژیم توجیه کنند. اوضاع کمی شبیه آفریقای جنوبی در واپسین دوران آپارتاید است. دولت‌ها سعی کردند موضوع را نادیده بگیرند تا زمانی که نادیده گرفتن دیگر غیرممکن شد.»

در کنار حمایت از اعتصابات کارگری در ایران، او گفت که «تحریم سپاه پاسداران، فعالیت آن را در سراسر جهان فلج می‌کند... سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک مافیای شبه‌نظامی مسلح است که بر تمام امور ایران سلطه دارد، اما تنها رده‌های بالای سپاه پول به جیب می‌زنند بنابراین رده‌های پایین باید تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند به عنوان ابزار سرکوب مورد استفاده قرار گیرند یا کنار مردم بایستند.»

وی تأکید کرد که «تغییر رژیم مستلزم ریزش در بدنه نیروهای مسلح است که این به نوبه‌ی خود به فشار حداکثری از سوی غرب نیاز دارد.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین توضیح داد «نشانه‌هایی وجود دارد که برخی از سیاستمداران اصلاح‌طلب، آنهایی که در قشر خاکستری هستند مثل میرحسین موسوی، متوجه شده‌اند که رژیم قادر به اصلاحات نیست. درون جریان اصلاح‌طلب روز به روز این نگاه که اصلاحات را فراموش کنید و باید به عبور از رژیم فکر کرد بیشتر مطرح می‌شود و این همان چیزی است که ما می‌گوییم.»

او با اشاره به اینکه به دنبال پست و مقام در ایران چه ریاست جمهوری و چه پادشاهی نیست افزود: «تنها مأموریت من در زندگی این است که ایرانیان پای صندوق رأی بروند و سرنوشت خود را رقم بزنند.»

وی همچنین می‌گوید به برخی ارزش‌ها در نهاد پادشاهی که به عنوان مؤلفه‌هایی برای همکاری در کشور است باور دارد اما در عین حال تأکید می‌کند: «من می‌خواهم

● شاهزاده رضا پهلوی به به روزنامه انگلیسی گاردین گفت «انتشار منشور همبستگی که قرار بود اواخر فوریه انجام شود، بطور موقت به تأخیر افتاد تا امکان مشورت با گروه‌های گرد فراهم شود.»

● «همزمان با فشارهای حداکثری غرب علیه رژیم ایران، ریزش‌ها در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جریان اصلاح‌طلب بیشتر خواهد شد.»

● «دلیل تداوم انقلاب این است که همه می‌دانند موضوع مرگ و زندگی در میان است.»

● «این واقعیت که برخی از دولت‌ها ادعا می‌کنند اعتراضات فروکش کرده، شاید به این دلیل است که می‌خواهند برخی روابط و مذاکرات خودشان را با رژیم توجیه کنند.»

● شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به آنها که مدعی نقض حقوق بشر و فساد در دوره حکومت پدرش در ایران هستند گفت: «من مستقل هستم و عقاید خودم را دارم... بدیهی است که اشتباهاتی در آن دوران صورت گرفته. هیچکس منکر آن نیست. اما صادقانه اگر نگاه کنیم، اکثر مردم می‌گویند که کشور آن دوران رو به جلو بود.»

● «ما می‌توانیم وقتی دیپلماسی شکست خورده، دست به اقدام نظامی بزنیم زیرا راه سومی وجود دارد و آن حمایت از صدای مردم ایران در خیابان است.»

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با روزنامه «گاردین» که ۲۸ فوریه منتشر شد می‌گوید، «انتشار منشور همبستگی که قرار بود اواخر فوریه [اواسط اسفند] انجام شود، بطور موقت به تأخیر افتاد تا امکان مشورت با گروه‌های گرد فراهم شود.»

وی در این گفتگو تأکید کرده که «همزمان با فشارهای حداکثری غرب علیه رژیم ایران، ریزش‌ها در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جریان اصلاح‌طلب بیشتر خواهد شد.»

دو توصیه کلیدی شاهزاده رضا پهلوی به غربی‌ها قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی و کمک به ایرانیان برای دسترسی به اینترنت آزاد است.

وی که در یک تور اروپایی بسر می‌برد گفت: «دلیل تداوم انقلاب این است که همه می‌دانند موضوع مرگ و زندگی در میان است. ایرانیان شعار مرگ بر دیکتاتور سر می‌دهند، به چشمانشان گلوله اصابت می‌کند و یا بازداشت و شکنجه و اعدام می‌شوند اما ایستادگی کرده‌اند. جهان باید پاسخگو باشد و در کنار آنها قرار گیرد.»

گاردین می‌نویسد کارزار مخالفان جمهوری اسلامی برای قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا هنوز نتیجه نداده است. به نظر می‌رسد دیپلمات‌ها می‌ترسند تحریم احتمالی آخرین شانس‌ها برای احیای برجام را از بین ببرد.

ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعات آمریکا (سیا)، گفته است که «جمهوری اسلامی قادر است طی چند هفته به توانایی تولید سلاح اتمی دست یابد، اما هنوز علی‌خامنه‌ای تصمیمی برای تولید سلاح اتمی نگرفته است.»

شاهزاده رضا پهلوی به گاردین می‌گوید: «مصلحت سیاسی دولت‌های خارجی اغلب با جنبش‌های آزادیخواهانه مشکل دارد. این واقعیت که برخی از



سخنرانی شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان اروپا / چهارشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۱

شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان اروپا: من باید بتوانم به مردم ایران بگویم اروپا با شماست و نه با سرکوبگران شما!

زنان به عنوان نخستین قربانیان رژیم تا اقلیت‌های مذهبی و کارگران و دگراندیشان و هنرمندان و دگرباشان و فعالان محیط زیست. وی گفت که ضرباتی که جمهوری اسلامی به محیط زیست ایران زده جبران‌ناپذیر است. ایرانیان اکنون با بحران اقلیمی نیز روبرو هستند. تمام این مشکلات اقتصادی و اجتماعی به موج‌های جدید پناهجویی به سوی اروپا دامن خواهد زد. موضوعی که می‌بایست بطور منطقی با آن برخورد شود و این با تغییر سیاسی در ایران ممکن می‌شود.

وی در ادامه تأکید کرد: ایرانیان در حال حاضر در یک جنبش انقلابی برای پس گرفتن کشور خود بسر می‌برند چرا که این رژیم کشور ایران را اشغال کرده است. مردم با عشق و علاقه پیا خاسته‌اند تا کشورشان را از چنگ رژیم اسلامی رها کنند. برخی می‌گویند مردم ایران می‌خواهند به ارزش‌های غربی دست پیدا کنند اما من باید یک هشدار محتاطانه در اینجا بدهم: این ارزش‌ها مشترک است به ویژه با توجه به اینکه ایران یک کشور قدیمی است که از دو هزار و پانصد سال پیش سرزمینی یکپارچه بوده است. کوروش کبیر بود که نخستین منشور حقوق بشر را صادر کرد. این میراث ما از ارزش‌هایی است که بر برابری و عدالت قرار دارد. رژیم اسلامی بر این اساس معرّف و نماینده ایران نیست. هموطنان من نه تنها به دنبال پس گرفتن حقوق فردی و شهروندی خودشان هستند بلکه به دنبال نوزایی و رنسانس متکی بر صلح و همزیستی هم در داخل کشور و هم در روابط با همسایگان و با جهان هستند. پیام هموطنان من به شما یک گزینه واقعی است: یک ایران دموکراتیک درست متضاد آنچه جمهوری اسلامی عمل می‌کند. یک حکومت غیردینی که به سود ۸۵ میلیون ایرانی خواهد بود و نه فقط به نفع یک فرقه.

او در ادامه افزود که مردم ایران هم توان و استعداد و هم کارشناسان لازم را دارند که می‌توانند گذار از این رژیم به یک نظام غیردینی و دموکراتیک را مدیریت کنند؛ ایرانی که متحد شما خواهد بود. تنها مأموریت من همین است که این روند را به آن نقطه برسانم. رژیم ایران حیات مردم ایران را به خطر انداخته و یک نظام اصلاح‌ناپذیر است. نافرمانی‌های مدنی و اعتصابات و اعتراضات به سقوط این رژیم کمک می‌کند. پس از سقوط نیز روند گذار و انتقال با تشکیل مجلس مؤسسان پیش خواهد رفت و ایرانیان در یک رفراندوم آزاد به نظامی که مایل هستند رأی خواهند داد. این روند به عمر این رژیم دینی پایان خواهد داد. یک حکومت غیردینی می‌تواند منافع اقتصادی بیشتری برای اروپا به همراه بیاورد.

وی همچنین افزود که ایران ظرفیت‌های گسترده‌ای برای رشد اقتصادی خود و همچنین سرمایه‌گذاری‌های خارجی دارد. ←

چارلی وایمرز همچنین تأکید کرد که ما باید صدای اپوزیسیون ایران را در سیاست‌گذاری‌های اروپا دخالت بدهیم و دوشادوش مردم ایران برای دموکراسی بایستیم. اتحادیه اروپا می‌تواند به مردم ایران برای رسیدن به خواست‌هایشان و یک ایران سکولار و دموکراتیک کمک کند. او همچنین از کشورهای اروپایی خواست که سفیران خود را از جمهوری اسلامی ایران فرا بخوانند و در کنار مردم ایران بایستند.

توماس زدوفسکی نماینده جمهوری چک نیز پیش از سخنرانی شاهزاده از «ولیعهد گرامی ایران» برای حضور در این نشست سیاست‌گذاری کرد و گفت که ما در اینجا هستیم تا درباره ایران دموکراتیک فردا صحبت کنیم. وی گفت من خوشبین هستم و باور دارم که پایان این رژیم مذهبی نزدیک است و مردم باید به یک زندگی آزاد امید داشته باشند. ما اعضای پارلمان اروپا از مبارزه آنها برای آزادی پشتیبانی می‌کنیم.

سپس شاهزاده رضا پهلوی سخنان خود را چنین آغاز کرد که، پیش از پرداختن به آینده اجازه دهید نگاهی به گذشته اخیر بیندازیم و اقدامات رژیم جنایتکاری را مرور کنیم که کشور مرا اشغال کرده است. اتفاقاً شما در اروپا با این موضوع می‌بایست بسیار آشنا باشید چرا که از جمله به دلیل نیاز شما به انرژی، رژیم جمهوری اسلامی همواره تلاش کرده با بدکاری‌های خود از این موضوع سوء استفاده کند. انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ اصلاً هدفش به مرزهای ایران محدود نمی‌شد. آنها به ایران فقط به عنوان یک وسیله نگاه می‌کنند برای صدور انقلاب اسلامی. از همان زمان روی کار آمدن، ترور را شروع کرد؛ از ترور بستگان خود من [شهریار شفیق] تا کشتن نویسندگان و هنرمندان و دیگر شهروندان در همین خاک اروپا. این کشتار فقط به ایرانیان محدود نمی‌شد بلکه به فتوای قتل سلمان رشدی نگاه کنید!

وی سپس به موضوع اخلاک‌گری‌های جمهوری اسلامی پرداخت و با رد هرگونه مداخله نظامی خارجی در ایران تأکید کرد که اتفاقاً این خود رژیم است که در حال به راه انداختن جنگ علیه مردم و فرهنگ اروپاست همانطور که علیه مردم خودم در ایران جنگیده! پس مهم است که اتحادیه اروپا با این رژیم مقابله کند و آن را برای رفتار جنایتکارانه‌اش پاسخگو کرده و به عنوان گام اول سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست تروریستی قرار دهد. با این کار ظرفیت رژیم ایران برای تهدید مردم خودش و شما کم‌رنگ می‌شود. شما با این کار به آن ارتشی که در خود ایران است، یعنی به مردم ایران کمک می‌کنید تا با نیروی خودشان از شر این رژیم رها شوند. شاهزاده رضا پهلوی سپس به سرکوب گروه‌های مختلف شهروندان در ایران توسط جمهوری اسلامی پرداخت؛ از

● در این کنفرانس با عنوان «ایران سکولار و دموکراتیک: تأثیرات بر اقتصاد و امنیت اروپا» که شماری از نمایندگان پارلمان اروپا و همچنین نمایندگان از پارلمان بلژیک، فرانسه و بریتانیا در آن حضور داشتند، شاهزاده رضا پهلوی خواستار فشار حداکثری به جمهوری اسلامی و قرار گرفتن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی و حمایت حداکثری از مردم ایران و انقلاب آزادخواهی آنها شد.

● شاهزاده رضا پهلوی افزود: با این کار ظرفیت رژیم ایران برای تهدید مردم خودش و شما کم‌رنگ می‌شود. شما با این کار به آن ارتشی که در خود ایران است، یعنی به مردم ایران کمک می‌کنید تا با نیروی خودشان از شر این رژیم رها شوند.

● «پیام هموطنان من به شما یک گزینه واقعی است: یک ایران دموکراتیک درست متضاد آنچه جمهوری اسلامی عمل می‌کند. یک حکومت غیردینی که به سود ۸۵ میلیون ایرانی خواهد بود و نه فقط به نفع یک فرقه.»

● «این دوره بسیار دشواری برای مردم ایران است و مردم ایران از هیچ فداکاری دریغ نمی‌کنند تا به آینده آزاد و دموکراتیک برسند. این مایه امید من است و من باید بتوانم به آنها بگویم که اروپا با شما مردم ایران است و نه با سرکوبگران شما. اروپا مردم ایران را به رسمیت بشناسد و نه جمهوری اسلامی را!»

شاهزاده رضا پهلوی روز چهارشنبه اول مارس (۱۰ اسفند) به دعوت گروهی از نمایندگان پارلمان اروپا از جمله چارلی وایمرز نماینده سوئدی در محل این پارلمان در بروکسل سخنرانی کرد. همزمان شماری از ایرانیان مقابل محل نشست تجمع کرده و در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی و انقلاب ملی ایران شعار سر دادند. در این کنفرانس با عنوان «ایران سکولار و دموکراتیک: تأثیرات بر اقتصاد و امنیت اروپا» که شماری از نمایندگان پارلمان اروپا و همچنین نمایندگان از پارلمان بلژیک، فرانسه و بریتانیا در آن حضور داشتند، شاهزاده رضا پهلوی خواستار فشار حداکثری به جمهوری اسلامی و قرار گرفتن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی و حمایت حداکثری از مردم ایران و انقلاب آزادخواهی آنها شد. سخنرانی و کنفرانس خبری پس از آن بطور زنده از برخی شبکه‌های فارسی‌زبان از جمله صدای آمریکا با ترجمه همزمان پخش شد.

چارلی وایمرز نماینده سوئد ضمن خوشامدگویی به شاهزاده رضا پهلوی گفت: «والاحضرت شاهزاده رضا پهلوی، این نخستین دیدار شما از پارلمان اروپا است و این افتخار ما است که میزبان شما هستیم و حضور شما در میان ما ارزشمند و خارق‌العاده است.»



اکونومیست: پسر آخرین پادشاه ایران برای پس گرفتن تاج و تخت تلاش می کند

● اکونومیست می نویسد با اینکه رضا پهلوی ۴۴ سال است در خارج از ایران بسر می برد، اما به نظر می رسد اگر مردم ایران می توانستند انتخاب کنند، وی انتخاب آنها می بود.

● یکی از حامیان او در تهران با اشاره به «کورش کبیر» به اکونومیست گفته «رضا پهلوی کورش جدید ما است».

● یک دانشجو به اکونومیست می گوید: «ما به شاه بد کردیم که بیرونش کردیم. باید دینی را که داریم به پسرش بپردازیم».

● «اکونومیست» که به نظر می رسد بازگشت پادشاهی به ایران را نامحتمل نمی داند، در پایان می نویسد «تخت طاووس ممکن است هنوز برای مدتی خالی بماند».

هفته نامه «اکونومیست» در یادداشتی کوتاه به موقعیت شاهزاده رضا پهلوی در اپوزیسیون و نقشی که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی برای خود تعریف کرده پرداخته است.

در مقدمه این نوشتار آمده، پدرش خود را «شاهنشاه» و «آریامهر» و فرمانروای نشان شیرخورشید می نامید. هنگامی که شاه یک سال پس از سرنگونی حکومت پهلوی توسط روح الله خمینی در سال ۱۹۸۰ درگذشت، پسرش که دانشجویی ۲۰ ساله بود، خود را با همین عظمت «شاه» و جانشین پدر اعلام کرد. این روزها اما رضا پهلوی با تواضع این را به عهده خود مردم می گذارد که هرچه می خواهند او را صدا کنند.

وی معتقد است بستگی به تصمیم مردم ایران دارد که یک پادشاه دیگر بر تخت طاووس تکیه زند یا یک جمهوری سکولار دموکراتیک را انتخاب کنند اما تأکید دارد وظیفه خود می داند از این تصمیم هرچه باشد حمایت کند. او امیدوار است به هم میهنانش کمک کند تا با گذار مسالمت آمیز از رژیم دیکتاتوری مذهبی فاسد کنونی به آزادی برسند.

«اکونومیست» با اشاره به تداوم خیزش ضدحکومتی در ایران به اعلام همبستگی چهره های شاخص ایرانی از جمله علی کریمی ستاره پیشین فوتبال ایران با شاهزاده رضا پهلوی، می نویسد در هفته های اخیر شبکه های تلویزیونی ماهواره ای مخالف رژیم ایران مدام مصاحبه ها و جلسات شاهزاده را برای ایران پخش می کنند. روز ۱۸ فوریه در یکی از مهم ترین نشست های رهبران جهان در مونیخ شرکت کرد تا درباره امنیت جهانی با آنها به گفتگو بپردازد. به گفته وی این نشست «به راستی نیروبخش» بود.

در این گزارش همچنین آمده است با اینکه رضا پهلوی ۴۴ سال است در خارج از ایران بسر می برد، اما به نظر می رسد اگر

غنی سازی هسته ای از دست بدهیم و همسایگان خود را نیز نگران کنیم؟!

چارلی وایمرز نماینده سوئد در پارلمان اروپا نیز در این نشست گفت که حضور شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان اروپا «یک پیام قوی و محکم به رهبران اروپایی و اپوزیسیون ایرانی است» و «در این مقطع نیروهای اپوزیسیون بیش از هر زمان دیگری متحد هستند». وی افزود «پیامها نشان می دهد که اتفاقات خوبی در حال رخ دادن است».

در این بخش از نشست، چند تن از نمایندگان ایرانی تبار پارلمان اروپا از سوئد به طرح نکاتی پرداختند که بسیار مورد توجه حاضران قرار گرفت.

پس از این نشست، شاهزاده رضا پهلوی به همراه چارلی وایمرز در کنفرانس خبری شرکت کرد و به پرسش های خبرنگاران پاسخ داد.

بهنام محمدی همکار کیهان لندن از شاهزاده پرسید: با

ما از الان درباره توسعه دویاری آینده ایران فکر می کنیم چرا که آن آینده پیش روی ماست. من آمدم اینجا از شما بخواهم نه تنها فشار حداکثری علیه رژیم بلکه حمایت حداکثری از مردم نیز باید از طرف شما باشد. نه به این دلیل که فقط به نفع ایران و هموطنان من است بلکه به نفع شما نیز هست. ما نه دخالت بلکه حمایت شما را می خواهیم. من همیشه به هموطنانم گفته ام که ما باید روی پای خودمان بایستیم و به نیروی خودمان تکیه کنیم و نه کشورهای خارجی. اما در نهایت حمایت اروپا به ما خیلی کمک می تواند بکند. این دوره بسیار دشواری برای مردم ایران است و مردم ایران از هیچ فداکاری دریغ نمی کنند تا به آینده آزاد و دموکراتیک برسند. این مایه امید من است و من باید بتوانم به آنها بگویم که اروپا با شما مردم ایران است و نه با سرکوبگران شما. اروپا مردم ایران را به رسمیت بشناسد و نه جمهوری اسلامی را!

شاهزاده رضا پهلوی سخنان خود را با این جمله به پایان برد: به امید پیروزی نور بر تاریکی.

با پایان سخنرانی، نمایندگان حاضر برخاسته و با کف زدن از این سخنان استقبال کردند و سپس به طرح پرسش هایی از شاهزاده رضا پهلوی پرداختند. در این بخش شاهزاده به نقشه راه و برنامه های مربوط به اعتصابات و تشریح وضعیت انقلابی ایران و خواست های مردم پرداخت. از جمله این موضوع که باید راهی برای تأمین و انتقال پول جهت تغذیه اعتصابات سراسری پیدا کرد.

وی در بخش دیگری به این موضوع اشاره کرد که خمینی در بازگشت به ایران پس از پانزده سال دوری احساسش درباره کشور «هیچ» بود در حالی که ایرانیان امروز در داخل و خارج فریاد می زنند: جانم فدای ایران! تفاوت اصلی این جا است. شما به کی بیشتر می خواهید اعتماد کنید؟ به مردم ایران که حاضرند جانشان را فدای کشورشان بکنند؟ یا مقاماتی که اصلا ایران برایشان مهم نیست؟

پس از این جملات شاهزاده، ایرانیان حاضر در این نشست شعار دادند «می جنگیم می میریم، ایران رو پس می گیریم» و او شعار را به انگلیسی ترجمه کرد.

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به افزایش تهدیدات دائمی از سوی رژیم ایران علیه منافع غرب و کشورهای منطقه از اروپایی ها خواست علاوه بر تشدید فشار به رژیم ایران همزمان از مخالفان حکومت نیز حمایت کنند و تأکید کرد با حمایت غربی ها در آینده ایران آزاد می تواند شریک قابل اعتمادی برای اروپا به ویژه در زمینه انرژی باشد تا دیگر روسیه با گاز از اروپا باج گیری نکند.

شاهزاده رضا پهلوی همچنین افزود: هزینه ۴۴ سال زندگی تحت دیکتاتوری مذهبی را پرداختیم و به اینجا رسیدیم که ارزش سکولاریسم و جدایی دین از سیاست را درک کنیم و به جایی رسیدیم که هیچکس تردید ندارد چرا جمهوری اسلامی باید سقوط کند اکنون بحث سر این است که چگونه می شود این تغییر در ایران تحقق یابد.

با توجه به تأیید آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد کشف ذرات اورانیوم با غلظت ۸۴ درصد در تأسیسات اتمی فردو بخشی از سخنرانی شاهزاده پهلوی به تهدیدات هسته ای جمهوری اسلامی متمرکز بود که گفت: حرکت اولیه پروژه ای اتمی ایران با هدف تولید انرژی هسته ای به عنوان یک منبع نو انرژی بود که در زمان پدرم اتفاق افتاد اما او مخالف کاربرد نظامی هسته ای بود. او در پاسخ به توصیه هایی درباره مپ هسته ای می گفت، فرض کنید که سلاح هسته ای تولید کنیم، آیا می توانیم ۳۰۰ کلاهک هسته ای شوروی را خنثی کنیم؟

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد: ایران در زمینه انرژی دارای امتیاز است پس چرا باید این امتیاز را با رفتن به سمت مسابقه

مردم ایران می توانستند انتخاب کنند، وی انتخاب آنها می بود. یکی از حامیان در تهران با اشاره به «کورش کبیر» به «اکونومیست» گفته «رضا پهلوی کورش جدید ماست».

از زمان سرنگونی حکومت پهلوی تا کنون دو نسل از ایرانیان با داستان هایی از ارباب و خشونت ساواک و همچنین حکومت تک حزبی در آن دوران بزرگ شده اند. اما برخی از معترضان امروز می گویند خشونت ساواک در مقابل خشونت آیت الله ها هیچ است.

فقر گسترده، خفقان شدید اجتماعی و انزوای بین المللی مجموعه عواملی است که باعث شده بسیاری از ایرانیان حسرت گذشته را بخورند. یک دانشجو به «اکونومیست» می گوید: «ما به شاه بد کردیم که بیرونش کردیم. باید دینی را که داریم به پسرش بپردازیم».

«اکونومیست» با اشاره به دشواری های مسیر پیش روی شاهزاده رضا پهلوی برای سرنگون کردن ملاما می نویسد شبکه ی طرفداران او در داخل ایران با محدودیت های زیادی روبروست. نویسندگان این گزارش «اکونومیست» کنایه هایی هم به شاهزاده رضا پهلوی زده اند از جمله اینکه «فداکاری وی زیر سؤال رفته» و «در جریان موج قبلی اعتراضات ضد آخوندی در سال ۲۰۱۹ وقتی معترضان به نفع او شعار می دادند، ظاهراً او در سواحل کارائیب مشغول غواصی بود».

همچنین در این مطلب به نقل از یکی از مشاوران سابق «شاه بالقوه» آمده: «پادشاهی هواخواهان بسیار زیادی دارد و اگر او به مسئولیت اش عمل می کرد، جمهوری اسلامی ۴۳ سال دوام نمی آورد». این حرف اگرچه تند ولی ممکن است واقع بینانه باشد. «اکونومیست» که به نظر می رسد بازگشت پادشاهی به ایران را نامحتمل نمی داند، در پایان می نویسد «تخت طاووس ممکن است هنوز برای مدتی خالی بماند».

توجه به دیدارهای این تور اروپایی، فکر می کنید، دولت های اتحادیه اروپا و همچنین بریتانیا، تا چه اندازه متوجه واقعیات در ایران و عزم و خواست مردم برای جایگزینی جمهوری اسلامی با یک نظام دموکراتیک شده اند؟ وی در پاسخ از جمله گفت: هرچه بیشتر این گفتگوها انجام شود این امکان برای آنها فراهم می آید که شناخت بهتری پیدا کنند تا فقط اخباری که به دست شان می رسد. باید در همین گفتگوها دولت های اروپایی را نسبت به خواست و توانایی مردم برای پر کردن خلاء پس از جمهوری اسلامی قانع کرد.

گفتنی است پیش از آغاز نشست در محل پارلمان اروپا، چارلی وایمرز نماینده سوئد هدیه ای را که به رؤسای دولت ها اهدا می شود تقدیم شاهزاده کرد و گفت این اقدام نشانه ی اهمیت حضور و سخنرانی شما در پارلمان اروپاست. شاهزاده ضمن سپاس تأکید کرد این هدیه را از طرف هموطنانم می پذیرم چون در واقع هدیه ای به آنهاست.

دست شیطان را باید خواند تا شر آن کمتر شود

عبدالله جوادی آملی از مراجع تقلید شیعه با نقد مکاتب امنیتی غرب می‌گوید «مقوله امنیت در کشورهای جهان سوم با کشورهای پیشرفته کاملاً متفاوت است و نمی‌توان این دو را با هم مقایسه کرد. مثلاً در کشورهای پیشرفته مسائل محیط زیست می‌تواند تهدید امنیت به شمار رود اما در جهان سوم ناامنی‌ها ریشه داخلی دارد و عمده تهدیدات از ناحیه مردم خودشان است.»

اما محمد ستوده عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم در نشستی با عنوان «اسلام و امنیت بین‌الملل از دیدگاه جوادی آملی» می‌گوید «امنیت متعالیه ناظر به وجود امت است نه ملت.» وی تأکید می‌کند جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت متعالیه در سطح بین‌الملل اقدام به ساخت موشک بود و این موشک شرط بقای ماست.»

محسن فخری‌زاده از متخصصان اتمی و موشکی جمهوری اسلامی یکی از خروجی‌های مکتب فکری ملاصدرا است. امثال او معتقدند برای حفظ نظام دستیابی به سلاح اتمی و پشتیبانی از شبه‌نظامیان در منطقه ضروری است.

فردون عباسی دوانی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی می‌گوید با وجود فتوای علی خامنه‌ای در مورد حرام بودن سلاح هسته‌ای، فخری‌زاده برای آن سیستم ایجاد کرد زیرا مسئله فقط دفاع از کشور نبود و «ما پشتیبان جبهه مقاومت» نیز هستیم.

آندسته از کارگزاران جمهوری اسلامی که مؤلفه‌های خارجی را عامل اصلی تهدید موجودیت نظام می‌دانند برای مقابله با آن، دستیابی به سلاح کشتار جمعی را ضروری می‌دانند. گروهی که اصلی‌ترین تهدید برای موجودیت نظام را داخلی (اعتراضات مردم) می‌دانند برای بقای نظام دست به هر جنایتی می‌زنند. در چنین ساختاری هر جنایتی برای حفظ منافع یا امنیت حکومت توجیه‌پذیر است. مثلاً شلیک موشک به هواپیمای مسافربری یا استفاده از سپر انسانی. همچنین در چنین ساختاری دست کارگزاران باز است که مثلاً با هواپیمای مسافربری تسلیحات و مواد منفجره حمل کنند. یا انبارهای مهمات و تأسیسات اتمی را در مناطق شهری و مسکونی تأسیس نمایند. دقیقاً اینجاست که باید رفتار امنیتی نظام را با عینک سوراخ‌لیستی تحلیل کرد. آنها این انگیزه را دارند که برای حفظ اسلام و حکومت اسلامی به صورت زنان اسید بپاشند. آنها برای بقای خودشان وقتی موجودیت نظام را در خطر ببینند برای ایجاد آلودگی‌های بیولوژیک و شیمیایی اقدام خواهند کرد. اصلاً عجیب نیست اگر آنها با بحران‌سازی به امید فرار از مهلکه با دستکاری‌های مصنوعی روی گسل‌ها برای وقوع زلزله اقدام کنند. برای آنها مهم نیست اگر در «حرم رضا» در مشهد یا «شاهچراغ» در شیراز و همچنین در ایستگاه‌های مترو یا مراکز خرید دست به جنایت بزنند.

با این وضعیت راه مقابله بجز هشدار و احتیاط چیست؟ متدهایی از مبارزه که به صورت حداکثری منجر به ریزش نیروهای وفادار به رژیم شود تا زمامداران کسی را برای انجام این مأموریت‌های تبهکارانه پیدا نکنند. آنانکه از دل این ساختار شیطانی بیرون آمده‌اند دست آن را بهتر می‌خوانند. اما ریزش آنها وقتی تکمیل می‌شود و یا به نقطه برگشت‌ناپذیر می‌رسد که فرصت برای مراد به نیروهای بریده از نظام نیز فراهم شود. این ضعفی است که اپوزیسیون با آن روبروست. ایجاد یک سازوکار مستقل که به دور از حواشی سیاسی و جنجال‌های رایج باشد، می‌تواند به سازماندهی این نیروها کمک کند.



پاریس، ولز، کپنهاگ) و یا خوشبینانه به عنوان شکلی از امنیت جمعی در کنار رژیم‌ها و گروه‌های بدخیم حول «غرب‌ستیزی» تحلیل می‌کنند. اما واقعیت این است که «روش‌های تأمین امنیت حکومت اسلامی» با روش‌های برآمده از مدل‌های غربی امنیت سازگار نیست. بنابراین از یک نقطه به بعد حتی عمل متعارف آنها در حوزه امنیت به سمت نامتعارف چرخش می‌کند: «شرّ نهایی!»

در چنین وضعیتی رفتارهای جمهوری اسلامی در شرایط بحران بر اساس الگوهای متداول امنیتی قابل تحلیل و تفسیر و پیش‌بینی نیست مگر یک الگو: سورتالیسم (فراواقع‌گرایی) جایی که برای تحلیل آن به قوه تخیل قوی نیاز است. راهبرد امنیتی در جمهوری اسلامی بیش از آنکه خروجی آکادمی‌ها و اتاق‌های فکر باشد حاصل معادلاتی است که در حوزه‌ها و هیأت‌های مذهبی تا دل‌خانه‌ها و خانه‌های مخفی سران تدوین می‌شود.

حکومت اسلامی از بدو تأسیس در سال ۵۷ همواره خود را در معرض نابودی دیده است. بنابراین برای بنیانگذاران و کارگزاران آن چیزی مهمتر از حفظ موجودیت آن نیست اما نه بر اساس دیدگاه‌های امنیتی نوسازی شده متفکرانی مثل هانس‌جی. مورگنتا، کنت والز و جان مریشایمر بلکه آنچه در نهاد‌های امنیتی رژیم پیاده می‌شود بر اساس «مکتب امنیتی متعالیه» (نظریه امنیت اسلامی) برخاسته از نظریات و دیدگاه‌های ملاصدرا (۱۵۷۰ میلادی) است.

ملاصدرا در رساله «کسر اصنام الجاهلیه» شهادت‌طلبی را از ویژگی‌های اصلی رهبران جامعه اسلامی می‌داند و معتقد است اسلام و مکتب توحیدی مرجع امنیت است. در تمام ۴۰۰ سال گذشته مکتب ملاصدرا شاگردی بهتر از روح‌الله خمینی نداشت. در صحیفه خمینی جلد ۱۵ صفحه ۳۳۰ آمده «حفظ اسلام یک فریضه الهی است یعنی هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست و بر شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است.» اساس مکتب امنیتی ملاصدرا ساختن جامعه اسلامی و تأمین امنیت و حفظ موجودیت آن با هر ابزاری است. بر سر اینکه تهدید اصلی که جمهوری اسلامی با آن روبروست از سوی مردم است یا دشمن بیرونی البته اختلاف نظر فکری در لایه‌های مختلف نظام وجود دارد.

● جمهوری اسلامی یک رژیم منحصر به فرد است که فقط باید با خودش مقایسه شود. یک حکومت شیعی انقلابی که قدرت در آن بر اساس باورهای آخرزمانی شکل گرفته است. چنین رژیمی برای حفظ موجودیت خود نمی‌تواند بر اساس اصول و بنیان‌های امنیتی متعارف عمل کند.

● موجودیت جمهوری اسلامی بر اساس «بازتولید شرّ» و «نزاع و درگیری متداوم» حفظ می‌شود. اگر شرّ در ثریا هم باشد باز مردانی از جمهوری اسلامی به آن دست پیدا خواهند کرد.

● در چنین وضعیتی رفتارهای جمهوری اسلامی در شرایط بحران بر اساس الگوهای متداول امنیتی قابل تحلیل و تفسیر و پیش‌بینی نیست مگر یک الگو: سورتالیسم (فراواقع‌گرایی) جایی که برای تحلیل آن به قوه تخیل قوی نیاز است.

● راهبرد امنیتی در جمهوری اسلامی بیش از آنکه خروجی آکادمی‌ها و اتاق‌های فکر باشد حاصل معادلاتی است که در حوزه‌ها و هیأت‌های مذهبی تا دل‌خانه‌ها و خانه‌های مخفی سران تدوین می‌شود.

● اصلاً عجیب نیست اگر آنها با بحران‌سازی به امید فرار از مهلکه با دستکاری‌های مصنوعی روی گسل‌ها برای وقوع زلزله اقدام کنند. برای آنها مهم نیست اگر در «حرم رضا» در مشهد یا «شاهچراغ» در شیراز و همچنین در ایستگاه‌های مترو یا مراکز خرید دست به جنایت بزنند.

حامد محمدی- برای آنها که رفتارهای امنیتی جمهوری اسلامی را می‌شناسند عجیب نخواهد بود اگر بشنوند مسمومیت دانش‌آموزان دختر در مدارس اقدامی عمدی است. اساساً چندین نهاد امنیتی و اطلاعاتی در ایران فعال‌اند تا در نهایت امنیت و موجودیت نظام حفظ شود اما موازی با آن افراد یا گروه‌هایی نیز وجود دارند یا اکنون فعال شده‌اند تا مأموریت‌های خارج از سازمان‌های رسمی به آنها واگذار شود. این افراد یا گروه‌ها می‌توانند عضوی از یک نهاد امنیتی یا افرادی مستعد خارج از سازمان‌های رسمی باشند.

سپردن برخی مأموریت‌ها که مسئولیت و هزینه آن برای حیثیت و موقعیت نهادهای رسمی زیاد است به افراد و تشکلهایی خارج از نهادهای رسمی، عین گروه‌های شبه‌نظامی نیابتی، برای حکومت به صرفه‌تر است. برای آنها سخت نیست از طریق واسطه و با کمترین هزینه کسانی را مأمور جنایت علیه مردم در داخل یا بیرون از کشور کنند: مثل یک عملیات محدود بیولوژیک یا طرح یک ترور کیلومترها دور از ایران.

جمهوری اسلامی یک رژیم منحصر به فرد است که فقط باید با خودش مقایسه شود. یک حکومت شیعی انقلابی که قدرت در آن بر اساس باورهای آخرزمانی شکل گرفته است. چنین رژیمی برای حفظ موجودیت خود نمی‌تواند بر اساس اصول و بنیان‌های امنیتی متعارف عمل کند. موجودیت جمهوری اسلامی بر اساس «بازتولید شرّ» و «نزاع و درگیری متداوم» حفظ می‌شود. اگر شرّ در ثریا هم باشد باز مردانی از جمهوری اسلامی به آن دست پیدا خواهند کرد.

در این میان، الگوی امنیتی جمهوری اسلامی بر اصولی استوار است که یکی از بنیان‌های آن «شهادت» است. با همین الگو «شرّ» را «خیر» و حتا مرگ شرور را نیز شهادت جا می‌زنند. بدیهی است اغلب تحلیلگران رفتارهای امنیتی رژیم را بر اساس مکاتب متداول امنیتی (رئالیستی، یا مکاتب متأخر مثل

آمدیم به باغ ملی ۲۰ کیک حق دخول داده وارد شدیم. شاه خیابان وسط را پیش گرفت و اطراف را تماشاکنان می‌رفت. باغ پر از زن و مرد بود. با آن بزرگی باغ جمعی از شاگردان مدرسه دانش آنجا بودند که خیلی وجیهه و زیبا هستند و شاگردهای مدرسه نظام هم جمعی در میان جماعت بودند. ناصرالدین شاه که نقاش بسیار خوبی است و خودش هم شاعر است از صورت خوب خیلی خوشش می‌آید. در همان روشنایی چراغ که صورت دخترهای هیجده ساله مثل لاله می‌درخشید، واله‌اش کرده بود، از من می‌پرسید اگر زیاد به اینها نگاه کنم بدشان می‌آید؟ عرض کردم ممکن نیست آدم در جلو این خانمها بیاستد و تماشا کند، البته بدشان می‌آید ولی اگر گردش کنان، مکرر تماشا کند عیب ندارد...».

ناصرالدین شاه، خاطرات سفرش را روزانه یادداشت می‌کرد. در خاطرات سومین سفرش به روسیه نوشته است «دخترهای پادشاه مونتنگرو (یوگسلاوی) چهار ماه است که در پطر (سن‌پترزبورگ) هستند. در ساعت هفت باید شام رسمی با

بازشم

دست دادن یا ندادن مسأله این است! (۵) از سلطان صاحبقران تا متولیان چاه جمکران (کیهان لندن شماره ۱۱۷۴-۱۱۶۳)

تیر تا مهر ۱۳۸۶

احمد احرار



ناصرالدین شاه-کاخ گلستان

امپراطور و امپراطریس بخوریم. نزدیک به وقت با امیرال پاف کالسکه نشسته رفتیم منزل امپراطور. امپراطریس و امپراطور توی اطاق ایستاده بودند. بعضی از جنرالهای بزرگ، شاهزاده‌ها و خانمها ایستاده بودند. چون امپراطور منتظر سفره بود که حاضر شود ما قدری با امپراطریس و خانمها صحبت کردیم تا امپراطور آمد، گفت شام حاضر است، امپراطریس بازوی ما را بغل گرفت و امپراطور هم بازوی زن برادرش را بغل گرفت و آمدیم سمت اطاق شام. داخل اطاق شام شدیم، اطاق سفید بسیار قشنگ بزرگی بود که بال و رقص هم در این اطاق می‌کنند. بسیار خوب میزی چیده بودند. یک میز هم جلو ما چیده بودند که بعضی از ایرانیها و فرنگیها نشسته بودند. دست راست من دختر بزرگ والی مونتنگرو نشسته بود. دست چپ من هم امپراطریس نشسته بود. امپراطور هم مقابل من نشسته بود. من خیلی دلم می‌خواست تمام را با دختر والی حرف بزنم، اما امپراطریس پهلویم بود و باید با او حرف می‌زد. دو کلمه با امپراطریس حرف می‌زدم هشت کلمه با دختر والی... در شام، امپراطور برخاسته توستی به سلامتی ما خورد، ما هم به سلامت امپراطور توستی خوردیم. موزیک می‌زدند. خیلی خوب بود...»

این داستانها مال صد و سی سال پیش است. پس، وقتی اوضاع امروزان را می‌بینیم و داستان دست دادن و دست ندادن را می‌شنویم حق داریم از خودمان بپرسیم از کجا به کجا رسیده‌ایم!

که از راه آهن وارد عمارت شدیم و اعلیحضرت پرنسس الکساندرا زن ولیعهد، دختر پادشاه دامبارک، با تمام رؤسای دربار خود و رؤسای ندیمه‌های خود در یکی از سالون‌ها منتظر ورود اعلیحضرت بود، ولیعهد شاه را به او معرفی کرد. به شاه دست داد و با سرش تعظیمی کرد ولی حرف نزد. شاه رؤسای ملتزمین را به پرنسس معرفی کرد. پرنسس به هیچکدام دست نداد. این فقره به شاه خوش نیامد. بعد از آن که از پیش پرنسس آمدیم، شاه رفت اطاق خود. مدتی در باغ صحبت می‌کرد و اظهار تعجب می‌مود. امین‌السلطان وقتی که از اطاق شاه بیرون آمدیم علت این پذیرایی سرد را از مهماندار پرسید. مهماندار در جواب گفت متأسفانه پرنسس قدری سنگین می‌شود. این است که با اشخاصی که درست نمی‌شناسد حرف نمی‌زند و می‌ترسد از او چیزی بپرسند و او نشود و اسباب خفت باشد...»

در ورشو، ناصرالدین شاه برای آشنایی بیشتر با اوضاع و احوال اجتماعی و زندگانی جاری و عادی مردم، ارفع‌الدوله را مأمور می‌کند لباس مبدل بپوشد و با هم، بدون ملازمان و مراقبان، در شهر گردش کنند: «در وقت معین رفتن دم در و لازم بود به قراولهای دم در بگویم این کسی که می‌رود بیرون و برمی‌گردد کی است تا مانع از ورود و خروج نشوند ولی سپردم که ابداً سلام نظامی ندهند. در همان وقت اعلیحضرت تنها بیرون آمد گفت می‌خواهم باغ ملی را که می‌گویند تمام خانواده‌های ورشو آنجا می‌آیند ببینم...

ناصرالدین شاه سه بار به فرنگستان سفر کرد. نخستین سفر او در سال ۱۲۹۰ هجری قمری صورت گرفت یعنی ۱۳۸ سال پیش. شادروان عبدالله مستوفی مورخ نبود ولی سه جلد کتاب خاطرات وی برای آشنایی با تاریخ سیاسی و اداری و اجتماعی دوره قاجاریه، یکی از منابع قابل اعتماد و مراجع قابل استناد است. او درباره نخستین سفر ناصرالدین شاه می‌نویسد «مشیرالدوله به این قصد شاه را به فرنگ می‌برد که ترقیات مادی و معنوی اروپا را که از اثر حکومت مقننه در کشورهای این قطعۀ دنیا حاصل شده است به رأی‌العین مشاهده کند و از کاری که به اجرای آن تصمیم گرفته است (نوشتن قانون برای اداره کشور) پشیمان نشود... در این مسافرت که در حدود پنج ماه طول کشید از طرف امپراطورها و پادشاهان و امراء و رؤسای جمهوری ممالکی که شاه به آنجا رفته، حتی سوئیس که هیچ گونه رابطه‌ای با ایران نداشت همه گونه احترام به عمل آمد... زنگی و کاردانی صدر اعظم (میرزا حسین خان مشیرالدوله) و متانت و وقار ایرانیان، با این که تقریباً همه از آداب اروپایی بی‌اطلاع بوده‌اند، همه جا چراغ راه آنها بوده برانزنگی ایرانی را در تمام عالم منتشر کرده است. من خود از پیره ژنرالهای روس حکایاتی شنیده‌ام که تماماً مبنی بر حس احترام و عظمت نسبت به شاه و دلیل آداب‌دانی و نجابت همراهان اوست. این سفر به‌خوبی بر اروپائیان ثابت کرد که درباره ایران نباید از روی کتاب الف لیله و حاجی‌بابا و افسانه‌های محمدرضابیک سفیر شاه صفوی قضاوت کرد. ایرانیها مردمانی با حیثیت و آبرومند و نجیب و دارای ملکات فاضله هستند و بزرگمنش می‌باشند. شاه هم الحق در تمام موارد حق نمایندگی یک ملت کهنسال با حیثیت را به‌خوبی ادا کرده است.»

مشیرالدوله زمانی که سفارت ایران در دربار عثمانی را به‌عهده داشت، پیشنهاد کرده بود شاه، وقتی به‌زیارت کربلا و نجف و کاظمین می‌رود در پایان سفر عتبات، راهش را به سوی اروپا کج کند. ناصرالدین‌شاه در جواب این پیشنهاد، به او نوشت «اولاً سفر فرنگستان در نظر من هست و هرگز فراموش نمی‌شود. منتظر وقت و فرصت هستم. انشاءالله تعالی، به‌خواست خدا و به‌شرط حیات، از سن ۴۳ می‌گذرد که داخل فرنگستان خواهم شد و حالا سه سال دیگر به این وعده مانده است. ثانیاً سفر زیارت عتبات و عراق عرب را نمی‌توان داخل و منضم به سفر فرنگستان کرد، آن وقت هر دو ناقص می‌شود و دلایل دیگر دارد در عدم اختلاط این دو مقصود...»

همین دو کلمه نشان می‌دهد که پادشاه مسلمان مناسب نمی‌داند سفر زیارتی را با سفر سیاحتی مخلوط کند، چون بنا به تشخیص صحیح او، زیارت یک مقوله است و سیاست مقوله‌ای دیگر. سفر عتبات به حوزه دیانت مربوط می‌شود و آداب خود دارد، آدابی که در حوزه سیاست معمول و معقول نیست. به‌همین دلیل است که ناصرالدین شاه، با حفظ اعتقادات و تقیدات مذهبی، وقتی به اروپا می‌رود از دست دادن با خانمها به‌عذر ممنوعیت شرعی استنکاف نمی‌ورزد، سهل است که مثل تربیت‌شدگان فرنگ، آداب‌دانی به‌خرج می‌دهد و آبروداری می‌کند.

روسیه، نخستین کشوری بود که ناصرالدین شاه در سفر خود به فرنگستان از آن دیدن کرد. میرزا رضاخان ارفع‌الدوله که به‌عنوان مترجم زبان روسی در سلک ملازمان شاه قرار داشت می‌نویسد «در مهمانی شام رسمی دربار، امپراطریس ماری فتودورونا در وسط میز نشسته بود، در دست راستش شاه و طرف چپ گراندوک ولادیمیر». ناصرالدین‌شاه، به‌روایت ارفع‌الدوله، در سفر فرنگ حتی از دست ندادن عروس پادشاه انگلیس با همراهانش به‌خشم می‌آید: «قرار بود شاه دو روز در این عمارت (قصر باکینگهام) بماند. وقتی

شاه تنها مانده بود و وزیر دربار، نخست وزیر را تضعیف می کرد

جمشید آموزگار تکنوکراتی صادق بود ولی سیاستمدار برجسته‌ای نبود
در آن زمان شاه در کنار خود به کسانی نیاز داشت که فضای مملکت را آرام و
دسیسه‌های بین‌المللی را خنثی کنند

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۳)



دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تاس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

عباس هویدا «جانشین او شد. «علم» بی شک شخصیت بحث‌انگیزی بود که بسیار مورد انتقاد قرار می‌گرفت. به‌آسانی می‌شد او را با «دوک دموورنی» برادر ناتنی «ناپلئون سوم»، با همان ضعفها و قابلیتهای دولتمردان واقع‌گرا، مقایسه کرد. بسیاری نوشته‌اند که اگر در سال بحرانی ۱۹۷۸، «علم» در کنار محمدرضا شاه بود، از سقوط او جلوگیری می‌شد. شاید هم حق دارند. مرگ او، درست همزمان با اوج بحران، اندکی پس از درگذشت دکتر «منوچهر اقبال» نخست وزیر پیشین دیگر و سپهبد «یزدان‌پناه» سالخورده، آخرین همراه رضاشاه رخ داد. و نتیجه آن شد که شاه از راینزهای آخرین گروه افرادی که به آنها اطمینان کامل داشت محروم شود. از آن پس، شاه پیش از پیش به همه شک و سوء ظن داشت. این ضربه سیاسی و روانی بسیار سختی بود برای مردی که هر روز تنها تر می‌شد، اما واژه‌ود می‌کرد که تنها نیست.

از ماه مارس تا ژوئن، مرتباً تظاهراتی در تبریز، قم و حتی تهران صورت گرفت. آیت‌الله «شریعتمداری» به‌عنوان رهبر اصلی یک جنبش سیاسی - مذهبی محسوب می‌شد که هنوز رژیم را مورد انتقاد قرار نداده بود. با آن که انتشار مقاله روزنامه «اطلاعات» اشتباه بزرگی بود، ولی نقش «روح‌الله خمینی» هنوز مهم نشده بود.

روز ۱۰ ماه مه، در تظاهراتی در قم، مأموران انتظامی در تعقیب گروهی از اغتشاشگران، وارد محل سکونت آیت‌الله «شریعتمداری» شدند. آیا باز این یک اشتباه بود یا تحریک؟ احساسات مردم بالا گرفت، به‌ویژه که در زد و خوردهای خیابانی، دو تن کشته شده بودند. با درسی که «آموزگار» نخست وزیر از اشتباهی که در مورد مقاله کذایی در مورد «خمینی» مرتکب شده بودند، گرفته بود، ساعاتی پس از این رویداد، «تأسف» خود را از «خشونت غیر عمد»ی که در خانه آیت‌الله رخ داده بود، ابراز داشت. آیت‌الله هم خواستار آرامش مردم شد.

در حالی که بسیاری از زندانیان «سیاسی» که اکثرشان به‌اتهام اعمال تروریستی با انگیزه‌های سیاسی دستگیر، محاکمه و زندانی شده بودند، مورد عفو قرار می‌گرفتند، یا در نتیجه تخفیف در مجازاتشان آزاد می‌شدند، دولت، سیصد

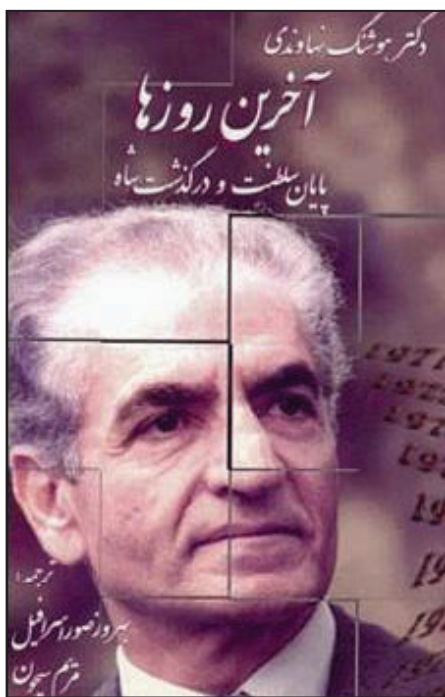
سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد. نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

بهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت



«امیر اسدالله علم» اندکی بعد از جنگ جهانی، در ۲۶ سالگی، جوانترین وزیر تاریخ مشروطه ایران شد. از آنجا همه مراحل پیشرفت سیاسی را طی کرد. در سال ۱۹۶۲ به نخست‌وزیری رسید و در آن مقام هیچ تردیدی نکرد که شخصی به‌نام «روح‌الله خمینی» را دستگیر کند. «خمینی» در آن زمان ملای گمنامی بود که با یاری «حزب توده» (حزب کمونیست ایران) و با پولی که از مصر برایش آمده بود، دست به تحریکاتی زد و بلوایی علیه اصلاحات ارضی و دادن حق رأی به زنان به راه انداخت.

«علم» از سال ۱۹۶۵ به وزارت دربار برگزیده شد، ولی بعدها، اندک اندک، به‌علت بیماریش از مقامات دولتی و امور مملکتی کناره گرفت. در تابستان سال ۱۹۷۷، «امیر

در طول آن بهار و اوایل تابستانش، زندگی در دربار، سیر همیشگی خود را می‌کرد. شاه و شهبانو به دیدارهای عمومی خود و گشایش جاها و برنامه‌های تازه ادامه می‌دادند و همه جا دیده می‌شدند. افکار عمومی، در اکثریت بزرگش از شاه پشتیبانی می‌کرد و از علاقه‌اش به او چیزی کم نشده بود. اما انتظاری توأم با دلواپسی برای واکنشی، تصمیمی جدی برای مهار اوضاع و انجام اصلاحات هر روز بیشتر می‌شد.

در حوالی پایان ماه مه، شهبانو برنامه‌های از پیش تنظیم شده را کنار گذاشت، و تقریباً بدون محافظ، به یکی از سوپرمارکت‌های تهران رفت. زمانی طولانی را در آنجا گذراند و چیزهایی خرید. مردم آنچه را که می‌دیدند باور نمی‌کردند. به‌گرمی از او استقبال کردند، برایش دست زدند و با او دست دادند. کمترین رفتار خصمانه یا عاری از اشتیاقی رخ نداد. چند روز پس از آن، او با یک مینی بوس بی نشانه متعلق به گارد شاهنشاهی، دیداری پنج ساعته از جنوب تهران کرد. فقط تیمسار «نشاط» فرمانده «گارد جاویدان» و سرهنگ «نویسی» افسر گارد - و هر دو در لباس غیر نظامی - با چند همکارشان شهبانو را همراهی می‌کردند. مسیر دیدار، در راه به پیشنهاد یک عضو جوان انجمن شهر به‌نام «محمدرضا تقی‌زاده» برگزیده شد. در پانزده دقیقه نخست مسیر، همه به سخنان دکتر «کاظم ودیعی» که از مسائل پایتخت می‌گفت، با دقت گوش فرا دادند. او می‌گفت که تهران نقش مهمی در دگرگونیها و تحولات مملکت بازی می‌کند. و از شهبانو خواست که برای حل مشکلات تهران، کارهایی اضطراری انجام دهد. هر جا که رفتند، با استقبال پر شور و شوق مردم روبرو شدند. صدها نفر فریاد «جاوید شاه» می‌کشیدند. زنها، شهبانو را می‌بوسیدند، از او برای حل مشکلاتشان یاری می‌خواستند و با شتاب نامه‌هایی کوتاه می‌نوشتند و به دستش می‌دادند. بخشی از مرفهین و طبقات میانه، آغاز به مخالفت و انتقاد از حکومت کرده بودند، اما انبوه مردم عادی به شاه وفادار بودند و آن را آشکارا نشان می‌دادند. تا پایان کار هم همینطور بود.

روز ۱۴ مه در نیویورک، «امیر اسدالله علم»، که شاید تنها دوست راستین و امین شاه بود، از سرطان درگذشت.

یادداشتی از آقای عبدالرضا انصاری درباره خاطرات دکتر نهاوندی

باشم

آقای عبدالرضا انصاری وزیر پیشین کار و کشور یادداشتی درباره قسمتی از مندرجات کتاب خاطرات دکتر هوشنگ نهاوندی فرستاده‌اند که می‌خوانید:

جریده محترم کیهان

در صفحه ۱۴ شماره ۱۰۳۴ کیهان مورخ هشتم دسامبر ترجمه قسمتی از کتاب آقای دکتر هوشنگ نهاوندی با این تیت درشت نقل شده بود که: «شاه گفت آمریکائیان هرگز مرا رها نخواهند کرد».

نظر به اینکه این موضوع به نحوی که منعکس گردیده می‌تواند با حقیقت تطبیق داشته باشد و به احتمال زیاد باعث سوء تفاهم و مشوب کردن اذهان عمومی ایرانیان بخصوص نسل جوان خواهد شد، لذا توضیحات زیر را ضروری دانستم: اول اینکه کلیه کسانی که در دوران پادشاهی علیحضرت محمدرضا شاه افتخار شرفیابیهایی خصوصی و یا عمومی داشته‌اند می‌دانند که در ارتباط با مسائل مملکتی ایشان هیچگاه از ضمیر «من» استفاده نمی‌کردند و بیشتر ضمیر «ما» را مورد استفاده قرار می‌دادند زیرا علیحضرت همیشه خودشان را جزئی از ایران، در عین حال نماینده کشور می‌دانستند و اگر درباره ایران صحبتی می‌کردند اظهار می‌داشتند که مثلاً «ما این کار را کردیم» یا «ما این چنین موفقیتی داشتیم» بدین معنی که تمام ملت ایران در این کار مشترک بودند. و مسلماً آقای دکتر نهاوندی که سالیان متمادی در مقامات بالای مملکتی خدمت کرده‌اند به این موضوع آگاهی کامل دارند.

دوم اینکه در متن نقل قولی که می‌فرمایند موضوع روابط ایران با کشورهای بلوک شرق مطرح بوده از جمله خرید مقداری اسلحه سبک و تعدادی کارخانجات صنعتی. حال چنانچه مجموع اینگونه خریدها از کشورهای بلوک شرق را با کل روابط اقتصادی و تجاری با غرب و بخصوص آمریکا در طی متجاوز از ۲۵ سال مقایسه کنیم که در این دوران کلیه طرحهای مربوط به عمران و آبادانی کشور از جمله نوسازی صنایع در ایران، راهها، بنادر، فرودگاهها، منابع نفتی، سدها، دانشگاهها، ارتباطات، نیروی هوایی، نیروی زمینی، نیروی دریائی و در حقیقت تمام برنامه‌های نوسازی کشور را شامل می‌شد، خواهیم دید که ارتباط با کشورهای بلوک شرق پورسانتات بسیار جزئی را تشکیل می‌داد و بسیار طبیعی است که علیحضرت بفرمایند به علت روابط تجاری محدودی که با کشورهای بلوک شرق برقرار شده «آمریکائیان ما را رها نخواهند کرد». علاوه بر این در ضمن گفتگو با آقای دکتر نهاوندی علیحضرت اظهار می‌دارند که «من دیگر باج‌خواهی یا تهدیدی را از سوی دیگران نمی‌پذیرم». و این بیان کاملاً با منطق یک رئیس کشور وطن‌پرست و ایران‌دوست منطبق است که جز افتخار و سربلندی مملکتش را نمی‌خواهد و در دوران سخت تنازع سیاسی و اقتصادی بین دو بلوک شرق و غرب راهی را دنبال می‌کند که لازمه بقای کشور و حفظ منافع ملی است.

اینجانب احتمال می‌دهم که اشتباه مورد بحث در ترجمه کتاب آقای دکتر نهاوندی که اصل آن به زبان فرانسه نوشته شده است رخ داده و امیدوارم آقای دکتر نهاوندی با قلم توانای خودشان در این باره توضیحات لازم را بدهند و رفع سوء تفاهم فرمایند. با تشکر - عبدالرضا انصاری

→ آشوبگر را دستگیر کرد. اینها از لحاظ سیاسی گمنام و ناشناس بودند و دستگیریشان هیچ واکنشی، نه در میان مردم کشور و نه در مطبوعات بین‌المللی که دیگر همه رویدادهای ایران را زیر نظر گرفته بودند، برنیاخت. آرامش محسوسی در سراسر کشور به‌وجود آمد. شاه بر میزان بیانات خود پیرامون لزوم آزادی بیشتر زندگی سیاسی افزود و دولت نیز مهار اوضاع را رهاتر کرد. انواع و اقسام گروههای سیاسی، به‌ویژه از کسانی که طرفدار «محمد مصدق» نخست وزیر پیشین (که در سال ۱۹۶۷ درگذشت و قهرمان ملی شدن نفت شناخته می‌شد) بودند، از سایه بیرون آمدند و آزادانه به ابراز عقاید خود پرداختند.

به‌نظر می‌رسد در آن ماهها که همه چیز می‌توانست به مسیر دیگری بیفتد، شاه از اطرافیان و نزدیکان خود کناره گرفته است. بی تردید آگاه شده بود که عمرش به پایان نزدیک می‌شود و می‌خواست کار خود را به سرانجام برساند و ایران را به سطح بالایی از توسعه اقتصادی و اجتماعی برساند. همواره می‌گفت این امر باید «برگشت ناپذیر» و بازگشت به گذشته، ناممکن شود. اهمیتی به مسائل روزانه و نظارت بر آنها نمی‌داد. در آن هنگام، می‌بایست کسی یا کسانی در کنار او می‌بودند که کشور را اداره می‌کردند، امور کشور را قاطعانه در دست می‌گرفتند، در نظم و امنیت اصلاحات را پیش می‌بردند و به‌ویژه گفتگویی راستین را با روحانیون و گروههای سیاسی برقرار می‌کردند و فضای مملکت را آرام می‌نمودند. خلاصه باید دسیسه‌های بین‌المللی را که داشت به‌سرعت به توطئه‌ای علیه ثبات کشور و سیرش به پیش تبدیل می‌شد، خنثی می‌کردند.

اما «جمشید آموزگار» که به‌هنگام تصدی وزارت امور اقتصادی و دارایی، به‌خوبی انجام وظیفه کرده، تکنوکراتی صادق بود، در فعالیتهای سازمان «اوپک» نیز درخشان بود، سیاستمدار برجسته‌ای نبود، وقت خود را با پرداخت به کارهای پیش پا افتاده و کم اهمیت می‌گذراند و از مسائل اساسی غافل بود. در مقابل، «امیر عباس هویدا» که در اثر سالها بودن در رأس دولت، فرسوده شده بود، شیوه‌های کار را خوب می‌دانست. وقتی وزیر دربار شد، همه سرنخهایی را که در دست داشت و شبکه‌ای را که ایجاد کرده بود، به خدمت خدعه علیه جانشین خود گرفت تا او را تضعیف کند. فضا، فلج‌کننده و بازدارنده شده بود.

شاه، از کارنامه مملکت راضی و به آینده امیدوار بود. حق هم داشت. چون تا پایان بهار ۱۹۷۸ هم چیزی از دست نشده بود. ایران هنوز استوار به‌نظر می‌رسید و احترام و اعتماد را برمی‌انگیخت. در حقیقت هم اوایل بهار ۱۹۷۸، درآمد سرانه به ۲۴۵۰ دلار رسیده بود، آن هم در کشوری که یک ربع قرن پیش از آن، ۱۶۰ دلار بود. پیش‌بینیهایی که سازمانهای بین‌المللی و مراکز پژوهشی معتبر می‌کردند، گویای آن بود که این رقم در سال ۲۰۰۰ از ده هزار دلار هم بیشتر خواهد شد. یعنی رقمی نزدیک به درآمد سرانه کنونی اسپانیا.

در ایران فرصتهای اشتغال آنقدر زیاد شده بود که کارگر کم آمده و در نتیجه حدود یک میلیون کارگر خارجی از هر دسته و هر کشوری جذب بازار کارش شده بودند: آسیایی‌ها، آمریکاییها و اروپاییها، همه در کمال آزادی و امنیت در ایران کار و زندگی می‌کردند.

ارزش ریال، پول ملی، در حدود ۱۵ سال ثابت مانده بود. ذخیره ارزی کشور در سال ۱۹۷۵ از مجموع ذخایر بلژیک، ایتالیا و اسپانیا فراتر می‌رفت. به‌عنوان کشوری وام‌دهنده، ایران اقدامات نخستین برای عضویت در OCDE را انجام داده بود. در سال ۱۹۷۷، میزان سرمایه‌گذاری دولتی ایران در خارج، از ۲۰ میلیارد دلار گذشته بود، که البته بسیاری آن را ثروت شخصی شاه می‌پنداشتند. این سرمایه‌گذاریها در

بخشهای متنوعی چون نفت، پتروشیمی، بانک، صنایع آبی و کارخانه‌های اتومبیل‌سازی انجام گرفته بود.

نظام‌بیمه‌های اجتماعی کشور که «احمد قوام» در سال ۱۹۴۶ پایه‌گذاری کرده بود، اندک اندک توسعه یافته و از سوی OIT به‌عنوان کارترین و پیشرفته‌ترین نظام در کشورهای جهان سوم شناخته شده و به‌عنوان سرمشق به آن استناد می‌شد. به‌نوشته مجله آمریکایی Fortune، شرکت ملی نفت ایران که در سال ۱۹۷۳ در رده بیست و هشتم در جهان بود، سال بعد به رده سوم رسید. در آستانه انقلاب، تولید نفت کشور به شش میلیون و پانصد هزار بشکه در روز رسیده بود. مجموع ظرفیت پالایشگاههای ایران چهار میلیون تن در سال بود و کشور نه تنها می‌توانست نفت خام صادر کند، بلکه نفت تصفیه‌شده نیز صادر می‌کرد. به این ترتیب، در سال ۱۹۷۷، ایران دومین کشور صادرکننده نفت جهان با دو بیست و هفتاد میلیون تن صادرات، و رهبر بی چون و چرای «اوپک» به‌شمار می‌آمد. «خارک» بزرگترین بندر نفتی جهان بود.

در سال ۱۹۷۷، تولید سیمان از ده میلیون تن می‌گذشت، شش میلیون تن فولاد تولید شد که می‌بایست ظرف پنج سال سه برابر می‌شد. در همان سال یکصد هزار خودرو ساخته شد که بخشی از آن صادر شد و قرار بود تا پایان قرن، رقم تولید به یک میلیون برسد.

در زمینه انرژی در سال ۱۹۷۷، ظرفیت نیروگاههای ایران، از هر گونه، مجموعاً ۷۵۰۰ مگاوات - ساعت بود، و این، افزایش چشمگیری را از رقم ۸۵۰ مگاوات در سال ۱۹۶۳ نشان می‌داد. چهار مرکز بزرگ تولید برق آبی در دست ساختمان بود که دو تایش ۸۰٪ تکمیل شده بود. ظرفیت کل این نیروگاهها چهار هزار مگاوات - ساعت، و کشور در شرف رسیدن به استقلال کامل از نظر انرژی بود.

در میان سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۷۸، رشد شمار کودکان در کودکانها ۱۳۵٪، در دوره ابتدایی ۵۶٪، در دوره راهنمایی ۲۶٪ و در مدارس فنی و صنعتی ۱۵۰٪ بود. در آن آخر ماه مه ۱۹۷۸ که سال تحصیلی به‌پایان رسید، ایران ده میلیون دانش‌آموز کودکانستانی تا دبیرستانی داشت. در سالهای دهه ۱۹۸۰، بیسوادی احتمالاً به‌کلی از میان می‌رفت. بیست دانشگاه و صد و سی و پنج مؤسسه آموزش عالی، ۲۰۰ هزار دانشجو پذیرفته بودند که همه آنها از بورس یا کمکهای مالی آموزشی بهره داشتند. دانشگاههای ایران، و در صدر آنها دانشگاههای «تهران»، «پهلوی»، «ملی» و «اصفهان» در سطح بین‌المللی بود و دانشجویان بسیاری از چهار گوشه دنیا به آنجا می‌آمدند. از سه سال پیش از آن، در ایران تقریباً در هر فصل، اگر نگوئیم در هر ماه، موزه‌های تازه و شکوهمند، مراکز فرهنگی، کتابخانه‌های تازه و مجموعه‌های ورزشی گشوده می‌شد. اینها، همه نتیجه کوششهای یک دهه بود.

حتی در بخش کشاورزی که توسعه در آن کندتر است، با وجود سیزده سد بزرگ که از سال ۱۹۶۳ ساخته شده بود و هشتصد هزار هکتار زمینی که به‌تازگی امکان آبیاری‌شان فراهم گشته بود، و با آن که مصرف مواد غذایی بالا رفته و جمعیت افزایش یافته بود، کشور بیش از ۹۰ درصد خودکفا بود. درآمدهای کشور به‌راحتی می‌توانست زیان وارد کردن بقیه محصولات کشاورزی را - که برای تولید آنها نیز کوشش می‌شد - بپردازد.

ارزش ایران یکی از نیرومندترین‌ها در دنیا، و نیروی هوایی‌اش در میان پنج بهترین جهان بود. ایران، یکی از ستونهای دفاع از جهان آزاد در برابر کمونیسم و توسعه‌طلبی شوروی به‌شمار می‌آمد. همین امر، شاه را بر آن داشته بود که با اصرار فزاینده، خواستار بیرون رفتن نیروهای نظامی خارجی از

دیدار حسین امیرعبداللہیان با وزیر خارجه بلژیک همزمان با تور اروپایی شاهزاده رضا پهلوی



جلسه حسین امیرعبداللہیان با حاجا لحبیب

دیدارش با وزیر خارجه عراق بود که اخیراً صورت گرفت. وزیر خارجه جمهوری اسلامی هفته گذشته در بغداد با فؤاد حسین که تازه از آمریکا برگشته بود دیدار کرد و گفت او «حامل پیام آمریکایی‌ها برای جمهوری اسلامی بود.»

وی ادعا کرد، «اگر طرف آمریکایی واقع‌بینانه برخورد کند، فاصله زیادی با توافق نخواهیم داشت.»

شماری از ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی همزمان با حضور امیرعبداللہیان در مقابل مقر سازمان ملل در ژنو تجمع کردند. با وجود اینکه در ماه‌های اخیر مقامات جمهوری اسلامی در چند نوبت ادعا کردند آمریکا پشت پرده برای مذاکره پیام فرستاده است اما مقامات ارشد آمریکا از جمله ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به تکرار این ادعا رد کرده‌اند. آنها می‌گویند برای واشنگتن معامله‌ای دیگر اولویت نیست و روی اعتراضات ضدحکومتی در ایران متمرکز شده‌اند.

اینهمه در حالیست که در ایران قیمت دلار یکشنبه ۷ اسفند به ۶۰ هزار تومان رسید و بعد اندکی کاهش پیدا کرد. یکی از پیامدهای بحران اقتصادی در کشور، تشدید اختلافات در بالاترین رده‌های نظام است. گروهی معتقدند باید در کمترین زمان ممکن تن به معامله با غرب داد و عده‌ای همچنان روی «مقاومت» اصرار دارند.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بانک مرکزی را مقصر دلار ۶۰ هزار تومانی دانسته است. این خبرگزاری می‌نویسد «افزایش ساعتی قیمت طلا و ارز در این ایام متأسفانه با سکوت مسئولان هم همراه شده است.» برخی مقامات ارشد رژیم می‌گویند مشکلات اقتصادی در بازار و حوزه ارز کار دشمن است. ابراهیم رئیسی تأکید کرده هدف دشمنان افزایش ناراضی مردم است. سیدمحمد حسینی معاون پارلمانی او نیز معتقد است «دشمن به دنبال مایوس کردن مردم امیدوار به آیت‌الله رئیسی است.»

فریدون مجلسی دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی که از حامیان «برجام» است در اظهاراتی گفته است «به نظر مذاکرات ادامه نخواهد داشت و اگر هم ادامه پیدا کند بستگی به ادعای حضور ایران در جنگ اوکراین دارد، وقتی ایران در جبهه روسیه قرار می‌گیرد ممکن است خطرات دیگری متوجه ایران شود و حتا با ایران به نوعی دیگر رفتار کنند.»

● حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در حالی به ژنو رفته است که عباس عراقچی معاون محمدجواد ظریف و مسئول پیشین تیم مذاکره‌کننده اتمی را همراه وی راهی سوئیس کرده‌اند.

● حضور عراقچی در تیم دیپلماتیک این احتمال را که رژیم برای معامله با غرب از خود انعطاف نشان داده است تقویت می‌کند.

● خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بانک مرکزی را مقصر دلار ۶۰ هزار تومانی دانسته است. این خبرگزاری می‌نویسد «افزایش ساعتی قیمت طلا و ارز در این ایام متأسفانه با سکوت مسئولان هم همراه شده است.»

● فریدون مجلسی دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی که از حامیان «برجام» است در اظهاراتی گفته است «به نظر مذاکرات ادامه نخواهد داشت و اگر هم ادامه پیدا کند بستگی به ادعای حضور ایران در جنگ اوکراین دارد، وقتی ایران در جبهه روسیه قرار می‌گیرد ممکن است خطرات دیگری متوجه ایران شود و حتا با ایران به نوعی دیگر رفتار کنند.»

همزمان با تور اروپایی شاهزاده رضا پهلوی، حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی که برای شرکت در نشست شورای حقوق بشر و نشست سالانه کنفرانس خلع سلاح به ژنو رفته است دوشنبه ۸ اسفند با وزیر خارجه بلژیک دیدار کرد. حاجا لحبیب وزیر خارجه بلژیک سیاستمداری است که سه ماه پیش در حمایت از زنان ایران موهای خود را قیچی کرد. دیدار و گفتگوی وی با حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه دولت سید ابراهیم رئیسی با انتقادات گسترده از سوی مخالفان جمهوری اسلامی روبرو شد.

گفته می‌شود در این سفر عباس عراقچی معاون مسئول تیم مذاکره‌کننده اتمی جمهوری اسلامی در دولت حسن روحانی به عنوان مشاور امیرعبداللہیان به ژنو رفته است. وی یکی از موافقان معامله اتمی با آمریکا است و حضورش در تیم دیپلماتیک وزارت خارجه دولت سیزدهم این احتمال را که جمهوری اسلامی برای معامله با غرب از خود انعطاف نشان داده است تقویت می‌کند.

امیرعبداللہیان پیش از سفر به ژنو با شبکه «العالم» مصاحبه کرد و در مورد توافقی با غربی‌ها اعلام آمادگی کرد. اشاره او به

منطقه، غیر اتمی شدن آن، و ایجاد یکی نظام دفاعی برای اقیانوس هند و خلیج فارس فقط با شرکت خود کشورهای منطقه شود. این جنبه چشمگیرتر دیپلماسی فعال و سیاست مستقل ملی ایران، که بسیار به سیاستهای ژنرال «دوگل» می‌مانست بود که برخی را ناخشنود می‌کرد.

اشتباه در ارزیابی خطر

ایران، از هر جهت می‌درخشید. محمدرضا شاه از آن آگاه بود و به پیشرفتهای خود و برگزیدگان پیرامونش می‌بالید. او این داده‌ها و بسیاری دیگر را به خوبی می‌شناخت: منطق او بر اساس رشد، تحول میزان تولید ناخالص ملی، عوامل توسعه اقتصاد کلان بنا شده بود. چشمان او به این افقها دوخته شده بود، و بیش از پیش از مسائل روز فاصله می‌گرفت. مطمئن بود که کوششهایش، یعنی در حقیقت کوششهای کشورش، همه دنیا را شگفت زده خواهد کرد.

در سه چهار سال آخر مدام می‌گفت که لازم است دموکراسی به گونه غربی در کشور به وجود آید، اما متأسفانه اصلاحات سیاسی و پایه‌گذاری نظامی را که باید پیش از آن برقرار می‌شد، آغاز نمی‌کرد. می‌پنداشت گسترش آزادی سیاسی که فزاینده بود، می‌تواند چند منتقدی را که در خارج غر می‌زدند، ساکت کند. او گمان می‌کرد که نیرومند، و بنابراین وجودش اجتناب‌ناپذیر است. اما در ارزیابی خطر اشتباه کرده بود. می‌اندیشید چون ایران در شرف تبدیل شدن به ژاپن آسیای غربی است، حتی در مقایسه با اسرائیل بسیار پیشرفته، سرآمد کشورهای منطقه است و از لحاظ تکنولوژی، علمی، اقتصادی و مالی قدرت برتر دنیای مسلمان به حساب می‌آید، کسی نمی‌تواند به او تعرضی کند. و دقیقاً به علت همین‌ها که در غرب، «خود بزرگ‌بینی» و «جنون عظمت» او می‌خواندند، بود که تصمیم گرفتند او و کشورش را بی‌ثبات کنند. او کسانی را که در داخل کشور، پیشرفتهای انجام گرفته را نفی می‌کردند، به مضحکه می‌گرفت و چندان تمایلی به گوش سپردن به افرادی که جز از مسائل روزانه، فساد و ندانم‌کاری این یا آن نمی‌گفتند، نداشت. می‌پنداشت که به جای این، آنان باید به چشم‌انداز آینده درخشانی که در انتظار بود بیندیشند.

در بهار ۱۹۷۸، در «روز زن»، در استادיום سرپوشیده ورزشی پایتخت، در برابر بیش از ده‌هزار زن پرشور و هیجان، مخالفان خویش را نادان، ارتجاعی و عقب‌مانده خواند و حتی تقریباً آشکارا آخوندها را مخاطب قرار داد و گفت: «مه فشانند نور و سگ و عو گو کند.»

آیا این سخنان از حد اندیشه او فراتر می‌رفت. آیا می‌خواست آخوندها را تهدید کند؟

در تهران این گمان پیش آمد که سخنان او نشانه سختگیری بیشتر و دوباره در دست گرفتن توانمندان اوضاع است. از این تصور، بسیاری بر خود لرزیدند. اما هیچ روی نداد. سخنان خشن و تهدیدآمیز او، چون شمشیری بود که در آب فرود آید. در آن هفته‌های آخر، شاه همچنان همه حربه‌ها را در دست داشت اما گذاشت که مسؤولان سیاسی و دولتی به کرختی و بی‌عملی خود ادامه دهند. خود او این توهم را به وجود آورده بود که رویدادهای آن روزها «حادثه‌های گذرا» ست. در وضعیتی تقریباً مشابه «لوئی» شانزدهم، «نیکلا» ی دوم و «هابله‌سلاسی».

چند ماه بعد، «ملک حسن» دوم در «مراکش» در حضور گروه کوچکی از نزدیکان که «اصلاح افشار» نیز در میانشان بود، در مورد رویدادهای سالی که گذشت به شاه گفت:

— رضا، می‌دانی اشتباه بزرگ تو چه بود؟ تو ایران را بیش از ایرانیان دوست داشتی!

و شاه پاسخ داد: پس من ایران را برای که آماده می‌کردم؟ برای ملت من — برای ایرانیان، برای آن که آنان در کشوری غنی، به خوشبختی زندگی کنند. (ادامه دارد)

پیروز نیز «زیر تیغ مرگ و فنا» از دست رفت



● همزمان با آغاز دیالیز پیروز در عصر دوشنبه، بیمارستان دامپزشکی مرکزی اعلام کرده بود که ۱۰ ساعت حیاتی برای پیروز آغاز شده است.

● پیروز توله یوزپلنگ ۹ ماهه و تنها توله بازمانده از زایمان «ایران» یوز ایرانی که در ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ با سزارین به دنیا آمده بود، در نخستین ساعات روز سه‌شنبه، ۹ اسفند جان خود را از دست داد.

● از دست رفتن پیروز به موج تازه‌ای از خشم و انزجار علیه جمهوری اسلامی در میان مردم دامن زده است. «پیروز» از ابتدای تولد و مقاومتی که برای زنده ماندن کرد به نماد «امید» در میان مردم تبدیل شده بود.

پیروز توله یوزپلنگ ایرانی که طی روزهای گذشته به دلیل نارسایی کلیه در دامپزشکی مرکزی بستری بود، بامداد روز سه‌شنبه نهم اسفند جان خود را از دست داد. پیروز به نماد «امید» تبدیل شده بود و مرگ او به دلیل بی‌کفایتی و سوء مدیریت جاری و مزمن در جمهوری اسلامی، با واکنش شدید مردم روبرو شده است.

پیروز توله یوزپلنگ ۹ ماهه و تنها توله بازمانده از زایمان «ایران» یوز ایرانی که در ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ با سزارین به دنیا آمده بود، در نخستین ساعات روز سه‌شنبه، ۹ اسفند از دست رفت.

پیروز در پی بی‌بوست مزمن و مشکلات گوارشی شامگاه جمعه ۵ اسفندماه به بیمارستان دامپزشکی مرکزی منتقل شد. غلامرضا ابدالی مدیرکل دفتر حفاظت و مدیریت حیات وحش سازمان حفاظت محیط زیست توضیح داده بود که «با توجه به رادیولوژی، سونوگرافی و آزمایش‌هایی که انجام شد، موضوع انسداد روده‌ها که قبلاً مطرح شده بود، منتفی شد اما مشکل دفع در سیستم گوارش وجود دارد، پارامترهای خونی و دفع حیوان نیز در آزمایشات لازم بررسی شد و اشکالاتی در کلیه و پارامترهای خونی مشاهده شد که موضوع توسط تیم دامپزشکی بررسی و اقدامات لازم در حال انجام است.»

بیمارستان دامپزشکی مرکز روز یکشنبه ۷ اسفندماه اعلام کرد «وضعیت پیروز در مقایسه با روزهای قبل اندکی بهتر شده اما هنوز به ثبات نرسیده است، تفاوت پیروز امروز نسبت به روزهای قبل این است که خودش توانست مقداری آب بخورد.»

همزمان اعلام شد برای پیروز نیاز به دستگاه دیالیز است و یک روز بعد، دوشنبه هشتم اسفند، اعلام شد که پیروز نخستین دوره دیالیز خود را پشت سر گذاشته است. همزمان با آغاز دیالیز پیروز در عصر دوشنبه، بیمارستان دامپزشکی مرکزی اعلام کرده بود که ۱۰ ساعت حیاتی برای پیروز آغاز شده است. پیروز اما نتوانست این ۱۰ ساعت را پشت سر بگذارد و نهایتاً بامداد روز سه‌شنبه نهم اسفند جان خود را از دست داد. بیمارستان دامپزشکی مرکزی، محلی که پیروز در آن بستری بود ویدئویی پیش از مرگ او منتشر کرده است که لحظات پایانی زندگی او را نشان می‌دهد و علیرضا شهرداری تیمارگر پیروز او را در آغوش گرفته است.

دکتر امیر مرادی رئیس بیمارستان دامپزشکی مرکزی همزمان با انتشار ویدئوی پیروز در حال احتضار گفت: «با از دست

ملی علیه جمهوری اسلامی سروده و اجرا شد نیز زندگی این توله‌یوز بیانگر بخشی از انگیزه‌های مردم برای مبارزه شد: «برای پیروز و احتمال انقراضش!»

طی ساعات‌های گذشته کاربران در شبکه‌های اجتماعی با انتشار مطالبی از کشته شدن پیروز به دست جمهوری اسلامی می‌نویسند و از امیدهایی که سال‌هاست توسط مقامات نالایق حکومت به ناامیدی تبدیل می‌شود.

پویا نعمت‌الهی دکتر علوم ارتباطات اجتماعی و روزنامه‌نگار در یادداشتی در وبسایت «عصر ایران» درباره پیروز و نماد امید و زندگی بودنش برای مردم نوشته که «پیروز یک کودک/ نوزاد است که از مادرش به نام «ایران» جدا مانده بود. او محصول یک پروژه‌ی شکست‌خورده‌ی دولتی بود. قبلاً دو همزاد دیگرش تلف شده بودند و او تنها بازمانده محسوب می‌شد که متأسفانه خودش هم ظرف کمتر از یک سال زیر تیغ مرگ و فنا رفت.»

او در بخش دیگری از این یادداشت نوشته که «چندی قبل خبرهایی منتشر شده که گویا از منظر سازمان محیط زیست «پیروز» دیگر نمی‌تواند وحشی شود و شاید دیگر لزومی برای هزینه‌کردن برای او نباشد. هرچند مدتی بعد این خبر تصحیح شد اما یکی از مشابهت‌ها بین مردم عادی و «پیروز» در همینجا شکل گرفت. گویا سرنوشت «پیروز» همانند سرنوشت مردم عادی برای متولیان [مسئولان] مهم نیست و انگار مردم (و پیروز) قرار است به حال خود رها شوند.»

پویا نعمت‌الهی همچنین نوشته که «مشکل پیروز بی‌بوست و کلیه و کبد و روده نیست، مشکل این بود که هر چیزی که مایه‌ی دلخوشی و خنده و ذوق و شوق مردم می‌شود را برمی‌تابند. عکس‌های «پیروز» ناظر بر چگونگی سازماندهی و مفهوم‌سازی مردم کشورمان از زندگی‌شان است. لذا تلف شدن «پیروز» برای مردم عادی به مثابه مرگ مفاهیم ناظر بر زندگی خودشان است.»

دادن پیروز و عدم اثربخشی تمام تلاش‌هایی که تیم درمان در چند روز گذشته برای نجات حیوان انجام داد همراه بود، باعث تأسف من و تمام همکاران است و از همه عذرخواهی می‌کنیم که نتوانستیم این حیوان را ننگه داریم.»

علیرضا شهرداری تیمارگر پیروز که در تمام ماه‌های گذشته هر روز و هر لحظه کنار پیروز بود، در چهارمین روز بستری پیروز توانست مصاحبه کوتاهی با «همشهری» داشته باشد. او در این گفتگو هم نتوانست بغض خود را پنهان کند و با اشاره به همه مشکلاتی که پیروز پشت سر گذاشته گفته بود «فقط می‌توانم امیدوار باشم.»

بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی، نظر دامپزشک متخصص کلیه و مجاری ادراری در مورد دلیل مرگ پیروز این بوده که «نارسایی حاد کلیه بر اثر خوردن غذای مسموم، خوردن سم، خوردن داروی اشتباه و مصرف دارو با دوز اشتباه اتفاق می‌افتد.» همچنین مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که در پی مرگ «پیروز» توله یوزپلنگ ایرانی، فراکسیون محیط زیست مجلس نشست ویژه‌ای جهت بررسی علل و عوامل مربوطه و بررسی اقدامات صورت گرفته با مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست و جمعی از دامپزشکان و کارشناسان ساعت ۱۳:۳۰ امروز سه‌شنبه (۹ اسفندماه) در مجلس برگزار می‌کند.

این نشست به صورت زنده از وبسایت خانه ملت و شبکه‌های اجتماعی خانه ملت (ir_icana) و شبکه‌های اجتماعی رئیس فراکسیون محیط‌زیست مجلس (somayyrafiei) پخش می‌شود.

اینهمه در حالیست که مرگ پیروز به موج جدیدی از خشم و انزجار علیه جمهوری اسلامی در میان مردم دامن زده است. «پیروز» از ابتدای تولد و مقاومتی که برای زنده ماندن کرد به نماد «امید» در میان مردم تبدیل شده بود.

پیروز آنقدر در افکار عمومی جایگاه ویژه‌ای یافت که حتی در ترانه «برای» شروین حاجی‌پور که در اوایل انقلاب

نسخه اقتصادی- نظامی روس‌ها بحران‌های جمهوری اسلامی را تشدید خواهد کرد



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه توانمندی‌های تولید داخلی؛ هشتم بهمن ۱۴۰۱

در این یک سال روس‌ها با مجموعه اقدامات اقتصادی، سیاسی و دفاعی از سقوط بیشتر ارزش روبل جلوگیری کردند: صادرات نفت ارزان، فروش اوراق قرضه و سهام دولتی، فروش اموال مازاد دولتی، افزایش اختیارات بانک مرکزی، افزایش نرخ بهره بانکی، تعیین سقف برای انتقال ارز به خارج از روسیه، تعیین سقف برای نقل و انتقال‌های بانکی و محدودیت برداشت پول بخشی از این اقدامات هستند.

در همین دوره بانک مرکزی روسیه صادرکنندگان به ویژه صنایع اصلی (فولاد نفت و گاز) را موظف کرد ارز حاصل از درآمد فروش را در بازار مبادله ارز و طلا عرضه کنند. همچنین ولادیمیر پوتین فرمان ویژه‌ای را امضا کرد که بر اساس آن «کشورهای غیردوست» باید هزینه نفت و گاز وارداتی از روسیه را به روبل پرداخت کنند.

اکنون مقامات جمهوری اسلامی با این امید که نسخه روسی برای نجات اقتصاد بحران‌زده ایران نیز فایده داشته باشد، برای پیاده کردن آن دست به کار شده‌اند. با اینهمه اما قیمت دلار همچنان رو به افزایش است.

برای رژیم ایران استفاده از الگوی اقتصادی روسیه در دوران جنگ قابل توجه است زیرا خود را در جنگ مقابل غرب می‌بینند.

بحران‌سازی برای خروج از بحران

حکومت‌های ناسازگار و ناکارآمد برای خروج از بحران اقدام به بحران‌سازی می‌کنند. در شرایط جنگی تخصیص بودجه وضعیت خاص پیدا می‌کند. بخش عمده‌ای از درآمدهای کشور صرف تقویت صنایع خاص مثل فولاد یا پتروشیمی‌ها برای ساخت تسلیحات بیشتر می‌شود و بودجه‌های نظامی افزایش پیدا می‌کند. آنجا که تأمین بودجه به مشکل یا مانع برخورد کند در شرایط جنگی تأمین آن از محل سایر پروژه‌ها مثل طرح‌های عمرانی و خدماتی توجیه‌پذیر می‌شود. موازی با آن دستگاه تبلیغاتی رژیم حاکم این جنگ را حیثیتی و ایدئولوژیک می‌کند تا زمینه‌ساز اجرای سیاست‌های حکومت باشد.

در چنین شرایطی باندها و شرکت‌هایی که زیر سلطه نظامیان قرار دارند نفع بیشتری می‌برند. همچنین

فراتر از آن نجات اقتصاد روسیه پس از حمله به اوکراین و اعمال تحریم‌های شدید بین‌المللی است.

«مولدسازی» با دارایی‌های دولت، ایجاد مرکز مبادله ارز و طلا، فروش برخی تولیدات کارخانه‌ای در بازار بورس یا فروش سهام دولت در بعضی صنایع مثل فولاد و پتروشیمی بخشی از اقداماتی است که جمهوری اسلامی با توجه به شرایط اضطراری در حال پیاده کردن آن است.

با آغاز تحریم‌های غرب علیه روسیه پس از حمله به اوکراین (۲۴ فوریه ۲۰۲۲) ارزش روبل به شدت سقوط کرد و هر دلار آمریکا به بیش از ۱۳۸ روبل رسید. اما اتفاق غیرمنتظره این بود که در کمتر از دو ماه روسیه توانست با وجود تحریم‌های گسترده غرب ارزش روبل را در کمتر از دو ماه ۵/۲ برابر افزایش دهد.

هرچند افزایش ارزش روبل موقت بود و از واسط ماه ژوئن ۲۰۲۲ دوباره کاهش یافت اما اکنون که یک سال از جنگ می‌گذرد هر دلار آمریکا حدود ۷۴ روبل است که ارزش آن اندکی نسبت به روزهای پیش از آغاز جنگ بیشتر شده است.

● مقامات جمهوری اسلامی برای جلوگیری از سقوط ارزش ریال و نجات اقتصاد بحران‌زده می‌خواهند نسخه کپی شده از الگوی اقتصادی- نظامی روسی برای مهار سقوط ارزش روبل و نجات اقتصاد روسیه پس از حمله به اوکراین را پیاده کنند.

● با آغاز تحریم‌های غرب علیه روسیه پس از حمله به اوکراین ارزش روبل به شدت سقوط کرد اما اتفاق غیرمنتظره این بود که در کمتر از دو ماه بعد روسیه توانست با وجود تحریم‌های گسترده غرب، ارزش روبل را ۵/۲ برابر افزایش دهد.

● برای رژیم ایران استفاده از الگوی اقتصادی روسیه در دوران جنگ قابل توجه است زیرا خود را در جنگ مقابل غرب می‌بیند.

● حکومت‌های ناسازگار و ناکارآمد برای خروج از بحران اقدام به بحران‌سازی می‌کنند. در شرایط جنگی تخصیص بودجه وضعیت خاص پیدا می‌کند. در این شرایط نهادهای امنیتی و نظامی صحنه‌گردان حکمرانی عمومی می‌شوند.

● در جنگ، ابزارها و امکانات اقتصادی نقش سلاح را بازی می‌کنند. در مورد حمله نظامی روسیه به اوکراین این وضعیت کاملاً برقرار شد. به عنوان مثال از وقتی اعلام شد موشک‌های بالستیک «اسکندر» به مرزهای غربی روسیه منتقل می‌شود تا وقتی به خاک اوکراین شلیک شد به تقویت ارزش روبل کمک کرد. در مقابل انفجار خط لوله گاز «نورد استریم» اثر معکوس روی ارزش روبل گذاشت.

● جمهوری اسلامی که دو سوم ناوگان هواپیمایی آن زمینگیر است و عمر ناوگان هوایی رزمی آن به بیش از نیم قرن می‌رسد نه توان جنگ دارد و نه نسخه‌های خروج از بحران در شرایط جنگی برای آن اثربخش خواهد بود.

حامد محمدی- در ایران برای جلوگیری از سقوط ارزش ریال بانک مرکزی را وادار به اجرای سیاست‌های پولی جدید کرده‌اند. حکومت در حوزه اقتصادی بسته‌ای از اقدامات اضطراری را به اجرا گذاشته که کپی شده از یک نسخه اقتصادی- نظامی روسی برای مهار سقوط ارزش روبل و



هشدار مقامات امنیتی جمهوری اسلامی در مورد «جنگ شناختی»:

هدف دشمن دستکاری باورها با هدف فروپاشی از درون است



با تداوم اعتراضات در ایران حکومت تقریباً همه پیام‌رسان‌ها را مسدود کرد و سرعت اینترنت به حداقل رسید

هستند که مقاومت بیشتری می‌کنند.»
 واقعیت اینست که جمهوری اسلامی همواره بخشی از توان خود را به کار گرفته تا علیه رسانه‌های مخالف نه تنها تبلیغ بلکه اقدام کند. با اینهمه یحیی رحیم‌صفوی دستیار و مشاور عالی علی خامنه‌ای اخیراً در «کارگاه مهارت‌افزایی نهضت خاطره‌گویی که در دافوس سپاه» اعتراف کرد «در جنگ رسانه‌ای و فضای مجازی شکست خوردیم.»

وی توضیح داده بود «جبهه متحدی به رهبری آمریکا با همراهی ناتو، صهیونیست‌ها و برخی کشورهای عربی و حتی برخی ایرانیان خارج از کشور علیه ایران با هدف براندازی نظام شکل گرفته و در این رابطه جمعیت مورد هدف‌شان هم افراد زیر ۴۰ سال است.»

رحیم‌صفوی در تشریح «جنگ شناختی» گفت: «درواقع نوعی جنگ برای کنترل یا تغییر نحوه واکنش افراد نسبت به اطلاعات دریافتی است و هدف آن فروپاشی دشمن از درون و تحمیل اراده سیاسی بدون اقدام سخت است که یکی از اهداف آن تأثیرگذاری بر تصمیمات دشمن به صورت نامحسوس و غیرقابل ردیابی، از طریق دستکاری باورها و بازمؤدهای ذهنی حریف و ایجاد ابهام و عدم قطعیت ذهنی است.»

حسین طائب رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه (ساس) که اخیراً بیش از گذشته در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های تلویزیونی حضور دارد می‌گوید در جنگ ترکیبی، پیاده نظام قدرت نرم، توئیت‌زن، نویسنده، گوینده و شاعر هستند.

با تداوم خیزش ضدحکومتی در ایران نهادهای امنیتی شمار زیادی از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران داخل ایران را بازداشت کرد. سرویس‌های اطلاعاتی چند کشور از جمله انگلیس و آلمان نیز هشدار دادند که رژیم ایران علیه مخالفان نظام و همچنین روزنامه‌نگاران در اروپا دست به توطئه می‌زند. در ارتباط با همین تهدیدات، شبکه تلویزیونی «ایران اینترنشنال» اخیراً اعلام کرد که دفتر پخش خود را از لندن به واشنگتن منتقل کرده است.

● اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس» شاخه برون مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: در جنگ ترکیبی، رسانه امروز اصلی‌ترین ابزار دست دشمن است.

● یحیی رحیم‌صفوی دستیار و مشاور عالی علی خامنه‌ای: در جنگ رسانه‌ای و فضای مجازی شکست خوردیم.

● حسین طائب رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه (ساس): در جنگ ترکیبی، پیاده نظام قدرت نرم، توئیت‌زن، نویسنده، گوینده و شاعر هستند.

فرمانده نیروهای «قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دوشنبه هشتم اسفند در مراسمی با عنوان «راویان مقاومت» بار دیگر در مورد تهدید رسانه‌ها علیه جمهوری اسلامی هشدار داد.

اسماعیل قآنی با بیان اینکه «رسانه امروز ابزار دست دشمن است» گفت، «در جنگ ترکیبی که دشمن در دوره اخیر و بعد از شکست‌های متعددی که خورد شروع کرده است یکی از ابزارهای مهم و جزو اصلی‌ترین ابزارهایی که استفاده می‌کند، رسانه است.»

وی در بخشی از سخنرانی خود عنوان کرد، «شهادت فی‌النفسه یک رسانه است دلیل آنهم این است که وقتی فردی در مسیری شهید می‌شود با شهادتش حق بودن و ارزشمند بودن آن مسیر را اثبات می‌کند.»

قآنی در ادامه افزود، «امروز در جهان همه در مقابل مقاومت سر تعظیم فرود می‌آورند حتا دشمنان اسلام و دشمنان جبهه مقاومت وقتی به این واژه ارزشمند می‌رسند مجبور هستند که ادای احترام کنند.»

فرمانده «سپاه قدس» با اشاره به درآمد آمریکا و اسرائیل از فروش تسلیحات نظامی توضیح داد، «آنها جنگ در دنیا راه می‌انداختند که در قبال آن سلاح بفروشند، اما همه کسانی که تلاش می‌کردند به دنیا بیاموزند که سلاح و تجهیزات، سرنوشت میدان‌های جنگ را تعیین می‌کند امروز اقرار می‌کنند که کسانی در میدان‌های مختلف نبرد موفق

→ سرکوب مخالفان داخلی آسان‌تر خواهد بود و به اسم شرایط خاص با افزایش مالیات‌ها و کاهش خدمات و گرانت‌کردن کالاها و محصولات به‌ویژه سوخت و تولیدات کارخانجات دولتی هزینه‌های جنگ را از جیب مردم تأمین می‌کنند. در شرایطی که مردم در ریاضت اقتصادی قرار گرفته‌اند سیستم فرصت می‌کند از درون نیروهایی که تاریخ مصرف‌شان گذشته یا اعتماد به آنها از بین رفته، دست به پاکسازی بزند. هر قدر حکومت بتواند اهمیت جنگ را در افکار عمومی توجیه کند تأمین هزینه‌های سنگین جنگ آسان‌تر خواهد بود. در این شرایط نهادهای امنیتی و نظامی صحنه‌گردان حکمرانی عمومی می‌شوند. حتا کارپردازی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی با هدف «افزایش تاب‌آوری» یا «جلوگیری از تشدید نارضایتی اجتماعی» صورت می‌گیرد. بدیهی است در جنگ، ابزارها و امکانات اقتصادی نیز نقش سلاح را بازی می‌کنند. در مورد حمله نظامی روسیه به اوکراین این وضعیت کاملاً برقرار شد. به عنوان مثال از وقتی اعلام شد موشک‌های بالستیک «اسکندر» به مرزهای غربی روسیه منتقل می‌شود تا وقتی به خاک اوکراین شلیک شد به تقویت ارزش روبل کمک کرد. در مقابل، انفجار خط لوله گاز «نورد استریم» اثر معکوس روی ارزش روبل گذاشت. آنچه در جبهه‌های شرق اروپا می‌گذشت به ویژه در ماه‌های آغاز جنگ تأثیر مستقیم در بازار بورس و سهام روسیه و حتا اروپا داشت و قیمت انرژی را مدام تغییر می‌داد.

به بیان دیگر نسخه‌های اقتصادی به تحولات میدان جنگ پیوند مستقیم خورد. بدیهی است هر چه پیوند میان اقتصاد با وضعیت جنگ بیشتر باشد نوسانات اقتصادی و ضربه‌پذیری آن نیز بیشتر می‌شود. اگر اقتصاد روسیه در شرایط جنگ با وجود تحریم‌های سنگین بین‌المللی تاب آورده و دچار فروپاشی اقتصادی نشده، به دلایلی از جمله بنیه اقتصادی و نظامی آن پیش از آغاز جنگ مربوط می‌شود. ظرفیت پیشروی در میدان جنگ یا نتیجه عملیات‌های تهاجمی یا دفاعی بطور مستقیم روی اقتصاد تأثیرگذار است اما جمهوری اسلامی نسخه‌ای را برای نجات اقتصادی به اجرا گذاشته که ابزارهای کافی برای پیاده ساختن و اجرای آن را ندارد. رونمایی از پایگاه زیرزمینی هوایی «عقاب ۴۴» یا تست موشک به اسم پرتاب ماهواره علمی نمی‌تواند مانند پرتاب موشک‌های «اسکندر» یا باج‌گیری‌های روسیه از اروپا در بخش انرژی عمل کند. آنچه برای جمهوری اسلامی در دسترس است فعالیت‌های اتمی برای ساخت بمب اتم است. رساندن غلظت اورانیوم به ۸۴ درصد یعنی قرار گرفتن جمهوری اسلامی در آستانه ساخت سلاح اتمی. اما مسئله اساسی و تفاوت مهم وضعیت جمهوری اسلامی و روسیه پوتین در این است که یکسال پس از حمله روسیه به اوکراین به دلایل مختلف ناتو حاضر به درگیری مستقیم با روسیه نشده و حتا از تحویل تسلیحات تهاجمی به اوکراین خودداری می‌کند اما در مورد فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی دست اسرائیل و بطور کل غربی‌ها برای هرگونه اقدام باز است. از آن گذشته فرسودگی تجهیزات و ادوات نظامی رژیم ایران و همچنین بحران اقتصادی نه فقط توان رزم تهاجمی بلکه قدرت دفاعی جمهوری اسلامی را هم با مشکل جدی روبرو کرده است. رژیمی که دو سوم ناوگان هواپیمایی آن زمینگیر است و عمر ناوگان هوایی رزمی آن به بیش از نیم قرن می‌رسد نه توان جنگ دارد و نه نسخه‌های خروج از بحران در شرایط جنگی برای آن اثربخش خواهد بود.

فرای اینها از عوامل اصلی که حکومت را در شرایط جنگی در نقطه ضعف قرار می‌دهد، عدم حمایت مردم است. سرنوشت معمر قذافی و صدام حسین نشان داد حکومتی که پشتوانه مردم را نداشته باشد برنده هیچ جنگی نخواهد بود.

بحران اقتصادی و عدم مشروعیت داخلی دست رژیم ایران را برای راه انداختن جنگ می‌بندد



تونل زیرزمینی محل استقرار سیستم‌های موشکی و پدافندی جمهوری اسلامی که اخیراً رونمایی شد

هرگونه حمایت از اقدامات رژیم صهیونیستی علیه ایران، به خطر انداختن جان سربازان آمریکایی در منطقه است.» اینکه تعدادی از مقامات جمهوری اسلامی روی «مذاکرات» (هرچند به دروغ) تأکید می‌کنند و در عمل دست به تحرکات ایدایی علیه اسرائیل و منافع غربی‌ها و متحدانش در منطقه می‌زنند از یکسو نشانه اختلاف در رده‌های بالای نظام است و از سوی دیگر، می‌توان آن را پوششی برای افزایش سطح تهدیدات و همزمان انکار کلامی آن به اسم مذاکره دانست. اخیراً دو ناو جنگی ارتش جمهوری اسلامی در بندر ریودوژانیرو پهلو گرفتند. همزمان مقامات نظامی جمهوری اسلامی ادعا دارند «برخی کشورها در صف خرید محصولات دفاعی ما ایستاده‌اند.»

هرقدر سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران به سطح مورد نیاز تولید تسلیحات (۹۰ درصد) بیشتر نزدیک می‌شود، ادعای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مورد تقویت و افزایش توانایی‌های پدافند هوایی نیز افزایش می‌یابد. رژیم سه روزه «مدافعت آسمان ولایت» دهم اسفند در ایران به پایان رسید. در این رژیم پدافند ارتش و سپاه پاسداران همکاری داشتند. ادعا می‌شود جمهوری اسلامی دارای «شبکه یکپارچه» پدافندی است. شواهد نشان می‌دهد جمهوری اسلامی برای راه انداختن یک درگیری نظامی هرچند محدود اما بسیار مستعد است. درگیری‌های مرزی با جمهوری آذربایجان و تحرکات نظامی در کردستان عراق یا تنش با نیروهای طالبان و یا نامن کردن آبراهه‌ها از علائم آن است.

با اینهمه برخی تحلیلگران نیز معتقدند رژیم ایران نه بودجه‌ای برای آغاز جنگ دارد و نه می‌تواند روی تجهیزات فرسوده نظامی خود حساب باز کند. از آن مهم‌تر جمهوری اسلامی پایگاه اجتماعی و مشروعیت داخلی خود را از دست داده است. عدم حمایت عمومی از یک حکومت ریسک ورود به یک جنگ را برای رهبران زیاد می‌کند. در حالی که

حکومت تلاش می‌کند تا خود را به عنوان یک قدرت نظامی قلمداد کند اما هم بحران اقتصادی و هم عدم مشروعیت داخلی، دست رژیم ایران را برای راه انداختن جنگ می‌بندد. در همین ارتباط شاهزاده رضا پهلوی در جریان تور اروپایی خود به مقامات غربی تأکید کرد تشدید فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی و حمایت حداکثری از مردم برای «تغییر رژیم» مطمئن‌ترین گزینه‌ها برای کاهش احتمال جنگ است. هرچند مقامات اسرائیل تأکید می‌کنند که غرب باید «گزینه معتبر نظامی» علیه جمهوری اسلامی را روی میز بگذارد اما به نظر می‌رسد دولت‌های قدرتمند اروپایی و آمریکا در مورد نوع برخورد با جمهوری اسلامی هنوز به جمع‌بندی

دهد تا دولت آمریکا بفهمد که رژیم ایران راهش را تغییر نمی‌دهد، بلکه برعکس، اقدامات خود را تشدید هم می‌کند.» همزمان با این رویدادها آمریکا و تایلند میزبان بزرگترین رزمایش نظامی چندملیتی منطقه آسیا-اقیانوسیه موسوم به «کبرا برای طلایی» در آب‌های اقیانوس هند هستند. حدود ۱۰ هزار نیرو از ۳۰ کشور جهان در این رزمایش حضور دارند. محمدرضا آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی در واکنش به مانور بزرگ آمریکا و متحدانش می‌گوید آمریکایی‌ها روحیه‌شان را از دست داده‌اند و برگزاری این رزمایش برای روحیه دادن به نیروهایشان است. همزمان شایعاتی در مورد احتمال اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی مطرح شده بود اما آشتیانی در پاسخ به پرسشی درباره «خطر این رزمایش برای جمهوری اسلامی» تأکید کرد: «همیشه هوشیار هستیم و رصد و مراقبت می‌کنیم و کاملاً همه چیز را زیر نظر داریم اما چنین استنباطی هم نداریم.»

اما حتا در رده‌های فرماندهی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز لحن فرماندهان علیه آمریکا و اسرائیل تفاوت زیادی دارد. جدی‌تر شدن موضوع اقدام نظامی علیه تأسیسات استراتژیک جمهوری اسلامی، تهران را وادار به واکنش کرده است. به بن‌بست رسیدن مذاکرات برجام یکی از دلایل اصلی برای جدی‌تر شدن استفاده از گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی است.

ند پرایس: امیرعبداللهیان دروغ می‌گوید

برخلاف ادعای حسین امیرعبداللهیان درباره آمادگی آمریکا برای «احیای برجام»، ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه این کشور با صراحت گفت: «فقط مقامات ایرانی می‌توانند توضیح دهند که چرا به گفتن این دروغ‌ها ادامه می‌دهند؟!» او دوباره تکرار کرد: «احیای برجام ماه‌هاست در دستور کار نبوده و ما هیچ پیمایی به ایران نداده‌ایم.»

بودجه پنتاگون برای جنگ احتمالی با رژیم ایران

برخی منابع آمریکایی گزارش می‌دهند بر اساس یک دفترچه راهنمای طبقه‌بندی شده درباره بودجه پنتاگون، ارتش آمریکا هزینه‌هایی برای عملیات احتمالی مخفی مربوط به برنامه جنگ با رژیم ایران اختصاص داده است.

سرلشکر اودد باسیوک فرمانده بخش عملیات ارتش اسرائیل فاش کرد در یک ماه گذشته، ایران دو بار برای حمله به شناورهای اسرائیلی در دریای عرب تلاش کرد و شکست خورد و این کار را با استفاده از پهپاد انجام داد که در جنگ اوکراین و روسیه نیز از آنها استفاده کرده است.

غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت «خاتم الانبیا» می‌گوید: «ما هشدار می‌دهیم به آمریکایی‌ها،

● دو مقام ارشد امنیتی اسرائیل اوایل هفته آینده برای دیدار با مقامات دولت بایدن به واشنگتن سفر می‌کنند. محور گفتگوهای آنها مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی خواهد بود.

● همزمان با افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران تا ۸۴ درصد، رئیس کمیته هسته‌های مجلس شورای اسلامی ادعا کرده آژانس اعضای سرویس‌های جاسوسی را برای بازرسی می‌فرستد.

● آمریکا و تایلند میزبان بزرگترین رزمایش نظامی چندملیتی منطقه آسیا-اقیانوسیه موسوم به «کبرا برای طلایی» در آب‌های اقیانوس هند هستند. حدود ۱۰ هزار نیرو از ۳۰ کشور جهان در این رزمایش حضور دارند.

● وزیر دفاع جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسشی درباره «خطر رزمایش آمریکا و متحدانش برای جمهوری اسلامی» تأکید کرد: «همیشه هوشیار هستیم و رصد و مراقبت می‌کنیم و کاملاً همه چیز را زیر نظر داریم اما چنین استنباطی هم نداریم.»

● برخی منابع آمریکایی گزارش می‌دهند بر اساس یک دفترچه راهنمای طبقه‌بندی شده درباره بودجه پنتاگون، ارتش آمریکا هزینه‌هایی برای عملیات احتمالی مخفی مربوط به برنامه جنگ با رژیم ایران اختصاص داده است.

همزمان با انتشار گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره کشف ذرات اورانیوم با غلظت ۸۴ درصد در تأسیسات زیرزمینی فردو، پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داد ران درمر وزیر امور راهبردی اسرائیل و تازچی هنگی مشاور امنیت ملی اسرائیل، اوایل هفته آینده برای دیدار با مقامات ارشد دولت جو بایدن به واشنگتن سفر می‌کنند. محور گفتگوهای آنها مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی خواهد بود.

مقامات جمهوری اسلامی گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را توطئه موساد برای افزایش فشار علیه جمهوری اسلامی در آستانه برگزاری نشست شورای حکام می‌دانند.

سارا فلاچی رئیس کمیته هسته‌های مجلس شورای اسلامی ادعا کرده آژانس اعضای سرویس‌های جاسوسی را برای بازرسی می‌فرستد.

کالین کال معاون وزیر دفاع آمریکا به کمیته خدمات نظامی مجلس نمایندگان آمریکا گفته جمهوری اسلامی می‌تواند «در مدت ۱۲ روز» مواد شکاف‌پذیر هسته‌ای لازم را برای ساخت یک بمب هسته‌ای تولید کند، در حالی که در سال ۲۰۱۸ برای چنین کاری ۱۲ ماه زمان لازم داشت.

باب مندز سناتور دموکرات در واکنش به غنی‌سازی ۸۴ درصدی اورانیوم در ایران گفته «فی‌دانم چه اتفاقی باید رخ

دانشگاه‌های آمریکا به خاطر پول، خود را به رژیم اسلامی ایران فروخته‌اند

واهمه همسر برایان هوک نماینده ویژه سابق آمریکا در امور ایران، نسبت به تهدیدهای جمهوری اسلامی نشان دادند. موسویان در دهه ۱۹۹۰ و در دورانی که سفیر جمهوری اسلامی ایران در آلمان بود، در ترورها و توطئه‌های سیاسی دست داشت و در نتیجه فعالیت‌هایش بود که دولت آلمان، خواستار برکناریش شده بود و در نهایت هم، چهار دیپلمات ایرانی از این کشور اخراج شدند و موسویان، مدت کوتاهی پس از آن ماجراها، با گریز از هرگونه تعقیب قضایی، به راحتی در دانشگاه پرینستون به تدریس پرداخت.

دانشگاه‌های آمریکا مقاصد راحت و اهداف قابل توجهی برای کشورهای متخاصم‌اند تا از این فضاهای آموزشی برای پیشبرد باورهای مذهبی و سیاسی رادیکال خودشان بهره ببرند. مدارس ایالات متحده از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ بدون هیچگونه شفافیتی، دست کم ۱۲ میلیارد دلار بودجه خارجی دریافت کرده‌اند، جمهوری اسلامی ایران یکی از کمک‌کنندگان بزرگی است که میلیون‌ها دلار به مدارس کلمبیا، هاروارد، پرینستون و سایر مدارس اهدا کرده است. دن داناوان نماینده سابق مجلس نمایندگان ایالات متحده، صرف چنین بودجه‌ای را، تلاشی برای نابودی و براندازی موسسات دانشگاهی آمریکایی توصیف کرده. در سال ۲۰۱۹ پروژه کلاریون کشف کرده بود که بنیاد علوی به عنوان یکی از بازوهای اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی، نفوذ بسیاری بر مساجد و مدارس ایالات متحده داشته است.

بر اساس آنچه سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید مسئولیت پاسخگویی، نباید الزاماً متوجه «مسئولان و دست‌اندرکاران مستقیم قتل‌عام‌های زندان باشد و فقط آنها نیستند که باید مورد تحقیقات جنایی قرار بگیرند، بلکه همه مقامات سابق و فعلی رژیم جمهوری اسلامی که در ایجاد فضای پنهانکاری و انکار و همچنین تسهیل ادامه مسیر ناپدید شدن قهری هزاران قربانی نقش داشته‌اند نیز باید پاسخگو باشند.»

آنچه روشن است، اینست که تا حال نه محلاتی و نه موسویان پاسخگوی جنایات‌شان نبوده‌اند و دانشگاه‌های آمریکا همچنان در معرض خطر دشمنان این کشور قرار دارند. این موضوع نه تنها برای خانواده‌های قربانیان دردناک است، بلکه به استقلال دانشگاه‌های ایالات متحده آسیب وارد کرده و تهدیدی جدی برای امنیت ملی این کشور به شمار می‌رود.

*منبع: واشنگتن اگزیمیر

*نویسندگان: لن خودورکوفسکی و لادن بازرگان

*ترجمه و تنظیم: لادن بازرگان

*درباره نویسندگان: لن خودورکوفسکی معاون سابق وزیر امور خارجه و مشاور ارشد سابق نماینده آمریکا در امور ایران و لادن بازرگان فعال حقوق بشر ایرانی-آمریکایی و خواهر بیژن بازرگان یکی از هزاران قربانی قتل عام سال ۱۹۸۸ در ایران است



اعتراض گروهی از ایرانیان به کالج اوپرلین به خاطر استخدام محمدجعفر محلاتی از مقامات و وابستگان جمهوری اسلامی
 ۵ مارس ۲۰۲۲

محلاتی در مصاحبه اخیرش با مسیح علی‌نژاد از اعتراف به هرگونه ارتباط با رژیم ایران خودداری کرد، با اینکه پیش از آن، درمیت یک نامه به رییس مجلس شورای اسلامی ایران، خود را «خدمتگزار وفادار» رژیم ایران خوانده است.

هم‌اکنون اعضای خانواده‌های قربانیان جمهوری اسلامی، گروه‌های حقوق بشری، ناتان شارانسکی که از مخالفان و زندانیان حکومت شوروی سابق است و همچنین شماری از برندگان جایزه صلح نوبل، خواستار پایان کار محلاتی در کالج اوپرلین شده‌اند. اما تا امروز، کارمن آمر، رئیس فعلی کالج اوپرلین، همچنان اصل «تعهد ماندگار یک فضای آموزشی به جامعه‌ای پایدار و عادلانه» را نادیده گرفته و جنایات محلاتی را با ریاکاری پوشش می‌دهد و البته هیئت مدیره اوپرلین هم، همچنان ساکت است.

دو عضو کنگره آمریکا، ویرجینیا فاکس و جیم پنکس با عنایت به اصل شفافیت، نامه‌ای به رییس کالج اوپرلین در ایالت اوهایو نوشتند و خواستار تحقیق و روشن شدن جزئیات مرتبط با استخدام محلاتی در این محیط آموزشی شدند. اما گزارش کالج اوپرلین نه تنها روشنگر نبود که تردیدهایی در مورد بودجه و کمک خارجی به این کالج و اینکه آیا اساساً رژیم ایران نقشی در استخدام محلاتی در این دانشگاه داشته را هم ایجاد کرد.

اما محلاتی تنها مقام سابق وابسته به رژیم جمهوری اسلامی نیست که توسط یک دانشگاه آمریکایی به او اجازه داده شده تا گذشته سیاه خود را پنهان کند. سیدحسین موسویان دیپلمات سابق ایرانی و استاد دانشگاه پرینستون، زمانی خبرساز شد که دوربین‌ها، ذوقزدگی وی را در باره ترس و

لن خودورکوفسکی و لادن بازرگان (واشنگتن اگزیمیر) - جمهوری اسلامی ایران از زمان پیدایشش در سال ۱۹۷۹ تا کنون در سراسر جهان تروریسم را ترویج کرده است. این رژیم در اغلب مواقع از دیپلمات‌ها و پرسنل شاغل در سفارت‌هایش، برای سرپوش گذاشتن و توجیه حملات تروریستی استفاده می‌کند. اف‌بی‌آی همین چند هفته پیش فردی را دستگیر و متهم کرد که با تهران در ارتباط بوده و گفته می‌شود تلاش کرده تا مسیح علی‌نژاد، شهروند ایرانی-آمریکایی منتقد جمهوری اسلامی را در محله بروکلین نیویورک هدف حمله تروریستی قرار دهد.

در گزارش اخیر سازمان عفو بین‌الملل هم به شواهدی علیه تعدادی از مقامات جمهوری اسلامی از جمله به شواهدی علیه محمدجعفر محلاتی سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل اشاره شده، که حاکی از مداخله آنها در جنایات مرتکب شده این رژیم علیه بشریت است.

به گزارش گروه حقوق بشر، «محلاتی در زمان تصدیق، به ویژه در تلاش برای تضعیف گزارش‌های معتبر گزارشگر ویژه وقت سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران بوده. او همچنین نقش فعالی در تضعیف گزارش‌های سازمان عفو بین‌الملل و در نهایت بی اثر کردن واکنش سازمان ملل متحد در مواجهه با ایران بوده. به عنوان مثال، او در اواخر نوامبر و اوایل دسامبر ۱۹۸۸ تلاش‌هایی انجام داده تا مانع تصویب قطعنامه‌ای شود که در متن آن، مجمع عمومی سازمان ملل در مورد اجرای اعدام‌های دستجمعی در ایران ابراز نگرانی کرده است.»

و حالا، به شکلی باورنکردنی و عجیب، محلاتی صاحب کرسی نانسی شروم دای، برای مطالعات خاورمیانه و آفریقای شمالی در کالج اوپرلین در اوهایوست.

این استاد «صلح و دوستی» نه تنها در کشتار هزاران ایرانی دست داشته، بلکه خواهان نابودی اسرائیل هم بوده و سابقه‌های طولانی در بیان اظهارات یهودستیزانه دارد. او طی یک سخنرانی در صحن سازمان ملل در سال ۱۹۸۹، فلسطین را «یک سرزمین اسلامی، یک میراث اسلامی و نقطه هویت اسلامی خوانده» و گفته که اشغال چنین سرزمینی توسط غاصبان صهیونیست، تجاوز به احاد مسلمانان سراسر جهان است. محلاتی آزادی فلسطین را یک تعهد بزرگ و تکلیف مهم دینی برای مسلمانان خوانده است.

محلاتی همچنین از محکوم کردن آزار و اذیتی که تمام این سال‌ها از سوی جمهوری اسلامی متوجه جامعه بهایی شده، روی برگردانده و امتناع کرده است. او مواردی همچون لغو تابعیت، زندان، شکنجه و اعدام ایرانیان بهایی را توجیه کرده و حتی در جای دیگری، فتوای روح‌الله خمینی علیه سلمان رشدی را تأیید می‌کند و کشتار سربازان آمریکایی را به سخره گرفته است.

➔ مشترک نرسیده‌اند. اگرچه دامنه تهدیدات رژیم ایران بسیار فراتر از فعالیت‌های امنی آن است.

رژیم ایران در صدر حامیان تروریسم

بر اساس گزارش سالبانه وزارت خارجه آمریکا در مورد کشورهای حامی تروریسم که به کنگره آمریکا ارائه شد، تأکید شده است رژیم ایران همچنان در صدر حکومت‌های حامی تروریسم قرار دارد و طیف وسیعی از فعالیت‌های تروریستی و سایر فعالیت‌های غیرقانونی را در سراسر جهان تسهیل می‌کند. در این گزارش که اواخر فوریه (نهم اسفند) منتشر شد، آمده

دارای یک شبکه بین‌المللی برای تأمین فناوری پیشرفته از شرکت‌ها و نقاط مختلف دنیا برای تقویت توانایی تروریستی و نظامی خود است.

در این گزارش ضمن تشریح فعالیت‌های تروریستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، «سپاه قدس» و همچنین وزارت اطلاعات در منطقه و دیگر نقاط جهان تأکید شده «در سال‌های اخیر کشورهای آلبانی، بلژیک و هلند همگی مقامات حکومتی این رژیم را که در توطئه‌های تروریستی مختلف در این کشورها دست داشته‌اند، دستگیر و یا اخراج کرده‌اند.»

رژیم ایران در منطقه از اقدامات تروریستی در بحرین، عراق، لبنان، سوریه و یمن از طریق شبه‌نظامیان و شرکای خود مثل حزب‌الله و حماس به حمایت می‌پردازد. علاوه بر این، رهبران ارشد القاعده همچنان در ایران زندگی می‌کنند و با سایر عوامل القاعده در کشورهای دیگر در ارتباط هستند.

در سطح بین‌المللی نیز وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی به عنوان اصلی‌ترین بازوی رژیم از طریق استخدام عضو و تأمین مالی در سراسر آفریقا، آسیا، اروپا و آمریکای شمالی و جنوبی دست به توطئه‌های تروریستی می‌زند. رژیم ایران همچنین

ادامه نوسانات در بازار ارز کشور؛ نشست سران قوا پشت درهای بسته و تنش در مجلس شورای اسلامی



«اقتصادسنج» گفت که محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی به صراحت به نمایندگان اعلام کرد که «ما راه حل بهتری برای مدیریت بازار ارز نداریم» و «همینه که هست». علیرضا بیگی گفت سخنان مخبر «غیرمسئولانه‌ترین سخن یک مقام دولت» بود و افزود که «استنباط ما از جلسه با تیم اقتصادی دولت این است که برنامه‌ای برای برون‌رفت از شرایط موجود وجود ندارد.»

بی‌کفایتی دولت در مدیریت بازار ارز و همراهی محمدباقر قالیباف با دولت سبب تنش‌هایی در مجلس شورای اسلامی شده است. از جمله درگیری لفظی میان ناصر موسوی لارگانی نماینده فلاورجان و محمدباقر قالیباف رئیس مجلس در نشست علنی امروز بود.

ناصر موسوی لارگانی نماینده فلاورجان با انتقاد از بی‌تفاوتی دولت به فاجعه آفریده شده توسط دولت در بازار ارز و همراهی رئیس مجلس با سیاست‌های دولت خطاب به محمدباقر قالیباف گفت که «شما دیروز گفتید دولت باید برای ارز کمیته مشخص کند. دولت کجاست؟ شما تازه می‌گویید دولت! پس مجلس کجای کار است؟!»

موسوی لارگانی افزود که «مردم امروز می‌توانند حتی نان بخرند و همه قیمت‌ها لحظه‌ای افزایش پیدا می‌کند. خواهش من این است شما ورود پیدا کنید.»

محمدباقر قالیباف در این جلسه گفت که «مگر کسی امروز مانع نظارت مجلس است؟! افتخار مجلس این است که ما ۴۰ روز قبل این شرایط را پیش‌بینی می‌کردیم. ما کار خودمان را انجام دادیم. در جلسه غیرعلنی اینگونه بحث شد که یک گروه مشترک از دولت و مجلس همفکری کنند. ما اشکالات را گفتیم و پیگیری هم می‌کنیم.»

شامگاه یکشنبه هفتم اسفند نیز شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا نشست دربارۀ وضعیت بازار ارز را پشت درهای بسته برگزار کردند. خروجی این جلسه تصویب بسته پیشنهادی بانک مرکزی برای دریافت اختیارات لازم با هدف مهار قیمت ارز و حفظ ارزش پول ملی بود.

جزئیات زیادی از این نشست در رسانه‌های داخلی منعکس نشده اما در گزارشی با جملات کلیشه‌ای آمده که «سران قوا و اعضای شورا در این جلسه با تأکید بر لزوم هماهنگی و همکاری مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و دستگاه‌های اجرایی برای کنترل و کاهش نرخ ارز و تأمین ارز برای واردات کالاهای مورد نیاز، بسته پیشنهادی بانک مرکزی برای دریافت اختیارات لازم با هدف مهار قیمت ارز و حفظ ارزش پول ملی بررسی و به تصویب رساندند.»

در این جلسه همچنین بانک مرکزی گزارشی از اقدامات انجام شده در زمینه همکاری صادرکنندگان بخش‌های دولتی و غیردولتی برای عرضه ارزهای حاصل از صادرات

نیست بلکه توطئه‌ای حساب شده و تدارک دیده از سوی دشمنان است و برای مقابله با این توطئه، دستگاه‌ها و مراکز اطلاعاتی و امنیتی بیشترین وظیفه را بر عهده دارند. مسامحه را کنار بگذارید و در برخورد با مافیای ارز کمترین ترحمی نداشته باشید.»

حسین شریعتمداری بی‌توجه به دلایل اقتصادی که سبب افزایش تقاضا در بازار ارز و کاهش ارزش پول ملی شده، نوشته که «آیا شایسته است که یک مشت انسان‌نمای بی‌سرو یا با حمایت‌های آشکار و نهان دشمنان بیرونی با لطایف‌الحیل و ترفندهای گوناگون در سیستم ارزی نظام دست به اخلاص بزنند و مدیریت ارزی کشور را از دست مدیران شایسته و دلسوز دولت مردمی خارج کرده و در اختیار خود بگیرند؟!»

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی نیز روز گذشته وضعیت بازار ارز را متأثر از «توطئه» خوانده و گفته بود که «ما فقط مسائل اقتصادی را در التهابات بازار ارز دخیل نمی‌دانیم، توطئه‌ای است که دشمن دنبال می‌کند تا وقتی در صحنه اغتشاشات نتوانست به جایی برسد، در صحنه اقتصادی و موضوع ارز دخالت کند و آن را مبنایی برای ایجاد ناآرامی‌ها در کشور کند.»

کاظم صدیقی نماینده علی‌خامنه‌ای و امام جمعه تهران نیز روز گذشته هفتم اسفندماه گفته بود جنگ اقتصادی سخت‌تر از جنگ نظامی است اما «با دعا می‌توان از این برهه هم به خوبی گذر کرد.»

این ایده پیشتر نیز از سوی مقامات دولتی به اشکالی دیگر مطرح شده بود. احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی و محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی نیز در اظهاراتی تأکید کرده بودند که قیمت‌ها در بازار آزاد ارز «واقعی» نیست!

بانک مرکزی هم ادعا کرده که ۷۰۰ میلیون دلار ارز به بازار تزریق کرده است. اگر این ادعا درست باشد هم نشان از فاجعه عمیقی در بازار ارز و اقتصاد کشور دارد چون با تزریق این مبلغ طی شبانه روز گذشته دلار کمتر از ۱۰ درصد کاهش قیمت پیدا کرده است!

طی روزهای گذشته گرانی ارز مجلس شورای اسلامی را به تکاپو وا داشت تا نشست دربارۀ وضعیت قیمت ارز و طلا با حضور وزیر اقتصاد، رئیس کل بانک مرکزی و معاون اول رئیس جمهور برگزار کند. این جلسه هفته گذشته به دلیل درگذشت مادر همسر رئیس کل بانک مرکزی لغو و در نهایت به صورت غیرعلنی در هفته جاری برگزار شد. نتیجه این جلسه پشت درهای بسته اما نتوانست برای نمایندگان امیدوارکننده باشد.

علیرضا بیگی نماینده تبریز در گفتگو با وبسایت

● افزایش بی‌امان قیمت‌ها از یکسوی سبب برگزاری نشست غیرعلنی در مجلس شورای اسلامی شده و از سوی دیگر اعضای شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا را شامگاه یکشنبه هفتم اسفند به نشستی پشت درهای بسته کشاند.

● علیرضا بیگی پس از نشست با اعضای دولت گفته که «استنباط ما از جلسه با تیم اقتصادی دولت این است که برنامه‌ای برای برون‌رفت از شرایط موجود در بازار ارز وجود ندارد.»

● مرتضی افقه: در این شرایط تنها خبر رفع تحریم‌ها و سیگنال‌های مثبت آن می‌تواند رشد چشمگیر قیمت دلار و ارز را متوقف کند و کاهش هم در کار نیست.

قیمت دلار روز گذشته مرز ۶۰ هزار تومان را هم رد کرد اما پس از آنکه ساعاتی روند نزولی قیمت‌ها در بازار حاکم شد، دوباره قیمت‌ها با شیبی ملایم افزایش یافت. هرچند جمهوری اسلامی با سازماندهی اخبار تلاش دارد از افزایش بیشتر قیمت ارز جلوگیری کند اما اظهارات نمایندگان مجلس شورای اسلامی نشان از بی‌برنامگی و عدم کنترل مدیریتی دولت بر بازار ارز دارد.

قیمت دلار روز گذشته با ثبت نرخ جدیدی وارد کانال ۶۰ هزار تومان شد، قیمت ساعاتی بعد حدود ۴ هزار تومان ریزش کرد اما بعد با شیبی ملایم رو به افزایش رفت. قیمت‌های ارائه شده از بازار ارز ایران در پیش از ظهر امروز دوشنبه هشتم اسفند نشان از قیمتی حدود ۵۸ هزار تومان برای دلار دارد.

قیمت دیگر ارزهای رایج در بازار ایران نیز به موازات دلار دچار نوسان شده بطوری که قیمت یورو در کانال ۶۰ تا ۶۱ هزار تومان و درهم امارات در محدوده قیمتی ۱۶ هزار تومان قرار گرفته است.

قیمت‌ها در بازار طلا هم همچنان در حال افزایش است. از صبح امروز هر سکه طلا ۳۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۳۴ میلیون تومان معامله شده و هر مثقال طلای ۱۸ عیار نیز ۲ میلیون و ۷۵۰ هزار تومان قیمتگذاری شده است.

افزایش بی‌امان قیمت‌ها از یکسوی سبب برگزاری نشست غیرعلنی در مجلس شورای اسلامی شده و از سوی دیگر اعضای شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا را شامگاه یکشنبه هفتم اسفند به نشستی پشت درهای بسته کشاند. مقامات حکومت معتقدند افزایش قیمت‌ها در بازار ارز غیرطبیعی و تحت توطئه‌ای سازمانیافته اتفاق می‌افتد. این ایده از سوی رسانه‌های حامی دولت رئیسی نیز به شکل گسترده تکرار می‌شود. از جمله حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان چاپ تهران نوشته که «همه شواهد حکایت از آن دارند که اختلال در بازار ارز طبیعی

فاکس نیوز: جلسات محرمانه در اسرائیل برای بررسی حمله نظامی احتمالی به تأسیسات استراتژیک جمهوری اسلامی



موشک بالستیک عاشورا

هسته‌های ایران آماده می‌شود. ژنرال امیر آویوی بنیانگذار و رئیس مجمع امنیت دفاعی اسرائیل، به فاکس نیوز می‌گوید: «اسرائیل اجازه نخواهد داد ایران هسته‌ای شود». وی گفته «از آنجا که ما شاهد گسترش برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی هستیم و مذاکرات به بن‌بست رسیده است، اسرائیل گزینه نظامی معتبر خود را آماده می‌کند.»

در همین ارتباط «شبکه ۱۲» تلویزیون اسرائیل گزارش داد بنیامین نتانیاهو نخست وزیر پنج جلسه با رؤسای نظامی و امنیتی خود و همچنین رئیس موساد در مورد حمله احتمالی به تأسیسات استراتژیک جمهوری اسلامی داشته است. برخی منابع معتقدند علنی شدن برگزاری چنین نشست‌هایی با انگیزه نشان دادن عزم جدی اسرائیل برای انجام اقدامات احتمالی است.

نتانیاهو اخیراً در کنفرانس امنیت ملی گفت: «تنها چیزی که تا حال کشورهای یابی را از تولید تسلیحات هسته‌ای بازداشته است، یک تهدید نظامی معتبر یا یک اقدام نظامی معتبر است.»

وی تأکید کرد: «هرچه بیشتر صبر کنیم برخورد با جمهوری اسلامی سخت‌تر خواهد شد و ما تا هم‌اینجا صبر کردیم.» ژنرال آویوی که یکی از مقامات دفاعی سابق اسرائیل است به صراحت گفته است که ایران هسته‌ای «به تنهایی تهدیدی برای اسرائیل نخواهد بود»، اما در نهایت «کل خاورمیانه را بی‌ثبات می‌کند و نظم جهانی تحت سلطه ایالات متحده را به چالش می‌کشد.»

وی می‌گوید: «معتقدم که جلوگیری از ایران هسته‌ای یک اولویت جهانی است که باید تحت رهبری آمریکا و بر اساس یک طرح نظامی معتبر و تحریم‌های فلج‌کننده تحقق یابد.» آویوی همچنین افزود: «اگر کشورهای آزاد جهان نتوانند علیه ایران اقدامی انجام دهند، اسرائیل چاره‌ای جز اقدام به تنهایی برای حفظ موجودیت خود نخواهد داشت. پیامدهای منطقه‌ای و جهانی رویارویی ایران و اسرائیل فراتر از جنگ در اوکراین خواهد بود و احتمالاً ثبات جهانی را در ابعاد بی‌سابقه‌ای به چالش می‌کشد.»

● خبرگزاری تسنیم به نقل از «منابع آگاه» گزارش داد انفجارها و شلیک ضدهوایی حوالی کرج مربوط به «رزم شبانه» نیروهای بسیجی بود.

● بر اساس یک گزارش که به بیرون درز کرده، اسرائیل پس از سلسله جلسات محرمانه بین بنیامین نتانیاهو و وزرای دفاع و اطلاعات کابینه، برای اقدام احتمالی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران آماده می‌شود.

● ژنرال امیر آویوی بنیانگذار و رئیس مجمع امنیت دفاعی اسرائیل، به فاکس نیوز می‌گوید: «اسرائیل اجازه نخواهد داد ایران هسته‌ای شود.»

● «شبکه ۱۲» تلویزیون اسرائیل گزارش داد بنیامین نتانیاهو نخست وزیر این کشور پنج جلسه با رؤسای نظامی و امنیتی خود و همچنین رئیس موساد در مورد حمله احتمالی به تأسیسات استراتژیک جمهوری اسلامی داشته است.

شامگاه پنجشنبه چهارم اسفند حوالی کرج پس از آنکه صدای چند انفجار شنیده شد، ضدهوایی‌های همان مناطق فعال شدند. در همین ارتباط ویدئوهایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که تأیید می‌کنند تحرکات نظامی در این مناطق اتفاق افتاده است. ساعاتی بعد رسانه‌های حکومتی به نقل از «منابع مطلع» گزارش دادند که یگان‌های بسیج در حال آموزش دوره «رزم شبانه» بودند.

تسنیم به نقل از همان منبع ادعا کرد «نیروهای تحت آموزش، در بخشی از این رزمایش با گلوله‌های رسام به سمت اهداف فرضی و از پیش تعیین شده شلیک کردند.» هرچند به نظر می‌رسد این رویداد یک تمرین نظامی بوده اما مهم این است که در مناطقی برگزار شده که در آنجا تأسیسات موشکی و پهبادی و انبارهای مهمات وجود دارد. آنهم در شرایطی که در سطح بین‌المللی مسئله اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی با رساندن غلظت اورانیوم به ۸۴ درصد بطور جدی‌تر مطرح می‌شود.

بر اساس یک گزارش که به بیرون درز کرده، اسرائیل پس از سلسله جلسات محرمانه بین بنیامین نتانیاهو و وزرای دفاع و اطلاعات کابینه، برای اقدام احتمالی علیه تأسیسات

→ در سامانه بانک مرکزی و مرکز مبادله و چگونگی تأمین ارز مورد نیاز کالاهای وارداتی ارائه کرده است.

احسان خاندوزی وزیر اقتصاد و امور دارایی جمهوری اسلامی نیز در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره «اختیارات ویژه بانک مرکزی در بازار ارز» گفته که یکی از اختیاراتی که این نهاد ارشد دولتی پیشتر به دنبال آن بود در حوزه «عدم بازگشت ارز صنایع بوری» بود که در این بسته آمده است. بر اساس توضیحات احسان خاندوزی «تمامی صنایع کشور» حتی مجموعه‌های دولتی شامل حوزه نفت و صنعت و سایر صادرکنندگان باید در بخش ارزهای حاصله از منابع صادراتی، از بانک مرکزی جمهوری اسلامی تبعیت کنند. همانطور که علیرضا بیگی نماینده تبریز هم گفته، مقامات دولتی هیچ توضیحی برای وضعیت ایجاد شده در بازار ارز ندارند. احسان خاندوزی پس از نشست غیرعلنی مجلس نیز به جای توضیح دلایل اقتصادی و سیاسی که وضعیت بازار را به اینجا رسانده به فراقکنی پرداخته و گفته که «پشت پرده اختلالات بازار ارز شناسایی شده و به زودی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و قضایی تکلیف این افراد را مشخص خواهند کرد.» بانک مرکزی در دوم اسفند بازار تبادل ارز و طلا را نیز راه‌اندازی کرد اما این بازار هیچ اثری در کنترل قیمت‌ها نداشت و نرخ ارز بی‌توجه به این بازار در حال افزایش بود. در همین حال به نظر می‌رسد مقامات حکومتی به دنبال ایجاد جو روانی برای مهار قیمت‌ها در بازار ارز هستند. از جمله حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی هم با بیان اینکه «در حال تنظیم مرحله جدیدی از گفتگوها با عربستان هستیم» گفته که «وزیر خارجه عراق که از سفر واشنگتن برگشتند حامل این پیام بودند که طرف آمریکایی برای جمع‌بندی توافق آمادگی دارد. ما نیز همواره از مسیر دیپلماسی و مذاکره استقبال کرده‌ایم و از مذاکره فاصله نرفته‌ایم.»

اینهمه در حالیست که آنچه از سوی هیچیک از مقامات دولت یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی مورد تأکید قرار نمی‌گیرد کاهش ارزش پول ملی و فاجعه پیرو آن در بازارهای مختلف و تورم است. چند ماه پیش کارشناسی از جمله محمد افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی شاپور اهواز نسبت به رسیدن دلار به ۶۰ هزار تومان هشدار داده بودند. مرتضی افقه اکنون در گفتگو با «شرق» گفته که «برای اقتصاددانان محرز بود که در غیاب درآمدهای نفتی و در حالی که منابع دیگر تهی شده بودند و در حالی که انبوهی از نیروهای انسانی فوج فوج از کشور خارج می‌شوند حتی یک دولت قوی هم نمی‌توانست کشور را خوب اداره کند، چه برسد به اینکه در حال حاضر، ضعیف‌ترین تیم اقتصادی در سخت‌ترین شرایط در راس دولت است.»

این اقتصاددان افزوده که «وقتی دولت نتواند هزینه‌هایش را کاهش دهد، ناچار است استقراض کند که موجب پمپاژ نقدینگی خواهد شد. از طرف دیگر احساس ناامنی را در ذهن تولیدکننده و مصرف‌کننده ایجاد می‌کند. هر روز هم یک کشور ما را تهدید می‌کند، مشکل دورم‌های حل تحریم‌ها هم که فعلاً کاملاً منفی شده و این اثر روانی باعث شده که مردم به فکر بیفتند و سطح تقاضا به صورت غیراقتصادی افزایش پیدا کند.»

به گفته مرتضی افقه در شرایط کنونی فقط توافق و رفع تحریم می‌تواند کنترل در بازار ارز ایجاد کند: «دولت بنا بود نقدینگی را کنترل کند که نتوانست، چون ساختارهای موجود دولتی نقدینگی‌زا هستند؛ بنابراین هیچ کدام از این مسائل متوقف نشده است. در این شرایط تنها خبر رفع تحریم‌ها و سیگنال‌های مثبت آن می‌تواند رشد چشمگیر قیمت دلار و ارز را متوقف کند و کاهشی هم در کار نیست.»

نمایندگان مجلس شورای اسلامی مالیات خانه‌های لوکس را حذف کردند!



● نمایندگان مجلس شورای اسلامی امروز یکشنبه ۷ اسفند در جریان بررسی بخش درآمدی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲، بند «ذ» تبصره ۶ لایحه را بررسی کردند. هنگام بررسی این جزء، محمد مهدی مفتاح پسر بزرگ محمد مفتاح و داماد محمد محمدی گیلانی پیشنهاد داد که «واحدهای مسکونی» از این قسمت حذف شود که نمایندگان نیز با این پیشنهاد موافقت کردند.

● به این ترتیب به گفته مالک شریعتی نیاسر نماینده تهران، عملاً در سال ۱۴۰۲ «چیزی به عنوان مالیات بر واحدهای مسکونی لوکس و گران قیمت نداریم و فقط مالیات بر باغ ویلاهایی می‌ماند که رقم ناچیزی است. چیزی از این حکم باقی نماند.»

بر اساس مصوبه امروز نمایندگان مجلس شورای اسلامی امروز در جریان بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۲ مالکان خانه‌های لوکس بالای ۲۰ میلیارد تومان از پرداخت مالیات معاف شدند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی امروز یکشنبه ۷ اسفند در جریان بررسی بخش درآمدی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲، بند «ذ» تبصره ۶ لایحه را بررسی کردند.

در جزء یک بند «ذ» تبصره ۶ آمده است: «واحدهای مسکونی و باغ ویلاهای مجاز با احتساب عرصه و اعیان و زمین‌های فاقد اعیانی دارای کاربری مسکونی- اداری و تجاری در محدوده شهرهای بالای یکصد هزار نفر جمعیت که ارزش روز آنها بیش از ۲۰۰ میلیارد ریال می‌باشد مازاد بر این مبلغ مشمول مالیات به میزان دو در ۱۰۰۰ می‌باشد.» هنگام بررسی این جزء، محمد مهدی مفتاح پسر بزرگ محمد مفتاح و داماد محمد محمدی گیلانی پیشنهاد داد که «واحدهای مسکونی» از این قسمت حذف شود که نمایندگان نیز با این پیشنهاد موافقت کردند.

به دنبال حذف عبارت «واحدهای مسکونی» از این بند لایحه بودجه، محمد باقر قالیباف اعلام کرد: «با حذف واحدهای مسکونی از این بند عملاً ابهاماتی ایجاد شده است چرا که اکنون ویلاهای غیرمجاز مالیات نمی‌دهند و ما در اینجا با اخذ مالیات برای باغ ویلاهای مجاز عملاً آنها را جریمه می‌کنیم از سوی دیگر در این مصوبه ذکر شده که در شهرهای بالای یکصد هزار نفر که اکثر باغ ویلاها در شهرهای کوچک هستند. بنابراین این بند از بودجه را به کمیسیون ارجاع می‌دهیم تا ابهامات آن رفع شود.» در واکنش به این مصوبه مالک شریعتی نیاسر نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با اعلام اینکه اخذ مالیات

از خانه‌ها و ماشین‌های گران قیمت از وعده‌های مجلس بود گفته است: «در بودجه ۱۴۰۱ متی خلاصه‌تر شد و صرفاً یک پله در نظر گرفته شد و بالاتر از یک ارزش معین باید مالیات پرداخت می‌کردند، اما متأسفانه در بودجه ۱۴۰۲ واحدهای مسکونی از این حکم حذف شد. جالب این است که در لایحه بودجه خود دولت ساز و کار اخذ مالیات از واحدهای مسکونی پیش بینی شده بود و این بند الحاقی مجلس نبود. هر دو مورد یعنی هم خودروهای لوکس و هم خانه‌های لوکس در لایحه دولت بود.»

وی در ادامه تأکید کرد: «در صحن علنی مجلس آقای مفتاح عضو کمیسیون برنامه و بودجه پیشنهاد حذف داد و عبارت واحدهای مسکونی حذف شد. طبق روال جلسه نیز رئیس جلسه از نماینده دولت و نماینده کمیسیون تلفیق سوال کرد و با کمال تعجب هم دولت و هم کمیسیون تلفیق با این پیشنهاد موافقت کردند. یک بدعتی در تاریخ قانون گذاری صورت گرفت و دولت خودش با مصوبه خود مخالفت کرد. عملاً بخشی از مصوبه خودش را حذف کرد. لایحه بودجه در هیات وزیران تصویب شده و نماینده دولت باید حافظ و نگهدارنده مصوبات دولت باشد اما اینجا نماینده دولت با حذف مصوبه دولت موافقت کرد.»

به گفته نیاسر، عملاً در سال ۱۴۰۲ «چیزی به عنوان مالیات بر واحدهای مسکونی لوکس و گران قیمت نداریم و فقط مالیات بر باغ ویلاهایی می‌ماند که رقم ناچیزی است. چیزی از این حکم باقی نماند.»

در بودجه سال گذشته دو نوع مالیات جدید به سیستم دریافت مالیات کشور اضافه شد که شامل مالیات بر خانه و اتومبیل‌های لوکس بود. بر اساس این قانون، صاحبان خانه‌های بالای ۱۰ میلیارد تومان و باغ‌ویلاهای گران قیمت موظف به پرداخت مالیات بودند که البته واحدهای مسکونی و باغ‌ویلاهای در حال ساخت و در حال تملک از این مالیات معاف بودند.

سازمان امور مالیاتی نیز در بهمن ماه سال گذشته مالیات برای واحدهای مسکونی و باغ‌ویلاهای گران قیمت را محاسبه کرده و نتایج آن را در وبسایت این سازمان منتشر کرده بود. محمود محمودزاده معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی ۱۸ آذر سال گذشته در مورد قانون اخذ مالیات از مالکان خانه‌های خالی به خبرنگاری ایسنا گفته بود که «به دلیل متفاوت بودن محل قرار گرفتن واحدهای خالی شناسایی شده در حال حاضر امکان برآورد کلی میزان مالیاتی که باید اخذ شود مشخص نیست.» در این گزارش آمده بود که تملک املاک مسکونی و تجاری

توسط اشخاص حقوقی و خالی نگه داشتن آن به معضلی برای بازار مسکن تبدیل شده است. آنطور که معاون وزیر راه و شهرسازی گفته بود از ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار واحد مسکونی خالی از سکنه ۹۰۰ هزار واحد مربوط به اشخاص حقوقی است. منظور از اشخاص حقوقی، بانک‌ها، دستگاه‌های دولتی، ارگان‌ها و نهادهای عمومی است که معمولاً برای افزایش سرمایه یا مصون نگه داشتن آن در برابر تورم اقدام به خرید یا ساخت املاک مسکونی و تجاری می‌کنند.

منطق دولت برای اخذ مالیات از خانه‌های خالی این بود که گفته می‌شد مالکانی که املاک لوکس دارند یا نیاز مالی ندارند، خانه خود را خالی نگه داشته و طلب قیمت‌هایی بالاتر از نرخ بازار برای اجاره یا فروش ملک‌شان می‌کنند. در نتیجه این عملکرد، نرخ قیمتی در بازار اجاره یا فروش ملک دستکاری شده و به صورت کاذب افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر آگهی‌های املاک در تهران نشان می‌دهد فاصله طبقاتی در کشور به شدت افزایش یافته و در حالی که حقوق اغلب کارمندان و کارگران بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ دلار است، خانه‌هایی در شمال شهر تهران با قیمت چندین میلیون دلار برای فروش آگهی شده‌اند.

«پنت‌هاوس» و ویلاهایی در شهر تهران که بنا به گفته واسطه‌های ملکی اصلاً مشتری ندارد و فقط در فصلی از سال اجاره می‌رود با قیمت‌های ۷ تا ۱۵ میلیون دلار معادل ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد تومان برای فروش عرضه شده و این در حالیست که بررسی آگهی‌های قیمت خانه در منطقه «بورلی هیلز» آمریکا به عنوان یکی از گرانترین محله‌های دنیا، قیمت‌هایی به مراتب پایین‌تر از نرخ برخی خانه‌ها در تهران را نشان می‌دهد.

بعضی مالکان قیمت‌های ۲۰۰، ۳۰۰، ۴۰۰ میلیارد تومان و حتی بالاتر برای «پنت‌هاوس»، آپارتمان‌های فوق لوکس و ویلاهای خود تعیین کرده‌اند که با احتساب نرخ میانگین دلار، ارقام عجیبی به دست می‌آیند.

طی سال‌های گذشته و از زمان فعالیت دولت حسن روحانی دریافت مالیات از اقسار پردرآمد، مالکان خانه‌ها و اتومبیل‌های لوکس و حتی دارندگان سرمایه در کشور مطرح شد اما هیچکدام در عمل به اهداف خود دست نیافت و نیمه‌کاره ماند.

کارشناسان معتقدند هرچند اصلاح نظام مالیاتی یکی از پیش‌نیازهای اصلی جراحی اقتصادی به حساب می‌آید، اما مالیات اضافه بستن بر اقتصادی که از تورم بالا و رکود رنج می‌برد به معنای هدف گرفتن جیب مردم و جامعه برای درآمدزایی و جبران انباشت هزینه‌های دولت است.

درخواست دو حزبی کنگره آمریکا از دولت بایدن برای تحریم ۲۲۷ نماینده مجلس شورای اسلامی به دلیل حمایت از سرکوب اعتراضات



تظاهرات ضدحکومتی در تهران؛ منبع: AFP

از معترضان حکم اعدام صادر شده است که دستکم چهار مورد آن به اجرا گذاشته شد. گزارش شده بسیاری از زندانی‌ها مورد شکنجه و حتا برخی زنان مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند.

در این میان، حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در جریان سفر به ژنو برای شرکت در کنفرانس حقوق بشر، کشته شدن مردم در جریان اعتراضات را انکار کرد. او همچنین در مصاحبه با کریستین امانپور خبرنگار ارشد شبکه خبری سی‌ان‌ان که چهارشنبه ۱۰ اسفند (اول مارس) پخش شد، شکنجه و تجاوز جنسی علیه معترضان در ایران را رد کرد.

امانپور با اشاره به یکی از گزارش‌های شبکه سی‌ان‌ان، می‌گوید: «خامی هست که بیش از یک ماه در یکی از سلول‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده و سه مرد مختلف به او تجاوز کردند. او به این علت که به فکر خودکشی افتاده، با روحانی‌ای صحبت می‌کند و سی‌ان‌ان با آن روحانی نیز گفتگو کرده. آیا پذیرفتنی است زنی که به هر دلیلی دستگیر شده، مورد تجاوز قرار گیرد؟»

امیرعبداللہیان در پاسخ می‌گوید: «در مورد این خانم ایرانی من نمی‌توانم تایید کنم... حرف‌های بی‌اساس در فضای مجازی و رسانه‌ها زیاد گفته می‌شود.»

قانونگذاران آمریکا نوشته‌اند: «ما وزارتخانه‌های خارجه و خزانه‌داری را به شدت تشویق می‌کنیم تا تحریم‌های بیشتری علیه مقامات و نهادهای ایرانی درگیر در این سرکوب وحشیانه که باعث ارعاب و نابودی هستند به اجرا بگذارند.»

به واقع نیز مجلس شورای اسلامی در سرکوب معترضان توسط حکومت مؤثر بوده است. اواسط آبان ۱۴۰۱ در اوج اعتراضات ۲۲۷ نفر از نمایندگان در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی معترضان را «اراذل و اوباش» خواندند و با «تروریست‌های داعش» مقایسه کردند و خواستار اعدام آنها شدند.

قانونگذاران آمریکا خاطرنشان کردند که در مارس ۲۰۲۲ پس از حمله روسیه به اوکراین دولت بایدن اعضای «دوما»ی روسیه را نیز تحریم کرد. امضاکنندگان نامه معتقدند باید همان فشار به رژیم ایران وارد شود.

همچنین امضاکنندگان تأکید کردند این نوع تحریم‌ها می‌تواند به راحتی توسط دولت بایدن تحت «قانون جهانی مانگیتسکی» که ناقضان حقوق بشر در سراسر جهان را هدف قرار می‌دهد، اعمال شود.

در جریان سرکوب اعتراضات در ایران بیش از ۶۰۰ نفر کشته و حدود ۱۸ هزار نفر بازداشت شدند. برای شماری

گروهی از اعضای دو حزب مجلس نمایندگان آمریکا در نامه‌ای به وزارتخانه‌های خارجه و خزانه‌داری خواستار تحریم ۲۲۷ نماینده مجلس شورای اسلامی از مجموع ۲۹۰ نماینده به دلیل نقش آنها در ایجاد چارچوب قانونی برای کشتن، شکنجه و بازداشت معترضان در ایران شدند.

قانونگذاران آمریکا خاطرنشان کردند که در مارس ۲۰۲۲ پس از حمله روسیه به اوکراین دولت بایدن اعضای «دوما»ی روسیه را نیز تحریم کرد. امضاکنندگان نامه معتقدند باید همان فشار به رژیم ایران وارد شود.

واشنگتن فری بیکن می‌نویسد این نامه نشان‌دهنده این است که قانونگذاران از هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات از واکنش دولت بایدن نسبت به جنبش اعتراضی ضد حکومتی در ایران ناامید شده‌اند و حالا تهدید می‌کنند که رژیم ملایان در ایران را سرنگون می‌کنند.

حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در جریان سفر به ژنو برای شرکت در کنفرانس حقوق بشر کشته شدن مردم در جریان اعتراضات را انکار کرد و همچنین در مصاحبه با سی‌ان‌ان شکنجه و تجاوز جنسی به معترضان در ایران را رد کرد.

گروهی از اعضای دو حزب آمریکا در کنگره، دولت جو بایدن را تحت فشار قرار می‌دهند تا تقریباً تمام نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ایران را به دلیل حمایت از سرکوب معترضان در خیزش اخیر تحریم کنند.

واشنگتن فری بیکن اول مارس گزارش داد گروهی از اعضای دو حزب مجلس نمایندگان آمریکا در نامه‌ای به وزارتخانه‌های خارجه و خزانه‌داری خواستار تحریم ۲۲۷ نماینده مجلس جمهوری اسلامی از مجموع ۲۹۰ نماینده به دلیل نقش آنها در ایجاد چارچوب قانونی برای کشتن، شکنجه و بازداشت معترضان در ایران شدند.

در این نامه که تدوین آن با کلودیا تینی (دموکرات) و مارکو روبریو (جمهوریخواه) بود تأکید شده است که جمهوری اسلامی فاقد مشروعیت دموکراتیک است و اعضای مجلس شورای اسلامی نمایندگان واقعی مردم ایران نیستند. همچنین امضاکنندگان از دولت خواسته‌اند سایر شرکای آمریکا را نیز ترغیب کنند تا به این کارزار بپیوندند.

واشنگتن فری بیکن می‌نویسد این نامه نشان‌دهنده این است که قانونگذاران از هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات از واکنش دولت بایدن نسبت به جنبش اعتراضی ضد حکومتی در ایران ناامید شده‌اند و حالا تهدید می‌کنند که رژیم ملایان در ایران را سرنگون می‌کنند. در شرایطی که دولت بایدن پس از آغاز اعتراضات در ایران تحریم‌هایی را علیه جمهوری اسلامی اعمال کرده اما همزمان کانال مذاکرات اتمی بری «احیای برجام» را باز گذاشته است.

Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:

۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵

تماس بگیرید.



Believe in children
Barnardo's

گسترش مسمومیت‌های سریالی به ۱۵ شهر ایران؛ جمهوری اسلامی به پنهانکاری ادامه می‌دهد

پدر الهه کریمی با بیان اینکه مدیر مدرسه دخترش هم دچار مسمومیت شده و با اینهمه مسئولان مدعی «تمارض» دانش‌آموزان بودند توضیح داده است «زمانی که مسمومیت رخ داد نقل زیاد بود که بچه‌ها در جو قرار گرفته و تمارض می‌کنند اما شبه در کنار دانش‌آموزان مدیر مدرسه هم مسموم و بستری شد! در این رابطه مدیر گفت، فرماندار گفته بود بچه‌ها تمارض می‌کنند که مدیر گفت، من چه؟! من هم تمارض می‌کنم؟! از سوی دیگر گفتند، تجهیزات آتش‌نشانی بیشتر از این نیست؛ از شخصی شنیدم آتش‌نشانی گفته است ما گاز را دیدیم و ثبت هم کردیم اما نوعش را نمی‌دانیم و این در حال بررسی است.»

عاطفه دانشگر روزنامه‌نگار ساکن قم نیز در یک رشته

در خوابگاه دانشگاه بروجرد دچار مسمومیت مشابه دانش‌آموزان شدند. روابط عمومی استانداری لرستان با تأیید این خبر اعلام کرد که «تعداد معدودی از دانشجویان شب نهم اسفندماه در خوابگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی با بروز علائم مشابه دانش‌آموزان همچون سرگیجه، تهوع و علائم تنفسی از محیط خوابگاه خارج و به اورژانس انتقال داده شدند.»

زهرای شیخی سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که بر اساس گزارش‌ها مسمومیت دانش‌آموزان اکثراً گذرا بوده است، آنها بین ۱۵ تا ۴۵ دقیقه علائم مسمومیت داشتند و این علائم پایدار نبوده است. سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی

● در نخستین ساعات امروز چهارشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۱ دست‌کم سه مدرسه در تهران، یک مدرسه در کرمانشاه و یک مدرسه در اردبیل هدف حملات مسموم ساختن دانش‌آموزان قرار گرفتند.

● سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که در دو شهر بروجرد و قم ۱۲۰۰ دانش‌آموز دچار مسمومیت شدند.

● اظهارنظرهای پراکنده مقامات جمهوری اسلامی در وزارت بهداشت و مجلس شورای اسلامی تا کنون «عمدی» بودن و استفاده از نوعی «سم» در مسمومیت سریالی دانش‌آموزان را تأیید کرده‌اند.

● عباس صالحی: سریال مسمومیت دانش‌آموزان دختر بخشی از تصویرسازی طالبانی از جمهوری اسلامی ایران است.

● جمیله کدیور همسر عطاءالله مهاجرانی انگشت اتهام را به سمت دو طیف که به گفته‌ی وی از شرایط بحرانی کشور منتفع می‌شوند و دو روی یک سکه‌اند، می‌توان نشانه گرفت: نفوذی‌های اپوزیسیون برانداز در داخل کشور و یا افراط‌گرایان داخلی!

مسمومیت دانش‌آموزان در مدارس ایران به دبستان‌های دخترانه و پسرانه و همچنین خوابگاه دانشجویان در بروجرد نیز کشیده شده است. آمارها نشان از درگیری ۱۵ شهر ایران با مسمومیت سریالی دانش‌آموزان دارد و تنها در دو شهر بروجرد و قم حدود ۱۲۰۰ دانش‌آموز طی چند روز مسموم شدند. مقامات جمهوری اسلامی از ارائه هر توضیح و شفاف‌سازی درباره این حملات تروریستی خودداری می‌کنند اما حامیان نظام از جمیله کدیور تا احمد راستینه مدعی دست داشتن اپوزیسیون در این حملات شده‌اند!

گزارش‌ها و ویدئوهای منتشر شده نشان می‌دهد در نخستین ساعات امروز چهارشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۱ دست‌کم سه مدرسه در تهران، یک مدرسه در کرمانشاه و یک مدرسه در اردبیل هدف حملات مسموم ساختن دانش‌آموزان قرار گرفته‌اند. والدین دانش‌آموزان با تجمع در مقابل مدرسه‌های مربوطه با سر دادن شعارهای «بی‌شرف بی‌شرف»، «مرگ بر جمهوری اسلامی» و «مرگ بر حکومت بچه‌کش» به مقامات نظام اعتراض می‌کنند.

به گزارش شبکه شرق، دانش‌آموزان دختر یک دبیرستان دیگر در تهرانپارس دچار مسمومیت شدند. گفته می‌شود که دانش‌آموزان دبیرستان «امت» در منطقه ۴ تهران صدایی شبیه ترکیدن پب از راهرو شنیده و بعد بویی را استشمام کرده‌اند. مدیر مدرسه البته گفته که این صدا مربوط به یکی از کلاس‌ها بوده که دانش‌آموزان برای هم‌کلاسی‌شان تولد گرفته بودند!

همزمان امروز در تهران دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه «سیزده آبان» در تهرانسر و دبستان دخترانه «پارچانی» در نارمک به شکلی مشابه دچار مسمومیت شدند. در اردبیل نیز دانش‌آموزان مدرسه دخترانه بهاران و در کرمانشاه دانش‌آموزان دبستان «سپهر مصباح» دچار مسمومیت شدید شدند.

همچنین شب گذشته شماری از دانشجویان دختر ساکن



عکسی که در رسانه‌های داخلی در ارتباط با مسمومیت دانش‌آموزان مدرسه «فاطمه زهرا» در قم منتشر شده است / ۱۷ بهمن

توثیت بخشی از گفتگوش با دانش‌آموزان مسموم شده و والدین آنها در شهر قم را منتشر کرده است. در بخشی از این رشته توثیت آمده که «تعدادی از دانش‌آموزان مدرسه الزهرا به حضور مشکوک یک خانوم با ماسک در مدرسه اشاره کردند که گفته شده بود بازرس است، مریم (اسم مستعار) می‌گوید «ما دیدیم که وقتی به کلاس هفتم و زیرزمین رفت و بعد از اینکه از مدرسه خارج شد یک بوی ماهی‌گندیده فضا را پر کرد و از آنجا به بعد حاملان خراب شد، حتی ما اینها را به مدرسه اطلاع داده‌ایم و آنها گفتند با حضور نیروهای سپاهی و چک کردن دوربین‌ها در حال بررسی هستند اما با گذشت ۱۵ روز هیچ پاسخ و نتیجه‌ای از مدرسه دریافت نکرده‌ایم.»

عاطفه دانشگر همچنین نوشته که «هفته پیش سه‌شنبه ۲ اسفند دبستان پسرانه میزان قم در بلوار بوعلی سینا که در همان بلوار و با کمی فاصله از دبیرستان الزهرا قرار دارد در شیفیت صبح هدف این گازه‌های سمی قرار گرفت، خانواده‌های دانش‌آموزان این مدرسه می‌گویند یکی از معلمان این مدرسه از شدت مسمومیت ۳ روز بستری بوده و هنوز هم مشکلات حرکتی دارد.»

افزوده که «تا ۸ اسفند مسمومیت خفیف ۷۹۹ دانش‌آموز در قم گزارش شده است، درباره بروجرد هم چیزی که امروز در جلسه مطرح شد از دوم تا نهم اسفند نزدیک به ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان مسمومیت خفیف داشتند.»

دکتر محمد سعید رضایی فعال حوزه علم‌سنجی و اخلاق نشر که کانال تلگرامی «ساینتمتریکس» را مدیریت می‌کند، بر اساس گزارش‌های منتشرشده جدولی از مدارسی که مسمومیت‌ها در آن رخ داده تهیه کرده است. این مسمومیت‌ها در قم، وردنجان چهارمحال و بختیاری، ساری، اردبیل، قوچان، تربت جام، تهران، بروجرد و قزوین گزارش شده‌اند.

الهه کریمی دانش‌آموز کلاس هشتم مدرسه ملاصدرا در قم دو بار مسموم شده است. او به وسایط «جماران» گفته که پیش از مسمومیت بوی تخم‌مرغ‌گندیده و تندی در راهروی مدرسه پیچید. الهه گفته که دانش‌آموزی در بیمارستان بود که ضربان قلبش به صفر رسید و سپس تا ۱۳۰ اوج گرفت و همه وحشت‌زده شدند. این دختر از ۱۶ بهمن تا ۷ اسفند در بیمارستان بستری بوده (حدود سه هفته) و از ۸ اسفند برای ادامه مداوا به تهران منتقل شده است.



اسلامی هم برای انحراف افکار عمومی و هم برای نمایش اینکه گروه‌هایی بدتر از زمامداران نظام هم وجود دارند این حملات را هدایت می‌کند.

از سوی دیگر، روزنامه جمهوری اسلامی در مطلبی انتقادی نوشته که «از کنار هم قرار دادن مجموع اظهار نظرها و رویدادهای مرتبط با ماجرای مسمومیت دانش‌آموزان قم و شهرهای دیگر، این نکته کاملاً مشخص می‌شود که اطلاع‌رسانی دقیق درباره این موضوع با شفافیت صورت نمی‌گیرد. این نوع برخورد با مردم است که اعتماد به حکمرانان را کاهش می‌دهد و فضا را برای نفوذ کلام بیگانگان و بدخواهان باز می‌نماید. آیا وقت آن نرسیده که در این نوع نگاه به مردم تجدید نظر شود؟!»

پیگیری موضوع مسمومیت سریالی دانش‌آموزان از سوی قوه قضاییه، وزارت کشور و نهادهای امنیتی در حالی مطرح شده که هنوز هیچ نتیجه مشخصی در دست این نهادها نیست و یا از اعلام آن خودداری می‌کنند. محمد مصدق کهنمویی معاون اول قوه قضاییه گفته که «در خصوص ورود قوه قضاییه به مسمومیت دانش‌آموزان در مدارس قم و برخی مدارس بروجرد دادستان قم به جد پیگیری است اما تا این لحظه به نتیجه خاصی نرسیده‌اند.» این در حالیست که وزارت بهداشت و بیمارستان‌ها و پزشکانی که افراد مسموم به آنها مراجعه می‌کنند نیز یکی از مهم‌ترین منابع تحقیق در این وحشت‌آفرینی که به نظر بسیار هدفمند است به شمار می‌روند.

مسمومیت دانش‌آموزان شده است.

یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش امروز چهارشنبه ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۱ در حاشیه جلسه هیئت دولت در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره مسمومیت‌های سریالی در حالی که ابتدا می‌خواست پاسخگو نباشد، بی‌تفاوت و خونسرد گفت: «به دلیل اینکه این موضوع بین بخشی است، در دولت تصمیم بر این شد که با محوریت وزارت کشور جلسه‌ای تشکیل و اطلاع‌رسانی عنقریب صورت گیرد.»

سکینه سادات پاد مسئول پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی در همین ارتباط گفته ابراهیم رئیسی هفته گذشته پس از بازگشت از سفر چین دستور پیگیری موضوع مسمومیت دانش‌آموزان در مدارس را داده است. سکینه سادات پاد ادعا کرده که «درباره حقوق مردم به ویژه حقوق دختران نوجوان به هیچ وجه کوتاه نخواهیم آمد» اما توضیح نداده چرا تا کنون هیچ اطلاعاتی از مسمومیت سریالی دانش‌آموزان منتشر نشده است!

عباس صالحی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات و وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز با انتشار توییتی مدعی شده که «سریال مسمومیت دانش‌آموزان دختر بخشی از تصویرسازی طالبانی از جمهوری اسلامی ایران است. عامل آن هرچه باشد، نتیجه همین است. عمومی‌سازی آموزش دختران از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران است، این دستاورد را هم به رایگان از دست ندهیم!» البته عکس این ادعا نیز در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شود که خود جمهوری

مادر یکی از دانش‌آموزان این دبستان پسرانه می‌گوید که «مدیر مدرسه همان روز تهدید شده بود که اگر با اورژانس و آتش‌نشانی تماس بگیرند و سر و صدا راه بیاندازند برکنار خواهند شد، کسی پاسخگو نیست و ترسیده‌اند، من دیگر نمی‌گذارم فرزندم به مدرسه برود تا اوضاع روشن شود.»

پیشتر علیرضا منادی رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی گفته بود که «وجود اراده و فکر پلیدی پشت ماجرای مسمومیت دانش‌آموزان دختر خطر مهمی است.» وی تأکید کرده که «کمیسیون آموزش جلسه‌ای با حضور وزرای بهداشت و آموزش و پرورش و اطلاعات در اینباره تشکیل می‌دهد.»

اظهارنظرهای پراکنده مقامات جمهوری اسلامی در وزارت بهداشت و مجلس شورای اسلامی تا کنون «عمدی» بودن و استفاده از نوعی «سم» در مسمومیت سریالی دانش‌آموزان را تأیید کرده‌اند اما هیچ اطلاع‌رسانی شفاف از سوی وزارتخانه‌ها یا مقامات دولت صورت نگرفته است.

در این میان برخی ادعاها نیز مطرح می‌شود که در اینباره هم مواضع رسمی گرفته نشده تا افکار عمومی و والدین دانش‌آموزان بدانند در چه موقعیتی قرار دارند. یونس پناهی معاون تحقیقات و فناوری وزیر بهداشت نیز با عمدی خواندن این مسمومیت‌ها گفته که «پس از مسمومیت چندین‌باره دانش‌آموزان در مدارس قم، مشخص شد افرادی دوست داشتند که تمامی مدارس، به‌خصوص مدارس دخترانه تعطیل شوند.»

محمدتقی فاضل مبیدی عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم یکشنبه هفتم اسفندماه مدعی شد که «هزاره‌گراها» که نوعی تفکر نزدیک به طالبان است، این اقدامات را انجام می‌دهند. او اما گفته‌های خود را یک روز بعد تکذیب کرد.

احمد راستینه سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی اما گفته که «به نظر من این پدیده مسمومیت برخی دانش‌آموزان دختر عزیز ما که این چند وقت دارد شکل می‌گیرد، در ادامه آشوب‌هایی است که در کشور ما شکل دادند و به دنبال فروپاشی امنیت خاطر و امنیت روانی جامعه ما هستند. هیچکس این پدیده را نه تأیید می‌کند نه قبول دارد و تمامی نیروهای ارزشی و انقلابی و جامعه متدین و متمدن ایرانی این پدیده را به شدت محکوم می‌کنند.» جمیله کدیور همسر عطاءالله مهاجرانی که ساکن لندن هستند نیز در یادداشتی در روزنامه اطلاعات چاپ تهران مدعی شده که انگشت اتهام را به سمت دو طیف که از شرایط بحرانی کشور منتفع می‌شوند و دو روی یک سکه‌اند، می‌توان نشانه گرفت: نفوذی‌های اپوزیسیون برانداز در داخل کشور و یا افراط‌گرایان داخلی!

مجتبی ذوالنور نماینده قم در مجلس شورای اسلامی، اعلام کرد با توجه به وقوع این مسمومیت‌ها در مدارس مختلف، «دیگر شکی باقی نمانده که این حوادث ریشه امنیتی» دارند. روزنامه «همشهری» نیز مدعی شده مجاهدین عامل این مسمومیت‌ها هستند: «فضاسازی‌ها علیه جمهوری اسلامی پیرامون پشت پرده مسمومیت سریالی دانش‌آموزان قمی در حالی طی روزهای اخیر اوج گرفت که رد پای گروهک منافقین در این ماجرا پیدا شده است.» این ادعاها در حالیست که از یکسو هیچ سند و مدرکی برای آنها ارائه نمی‌شود و از سوی دیگر بر خلاف سرکوب و دستگیری‌های فوری شهروندان معترض، این حملات که به نظر می‌رسد از پشتوانه‌ای درون خود حکومت برخوردار است، همچنان ادامه دارد. در این میان، عبدالعلی رحیمی مظفری نماینده مجلس شورای اسلامی تأیید کرده که ۱۰ تا ۱۵ شهر ایران درگیر

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisscau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

راهاندازی «قرارگاه کوثر» در آموزش و پرورش؛ آماده ساختن دختربچه‌ها برای ازدواج و فرزندآوری!



در واقع نگاه خاصی از اجتهاد در سیستم آموزش و پرورش القا می‌شود.»

به گفته این کارشناس حوزه آموزش این نوع سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش شکست خورده و اگر بخشی از آن مانده به دلیل نگاه امنیتی است.

این در حالیست که یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش دولت سیزدهم نه تنها عملکردی منفی در بخش‌های مختلف آموزش و پرورش داشته بلکه اولویت خود را موضوع «دینی کردن مدارس» می‌داند. او با تأکید بر اجرای سند تحول بنیادین، به دنبال افزایش ارتباط وزارت آموزش و پرورش و حوزه علمیه است. برنامه‌ای که خروجی آن طرح‌ها و قرارگاه‌هایی مانند قرارگاه «کوثر» شده است!

جمهوری اسلامی همواره مروج کودک‌همسری و فرزندآوری جوانان در سنین پایین برای افزایش جمعیت کشور بوده است. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰، ۳۲ هزار ۵۲۴ دختر کمتر از ۱۵ سال ازدواج کردند. مرکز آمار ایران به صورت مشخص آمار ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله را منتشر نمی‌کند و دسته‌بندی بعدی این مرکز مربوط به ازدواج‌های دختران ۱۵ تا ۱۹ سال است که مشخص نیست چند نفر از آنها در سن زیر ۱۸ سال ازدواج کرده‌اند.

همچنین بر اساس آمار منتشرشده مرکز آمار ایران در سال گذشته ۳۱ هزار و ۳۷۹ دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله ازدواج کردند. این آمار در مقایسه با آمار سال ۹۸ بیانگر افزایش ۵/۱۰ درصدی ازدواج دختران در این رده سنی است که آمار منتشره تنها معطوف به ازدواج‌های ثبت شده در سازمان ثبت احوال کشور است.

به استناد داده‌های مرکز آمار ایران، ۱۳۱ هزار کودک کمتر از ۱۵ سال، در پنج سال گذشته در ایران توسط والدین و یا سرپرست‌های خود به عقد ازدواج درآورده شده‌اند. فقط در سال ۹۶، گزارش شده تعداد ۳۳۳۷۱ نفر از دخترانی که عقد شده‌اند، کمتر از ۱۵ سال داشتند. سال‌های بعد از آنهم وضعیت فجیعی در این زمینه برقرار بوده است؛ در سال‌های ۹۷، ۹۹ و ۱۴۰۰، به ترتیب ۳۰۵۳۲ نفر، ۲۸۴۱۲ نفر،

ویژه دختران، تغییر در فضای آموزشی متناسب با روحیات دختران، ارتقا سطح سواد در ابعاد مختلف با توجه به فضای ذهنی دختران و هویت‌بخشی و آماده‌سازی دختران جهت ایفای نقش مادری و همسری» اعلام شده است.

این طرح با واکنش کارشناسان روبرو شده و از جمله محمدرضا نیک‌نژاد کارشناس حوزه آموزش گفته که «بخشی از جامعه تحت تأثیر این تبلیغات قرار می‌گیرد. این نوع طرح‌ها موجب افزایش کودک همسری در مناطق محروم می‌شود. در واقع کسانی که به لحاظ اقتصادی و فرهنگی ضعیف هستند، قربانی این نوع طرح‌ها هستند.»

محمدرضا نیک‌نژاد افزوده که «ادامه کودک همسری و قتل‌های ناموسی نشان می‌دهد که دست کم با مردسالاری و این‌گونه نگاه مقابله نمی‌شود.»

به گفته این کارشناس آموزش «سوادآموزی از اهداف مهم آموزشی و هدف مهم دیگر مهارت‌آموزی دانش‌آموزان است. یعنی آماده کردن افراد برای آینده تا بتوانند گلیم خود را از آب بیرون بکشند؛ با توسعه ارتباطات، افراد با جوامع و فرهنگ‌های دیگر آشنایی بیشتری پیدا کرده‌اند، تا جایی که می‌توان گفت به یک جهان واحد نزدیک شده‌ایم. آماده کردن افراد برای ورود به چنین جهانی از وظایف مهم آموزش و پرورش است. اما برنامه‌ها و عملکرد این وزارتخانه در این زمینه مشکل دارد.»

این کارشناس آموزش در ادامه افزوده که «آموزش و پرورش در مهارت‌آموزی دانش‌آموزان کاملاً شکست خورده است. یکی از ابعاد مهارت‌آموزی، مهارت‌های اقتصادی برای ورود به بازار کار است» اما آموزش و پرورش سیستمی درست کرده که خانواده را گمراه می‌کند که فرزندانشان بدون کنکور و قبولی در دانشگاه خوب نمی‌توانند زندگی خوبی داشته باشند.»

این کارشناس آموزشی همچنین تحمیل بُعد دینی در آموزش و پرورش را زیان‌بار دانسته و گفته که «آموزه‌های دینی آموزش و پرورش حتی به آموزه‌های مذهبی در خانواده‌ها هم آسیب زده است. ضمن آنکه این آموزه‌ها در مدارس هم تنها بخشی از دین اسلام را در برمی‌گیرد.

● شهره صادقی مشاور رئیس سازمان نوسازی مدارس کشور از تاسیس «قرارگاه کوثر» با هدف آماده ساختن دانش‌آموزان برای نقش همسری و مادری خبر داد.

● محمدرضا نیک‌نژاد: این نوع طرح‌ها موجب افزایش کودک‌همسری در مناطق محروم می‌شود. در واقع کسانی که به لحاظ اقتصادی و فرهنگی ضعیف هستند، قربانی این نوع طرح‌ها هستند.

● با توجه به آمار سال ۱۳۹۵ در حال حاضر بیش از ۱۴ هزار دختر زیر ۱۸ سال مطلقه یا بیوه در کشور وجود دارد.

وزارت آموزش و پرورش از راه‌اندازی قرارگاهی به نام «کوثر» در این وزارتخانه خبر داده که هدف آن آماده ساختن کودکان دختر برای ازدواج و فرزندآوری است. اصرار جمهوری اسلامی به ترویج کودک‌همسری در ایران سبب افزایش پرسرعت آمار طلاق کودکان و بروز پدیده «کودک بیوه‌گی» در کشور شده است.

شهره صادقی مشاور رئیس سازمان نوسازی مدارس کشور از تاسیس «قرارگاه کوثر» با هدف آماده‌سازی دانش‌آموزان برای نقش همسری و مادری خبر داد. قرارگاهی که به گفته شهره صادقی، به همت وزیر آموزش و پرورش و پیگیری رئیس سازمان نوسازی مدارس تشکیل شده است.

شهره صادقی در گفتگو با خبرنگاری «ایسنا» گفته که «کارگروه کوثر با هدف برقراری عدالت تربیتی در حوزه دانش‌آموزان دختر، انسجام خواهران و دختران جهادی برای شناسایی و حل مسائل تعلیم و تربیت با رویکرد انقلابی و جهادی تشکیل شده است.»

شهره صادقی به عنوان دبیر کارگروه «کوثر» گفته محل فعالیت کارگروه‌ها در ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها نیز فعالیت می‌کند. او گفته این کارگروه در راستای احیای دستور علی‌خامنه‌ای برای ارائه «الگوی سوم زن مسلمان ایرانی» فعال شده است.

همچنین برنامه‌های این کارگروه ترویج نقش‌های سنتی و بازدارنده برای دختران است که صادقی از جمله به نیازسنجی مسائل معنوی و آموزشی، توجه به امکانات سخت‌افزاری

۳۱۵۱۸ نفر، ۷۵۲۹ نفر کودکان دختر بی‌اختیار را پای سفره عقد نشانده‌اند.

در مواردی وضعیت برای پسران هم به همین منوال است. جدا از آنچه در روانشناسی «بلوغ» تعریف می‌شود و با وجود اینکه شرع و اسلام پسران زیر ۱۵ سال را کودک می‌داند اما طبق همین آمار، ازدواج ۴۲ پسر کمتر از ۱۵ سال در سال ۹۶ ثبت شده است. ۲۹ نفر، ۲۳ نفر، ۲۱ نفر و ۸ نفر هم مربوط به پسرانی از این رده سنی است که به ترتیب در سال‌های ۹۷، ۹۸، ۹۹ و ۱۴۰۰ عقد شده‌اند.

افزایش کودک‌همسری به همان نسبت آمار طلاق در سنین کودکی را نیز افزایش داده است. سمیرا دماوندی حقوقدان و فعال حقوق کودکان تابستان امسال در گفتگو با «همشهری» آماری هولناک از کودکان بیوه در ایران ارائه داد. به گفته سمیرا دماوندی هر ساله ارقامی در مورد کودکان مطلقه و بیوه زیر ۱۸ سال از سوی مراکز پژوهشی و آماري استخراج می‌شود، با توجه به آمار سال ۱۳۹۵ درحال حاضر بیش از ۱۴ هزار دختر زیر ۱۸ سال مطلقه یا بیوه در کشور وجود دارد.

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۹۲ برخلاف سیاست‌های پیشین برای کنترل جمعیت در ایران، خواستار اجرای برنامه‌هایی برای افزایش جمعیت تا حد ۱۵۰ میلیون نفر شد و فرمان خود را زیر عنوان «سیاست‌های کلی جمعیت» به قوای سه‌گانه ابلاغ کرد. در پی اعلام سیاست رشد جمعیت از سوی رهبر، حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران نیز دستورالعملی چهار ماده‌ای را به منظور تبیین سیاست کلی افزایش جمعیت به وزارتخانه‌های کشور، بهداشت و درمان و کار ابلاغ کرد. تسهیل در رشد جمعیت از جمله موارد این دستورالعمل بود.

هر چند بخشی از سیاست‌های علی خامنه‌ای در دولت حسن روحانی پیش رفت اما مصوباتی که به بهانه ترویج ازدواج و فرزندآوری، در واقع کودک‌همسری را ترویج می‌کنند در دولت ابراهیم رئیسی افزایش یافته است.

اول دی‌ماه امسال نیز رسانه‌های حکومتی در خبر هولناکی از اجازه تحصیل دختران «کودک‌همسر» در مدارس روزانه و در کنار دیگر دانش‌آموزان دختر خبر دادند.

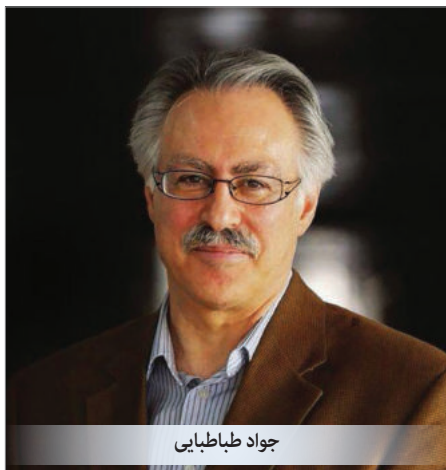
خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار نامه‌ای رسمی از سوی رابعه امامی رضوی مشاور وزیر آموزش و پرورش از امکان ثبت‌نام و تحصیل «کودک‌همسران» دختر در مدارس روزانه و تحصیل آنها در کنار کودکان و نوجوان دیگر خبر داد.

خبرگزاری «تسنیم» نوشته بود که دانش‌آموزان دختر ازدواج‌کرده می‌توانند با رعایت شئون دانش‌آموزی و اصول اخلاقی و تربیتی با دیگر دانش‌آموزان در مدارس روزانه به تحصیل خود ادامه دهند. همچنین اعلام شده که این تصمیم برای تشویق به ازدواج و فرزندآوری اتخاذ و ابلاغ شده است!

تا پیش از این قانون، دختران زیر ۱۸ سال اگر ازدواج می‌کردند از ادامه تحصیل در مدارس روزانه و عادی منع شده و باید در مدارس شبانه و یا به صورت غیرحضوری تحصیل می‌کردند.

خبرگزاری تسنیم با یادآوری این محدودیت برای کودک‌همسران به عنوان «قانون نانوشته و عُرف غیرمنطقی»، مدعی شده بود که «این اتفاق سبب می‌شود دخترانی که در سنین ابتدای جوانی ازدواج می‌کنند بدون در نظر گرفتن استعدادها و توانمندی‌ها از ادامه تحصیل و رسیدن به مدارج عالی علمی بازمانند یا اینکه دختران به دلیل علاقه به ادامه تحصیل، فرصت‌های مناسب انتخاب همسر و تشکیل خانواده را از دست بدهند.»

جواد طباطبایی اندیشمند ایرانی درگذشت



جواد طباطبایی

بوده و در سرزمینی متعلق به همه ایرانیان است. او درباره اندیشیدن به تاریخ معاصر نیز معتقد بود که پیش از آشنایی ایرانیان با غرب و تحولات دنیای نو، وضعیت ایرانیان در چارچوب مفهوم انحطاط و زوال قابل فهم است و زوال تاریخ دارد؛ باید توضیح داد این زوال چگونه به وجود آمده و علل آن چه بوده است.

جواد طباطبایی اندیشیدن به این وضعیت را که از نتایج آن تعطیلی عقل فلسفی بود، لازمه امکان ایجاد بنیادهایی برای دنیای جدید ایران می‌دانست و می‌گفت بدون نظام فکری و مفاهیم هیچ بنایی پایدار نمی‌ماند.

برخلاف آنچه سال‌هاست نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی مطرح می‌کنند، جواد طباطبایی معتقد بود «فهم ایران نیازمند نظریه‌ای برای ایران‌شهری ایران تاریخی و خارج از جهان واحد اسلامی است»: «تداوم تاریخی ایران، از ایران‌شهر دوران باستان تا ایران دوره اسلامی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ این کشور است. فهم تاریخ کشوری که به‌رغم دگرگون‌های بسیار بیش از بیست و پنج سده تداوم پیدا کرده و توانسته است وحدت سرزمینی، فرهنگ ملی و ویژگی‌های تمدنی خود را حفظ کند نیازمند مفاهیم و مقولاتی در تاریخ‌نویسی است.»

جواد طباطبایی همچنین با اندیشه‌ها و تئوری‌های مبتنی بر تجزیه سرزمینی ایران مخالف بود و در نقد تجزیه‌طلبان مطالب زیادی منتشر کرده است.

ابن‌خلدون و علوم اجتماعی؛ گفتار در شرایط امتناع، تاریخ اندیشه سیاسی در ایران؛ ملاحظات در مبانی نظری، زوال اندیشه سیاسی در ایران؛ گفتار در مبانی نظری انحطاط ایران، خواجه نظام‌الملک طوسی؛ گفتار در تداوم فرهنگی ایران، ترجمه تاریخ فلسفه اسلامی، هانری گربن، ترجمه فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، هانری کربن، تاملی درباره ایران (سه جلد)، ملت، دولت و حکومت قانون؛ جستار در بیان نص و سنت، سقوط اصفهان به روایت کروسینسکی، تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا، تاملی در ترجمه متن‌های اندیشه سیاسی جدید؛ مورد شهریار ماکاویلی، فلسفه و سیاست؛ مجموعه مقالات جواد طباطبایی، ترجمه لنین و فلسفه و سه مقاله دیگر در فلسفه مارکسیستی، لوئی آلتوسر، ترجمه یادداشت‌هایی درباره دیالکتیک، ولادیمیر لنین و ترجمه مسائل حاد کارگری و کمونیستی؛ پاسخ به جان لوئیس، لوئی آلتوسر، از آثار او هستند.

● جواد طباطبایی پس از اخذ مدرک دکترای فلسفه سیاسی از دانشگاه سوربن به ایران بازگشت و به تدریس در دانشگاه پرداخت اما به دلیل زاویه با ایدئولوژی جمهوری اسلامی و به اتهام «ناسیونالیست بودن» از دانشگاه تهران اخراج شد.

● جواد طباطبایی در سال‌هایی که امثال عبدالکریم سروش مشغول بسط و تبلیغ ایدئولوژی اسلامگرا و ترویج ملغمه‌ای با عنوان «روشنفکری دینی» بودند، نظریه ایران‌شهری را مطرح کرد.

● او در سال‌های فعالیت در ایران در روشنگری جوانانی که در دوران جمهوری اسلامی به دنیا آمده و زیر آوار تبلیغات ایدئولوژیک و تحریف فرهنگ و تاریخ در دانشگاه‌ها قرار داشتند نقش ویژه‌ای داشت.

● «تاریخ اندیشه سیاسی در ایران»، «زوال اندیشه سیاسی در ایران»، «خواجه‌نظام‌الملک طوسی» و «ابن‌خلدون و علوم اجتماعی» از مهم‌ترین آثار او به شمار می‌روند.

جواد طباطبایی اندیشمند و پژوهشگر مشهور معاصر روز گذشته در ۷۷ سالگی در بیمارستانی در کالیفرنیا آمریکا درگذشت. طباطبایی در حوزه‌های فلسفه و تاریخ سیاسی پژوهش‌های ماندگاری انجام داده است.

جواد طباطبایی از اندیشمندان و نظریه‌پردازان ایرانی روز سه‌شنبه نهم اسفندماه ۱۴۰۱ برابر با ۲۸ فوریه ۲۰۲۳ در بیمارستانی در کالیفرنیا درگذشت. او از مدت‌ها پیش به بیماری سرطان مبتلا بود و طی ماه‌های گذشته وضعیت جسمی او به وخامت رفته بود.

جواد طباطبایی از اندیشمندان ایرانگرا و مشهور به «فیلسوف ایران‌شهر» و در عرصه علمی جهان شناخته شده بود. «تاریخ اندیشه سیاسی در ایران»، «زوال اندیشه سیاسی در ایران»، «خواجه‌نظام‌الملک طوسی» و «ابن‌خلدون و علوم اجتماعی» از مهم‌ترین آثار او به شمار می‌روند.

جواد طباطبایی متولد ۱۳۲۴ خورشیدی در تبریز بود. او تحصیلات عالی خود را در دانشگاه تهران آغاز کرد و برای مقاطع تکمیلی به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن دیپلم مطالعات عالی فلسفه سیاسی گرفت. او پس از اخذ مدرک دکترای فلسفه سیاسی در سال ۶۳ به ایران بازگشت و استاد دانشگاه تهران و معاون پژوهشی دانشکده حقوق همان دانشگاه شد اما به دلیل زاویه دیدگاهی که با ایدئولوژی جمهوری اسلامی داشت به اتهام «ناسیونالیست بودن» از دانشگاه تهران اخراج شد.

او همچنین از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ مشغول تدریس در موسسه مطالعات سیاسی-اقتصادی «پرسش» بود. جواد طباطبایی درست در سال‌هایی که امثال عبدالکریم سروش در درون جمهوری اسلامی مشغول بسط و تبلیغ ایدئولوژی اسلامگرای نظام و ترویج ملغمه‌ای با عنوان «روشنفکری دینی» بودند، شاخص‌ترین اندیشمند درون کشور بود که در مقابل این نظریه، نظریه ایران‌شهری را مطرح کرد. او در روشنگری جوانانی که در دوران جمهوری اسلامی به دنیا آمده و زیر آوار تبلیغات ایدئولوژیک و تحریف فرهنگ و تاریخ ایران در دانشگاه‌ها قرار داشتند نقش ویژه‌ای داشت. جواد طباطبایی توضیح می‌داد چگونه کل نظام سیاسی ایران، در گذر تاریخ متأثر از فرهنگ ایران بوده و این فرهنگ برآمده از همبستگی تبارهایی در ایران فرهنگی

گفتگویی از سال‌های دور؛ استلا استیونس در دومین جشنواره جهانی فیلم تهران



گفتگویی بهمن مقصدولو با استلا استیونس / تهران / آذرماه ۱۳۵۲

است تلاق گرفته‌ام و اندرو تنها پسر است.»
او در مورد اینکه چگونه به سینما روی آورد گفت: «از کودکی به تئاتر و سینما علاقه داشتم. به همین علت به دانشگاه ممفیس (در ایالت می‌سی‌سی‌پی) رفتم و در رشته‌ی تئاتر فارغ‌التحصیل شدم و با کار و کمی هم شانس به اینجا رسیده‌ام.»
استلا استیونس در مورد کار در سینما چنین ادامه داد: «اولین فیلم سینمایی‌ام «لیل آیتز» (۱۹۵۹) بود که دو کارگردان داشت: مل فرانک و نورمن پاناما.»
از او می‌پرسم: شما با کارگردان‌های خوبی در دهه‌ی شصت و اوایل دهه هفتاد کار کرده‌اید. کدامیک برای شما شاخص‌ترند؟
فوری می‌گوید: وینسنت مینلی که کارگردان من در فیلم «زن بابای ادی» در سال ۱۹۶۲ بود.
- یک سریال تلویزیونی هم از این داستان تهیه شد ولی شما در آن نبودید. چرا؟
- بله، تهیه‌کننده فکر می‌کرد که کسی مثل من نتواند از عهده‌ی آن نقشی که من در فیلم ایفا کردم برآید. در نتیجه این نقش را در آن سریال تلویزیونی حذف کردند.
از او پرسیدم چرا خودتان بازی نکردید؟ او در جواب گفت: «چون به فیلم‌های تلویزیونی علاقه دارم.» و ادامه داد: «تاکنون فقط در چهار فیلم تلویزیونی بازی کرده‌ام چون فکر می‌کنم تلویزیون در مقام مقایسه با سینما محل تجلی هنر نیست.»
از فعالیت تئاتری‌اش پرسیدم و اینکه با کدام نمایشنامه شروع کردید؟ پاسخ داد: «با ایستگاه اتوبوس اثر ویلیام اینچ که اتفاقاً پسر هم اولین کار تئاتری‌اش را با نمایشنامه‌ای از همین نویسنده شروع کرد و این نمایشنامه «شکوه علفزار» بود.»
- کدام فیلمتان را بیشتر دوست دارید؟
- افسانه‌ی کبیل هوگ اثر سام پکین‌پا.
آکیرا کوروساوا، استنلی کوبریک و فرانسوا تروفو هم سه کارگردانی بودند که استلا علاقه داشت با آنها کار کند. او از جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران هم خیلی تمجید کرد و آن را ستود و شب آخر جشنواره را از یادرفتگی خواند ولی انتخاب فیلم‌های آمریکایی در فستیوال را نمونه‌های خوب و شایسته‌ای از سینمای آمریکای می‌دانست.

فیلمی در اصفهان بسازم.»
وی ادامه داد: «نام فیلم چشمان سبز در اصفهان خواهد بود، داستان عشق دو جوان و ماجراهایشان در اصفهان.»
او در توضیحاتی بیشتر گفت که خودش فیلم را کارگردانی خواهد کرد و بزرگمهر رفیعا را به عنوان دستیار انتخاب کرده تا به او در انتخاب مکان و کارگردانی کمک کند. در جواب این پرسش که کدامیک از فیلم‌های ایرانی را دیده است، گفت: «فیلم خوب یوف کور ساخته‌ی آقای رفیعا. ایشان ایرانی فارغ‌التحصیل سینما از دانشگاه UCLA آمریکاست.»
خیلی خوشحال شدم که فیلم خوب «یوف کور» اثر صادق هدایت را که دوست عزیزم بزرگمهر رفیعا ساخته است تماشا کرده و با او فیلمی خواهد ساخت. او ادامه داد که خودش در این فیلم بازی نخواهد کرد تا مردم به کارگردانی‌اش توجه کنند، اما پسرش اندرو و یوجینا استوارت بازیگران فیلم خواهند بود.
استلا در مورد زندگی خصوصی‌اش گفت: «هفده سال

● دومین جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران ۱۵ آذرماه ۱۳۵۲ پس از ده روز به پایان رسید، اما تعداد اندکی از میهمانان جشنواره چند روزی بیشتر در تهران ماندند، از جمله استلا استیونس و پسر هجده ساله‌اش اندرو و این فرصتی طلایی بود تا بتوانم گفتگویی کوتاهی با او انجام دهم.
● وی در مورد دیدارش از اصفهان و شیراز گفت: «این دو شهر آن قدر فوق‌العاده و چشمگیر بودند که تصمیم گرفته‌ام فیلمی در اصفهان بسازم.» که البته هرگز عملی نشد.
● استلا استیونس در دهه‌ی شصت جزو ستارگان برتر (A) و همراه راکوئل ولش، آن مارگارت، آنجی دیکسون و بریژیت باردو سمبل سکس در سینما بودند. اما استلا استیونس به تدریج از مردسالاری حاکم هالیوود بیزار شد، چون اجازه ندادند او به کارگردانی بپردازد و از این علاقه‌ی او حمایت نکردند.

بهمن مقصدولو - استلا استیونس، بازیگر و کارگردان و تهیه‌کننده سینما، ملقب به «لعبت سینما» که جاذبه‌ی جنسی شیرینی را در دهه‌ی شصت میلادی بر پرده‌ی نقره-ای آورد، روز جمعه ۱۷ فوریه به دلیل بیماری آلزایمر در بیمارستانی در لس‌آنجلس درگذشت. او به هنگام مرگ هشتاد و چهار سال داشت (۱۹۳۸-۲۰۲۳).
دومین جشنواره‌ی جهانی فیلم تهران ۱۵ آذرماه ۱۳۵۲ پس از ده روز به پایان رسید، اما تعداد اندکی از میهمانان جشنواره چند روزی بیشتر در تهران ماندند، از جمله استلا استیونس و پسر هجده ساله‌اش اندرو و این فرصتی طلایی بود تا بتوانم گفتگویی کوتاهی با او انجام دهم. این گفتگو در مجله «ستاره سینما» (شنبه اول دی‌ماه ۱۳۵۲) به چاپ رسید.
استیونس اصلاً انتظار نداشت که در ایران و سفرش به اصفهان و شیراز بین مردم و علاقمندان هنر هفت مشهور باشد. در سفرش به اصفهان و شیراز به دیدن یکی از فیلم‌هایش «آتش‌افروز» با جیم براون رفته بود و استقبال مردم از این فیلم برایش باورنکردنی بود.
بهمن مقصدولو، استلا استیونس و پسرش / آذرماه ۱۳۵۲
در مورد دیدارش از اصفهان و شیراز گفت: «این دو شهر آن قدر فوق‌العاده و چشمگیر بودند که تصمیم گرفته‌ام



استلا استیونس و بهمن مقصدولو / آذرماه ۱۳۵۲

➔ پرسیدم: چه موقع برای شروع کارتان به ایران برمی‌گردید؟

- فصل بهار برمی‌گردم.

که متأسفانه نشد و استلادیگر برنگشت و این پروژه اجرانشد. گفتگو را با این سؤال تمام کردم: در شرایط فعلی نقش سکس را در سینما چگونه می‌بینید؟

استیونس اول تکانی خورد و ابروها را در هم کشید و بعد با چهره‌ای شاد جواب داد: «این بستگی به چگونگی استفاده از سکس در سینما دارد.»

در پایان باید اضافه کنم: اولین فیلم استلا استیونس نقشی در فیلم «یکی برای من بگو» (فرانک تاشلین ۱۹۵۹) بود که بینک کراسبی و دبی رینولدز در آن بازی می‌کردند. بازی درخشانش در این فیلم سبب شد که او را ستاره‌ی آینده بنامند و جایزه‌ی گلدن گلوب را در بخش «امید آینده» از آن خود کند.

استیونس جزو آخرین ستارگانی بود که از سیستم تولیدی استودیوهای هالیوود به سینما وارد شد، سیستمی که با قراردادهای چندساله شغلشان تأمین می‌شد ولی عرصه محدود بود و مجال برای بروز خلاقیت‌ها وجود نداشت.

استلا استیونس در دهه‌ی شصت جزو ستارگان برتر (A) و همراه راکوئل ولش، آن مارگارت، آنجی دیکسون و بریژیت باردو سمبل سکس در سینما بودند. اما استلا استیونس به تدریج از مردسالاری حاکم هالیوود بیزار شد، چون اجازه ندادند او به کارگردانی بپردازد و از این علاقه‌ی او حمایت نکردند. همچنین بهترین فیلم‌های استلا استیونس در دهه‌ی شصت و اوایل هفتاد میلادی با هنرپیشگان و کارگردان‌های مهمی خلق شد.

استلا استیونس در طول نیم قرن فعالیت هنری، در شصت فیلم سینمایی و تلویزیونی بازی کرد و طی چهار دهه در بیش از هشتاد سریال تلویزیونی ظاهر شد.

مهم‌ترین فیلم‌های وی عبارتند از: نغمه‌های دبروقت (جان کاساوتیس، ۱۹۶۱)، زن‌پر ادی (وینسنت مینلی، ۱۹۶۲، یک رمانتیک کمدی که مجله‌ی وارپیتی بازیگری استلا را ستود)، پرفسور دیوانه (جری لویس، ۱۹۶۳، فیلمی رمانتیک کمدی که روزنامه‌ی نیویورک تایمز بازی او را ستود)، صداخفه‌کن‌ها (فیل کارسون، ۱۹۶۵)، حماسه‌ی کبیل هوگ (سام پکین‌پا، ۱۹۷۰) و حادثه‌ی پوزیدون (رونالد نیم، ۱۹۷۲).

استلا استیونس در مقابل بازیگرانی چون لویس پریسلی، دین مارتین، گلن فورد، جری لویس، جین هکمن، ارنست بورنگاین، جیسون روبردز با موفقیت بازی کرده است.

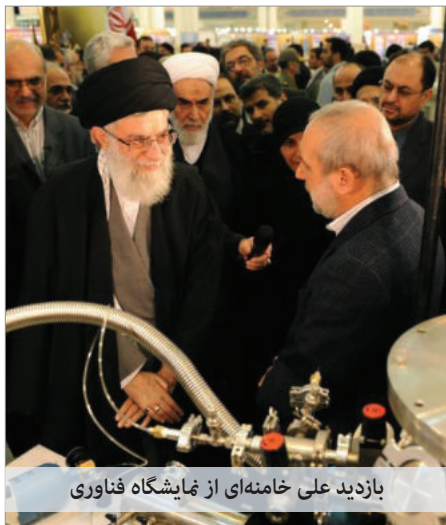
او در پانزده سالگی با همکلاش‌اش هرمان استیونس ازدواج کرد، در شانزده سالگی تنها پسرش اندرو متولد شد و در ۱۹۵۷ طلاق گرفت اما نام خانوادگی همسرش را برای حرفه‌ی خود در تئاتر و سینما برگزید.

این زن زیبا با صورتی کودکانه و معصوم که در فیلم‌های سکسی- کمدی بهترین بازی‌ها را ارائه کرده است فقط توانست دو فیلم کارگردانی کند: فیلم اول، «قهرمان زن آمریکایی» (۱۹۷۹) مستندی به مدت نود دقیقه بود و دیگری فیلمی داستانی با بازیگری پسرش اندرو به نام «مزرعه» (۱۹۸۹) که در کانادا ساخت.

در مقابل، پسرش نیز که بازیگر، کارگردان و تهیه‌کننده شد مادر را در فیلمی به نام «وحشت درون II» کارگردانی کرد. بالاخره اینکه استلا استیونس و پسرش اندرو فقط در یک سریال: «کوره‌راه اورگان»، در اپیزود دختر هانا با یکدیگر بازی کرده‌اند.

استلا استیونس رمانی هم با عنوان «الواتی‌های چشمگیر» (۱۹۸۹) منتشر کرد که به نوعی بازتابی از زندگی خودش است.

واشنگتن اگزمینر: با فرارسیدن توفان بزرگ، سقوط رژیم زامبی‌ها ناگزیر است



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه فناوری

ماه‌های آخر اتحاد جماهیر شوروی، حتی اعضای ثابت شاغل در حزب کمونیست هم حرف‌های رهبرشان را باور نمی‌کردند. تظاهراتی که با قتل مهسا امینی در پایگاه «گشت ارشاد» آغاز شد، ناقوس مرگ مشروعیت رژیم را به صدا درآورد. اینک شش ماه از آن جریان گذشته و همزمان با نوروز، زمان برای آغاز آن توفان بزرگ فرا رسیده است. آنچه رژیم جمهوری اسلامی را سرپا نگه داشته، سرکوب و وحشت‌آفرینی است اما ممکن است این دیگر کافی نباشد.

مایکل روبین با اشاره به سکوت بخشی از کارمندان و پشت‌میزنشین‌ها در اعتراضات می‌نویسد بوروکرات‌ها در ایران که ممکن است دیگر حتا به انقلاب [اسلامی] باور نداشته نباشند [البته اگر واقعاً می‌داشتند] در جریان اعتراضات ساکت ماندند تا موقعیت شغلی و حقوق‌شان را از دست ندهند. اما اکنون آنها در حالی موقعیت‌شان را حفظ کرده‌اند که حقوق‌شان دیگر کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد.

وی می‌نویسد که استراتژی مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا برای فشار حداکثری درست بود. تیم پرزیدنت جو بایدن نیز با مسدود کردن انتقال دلار نقدی از عراق به ایران همان الگوی پمپئو را پذیرفته است.

نویسنده با تشبیه جمهوری اسلامی به «رژیم زامبی‌ها» پیش‌بینی کرده شاید آنها بتوانند چند ماه، اگر نگوییم چند سال، با همین وضعیت ادامه دهند، اما تغییر اکنون ناگزیر است. زمان برنامه‌ریزی برای «تغییر رژیم» در ایران فرا رسیده است. در سال ۱۹۸۹ جرج بوش [پدر] پس از آنکه بعد از رونالد ریگان به ریاست جمهوری رسید، یک دستور طبقه‌بندی شده در سطح امنیت ملی صادر کرد. وی به همه اعضای دولت آمریکا دستور داد تا برای عادی ساختن روابط با جمهوری اسلامی ایران آماده شوند. ایرانیان هرگز دشمن ایالات متحده نبودند. آنها همانقدر قربانی جمهوری اسلامی بودند که آمریکایی‌ها. حالا اما بجای تصور آشتی با رژیم ایران، زمان آن فرا رسیده است که سیاست را بطور کامل با احتمال شکل گرفتن خاورمیانه‌ای تنظیم کنیم که در آن ایران شریک صلح و ثبات است و نه منبع تفرقه و تروریسم و خشونت. امیدوار باشیم که جو بایدن سرانجام بفهمد که مردم ایران اکنون به دنبال چه هستند: آن آینده با وجود جمهوری اسلامی ممکن نیست.

● مایکل روبین مقام سابق وزارت دفاع آمریکا در امور خاورمیانه در مقاله‌ای می‌نویسد نوروز در ایران نزدیک است اما گرانی‌ها به حدی زیاد شده که اکثر ایرانی‌ها حتا نمی‌توانند مثل قدیم در دید و بازدیدها از هم پذیرایی کنند. وضعیت برای مردم آنقدر بد شده که پس از جنگ ایران و عراق تا کنون بی‌سابقه بوده است.

● «وقتی علی خامنه‌ای درباره ارزش‌های انقلاب سخنرانی می‌کند، اکثر مردم سرشان را برمی‌گردانند. درست مثل وضعیت ماه‌های آخر اتحاد جماهیر شوروی، حتا اعضای ثابت شاغل در حزب کمونیست هم حرف‌های رهبرشان را باور نمی‌کردند.»

● روبین با اشاره به سکوت بخشی از کارمندان و پشت‌میزنشین‌ها در اعتراضات می‌نویسد بوروکرات‌ها در ایران که ممکن است دیگر حتا به انقلاب [۱۹۷۹] باور نداشته نباشند در جریان اعتراضات ساکت ماندند تا موقعیت شغلی و حقوق‌شان را از دست ندهند. آنها اکنون در حالی موقعیت‌شان را حفظ کرده‌اند که حقوق آنها دیگر کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد.

● نویسنده با تشبیه جمهوری اسلامی به «رژیم زامبی‌ها» پیش‌بینی کرده شاید آنها بتوانند برای چند ماه، اگر نگوییم چند سال، با همین وضعیت ادامه دهند، اما تغییر اکنون ناگزیر است. زمان برنامه‌ریزی برای «تغییر رژیم» در ایران فرا رسیده است.

وبسایت «واشنگتن اگزمینر» ۲۸ فوریه (۹ اسفند) به وضعیت بحران‌زده بازار ارز در ایران پرداخته و نوشته است پول ایران در حال سقوط آزاد است و در آخر هفته تقریباً ۱۰ درصد سقوط کرد و از مرز نیم میلیونی که به لحاظ روانی اهمیت دارد عبور کرد و به بیش از ۶۰ هزار تومان در برابر دلار رسید. سقوط ارز منجر به تعطیلی بازار تهران شد، رویدادی که پیشتر در آستانه‌ی انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ رخ داد بود.

نویسنده این مقاله، مایکل روبین مقام سابق وزارت دفاع آمریکا در امور خاورمیانه، که این مطلب را در سلیمانیه عراق نوشته به بازتاب این وضعیت در آن منطقه پرداخته و می‌نویسد «گردهای عراق تحولات را از نزدیکی می‌بینند و می‌پرسند که ارزش ریال با چه سرعتی رو به کاهش است و پیامدهای آن چیست؟»

نویسنده سعی کرده وضعیت بد معیشتی ایرانیان و شرایط بازار و وخامت اوضاع را به تصویر بکشد. روبین می‌نویسد «اوضاع به سرعت در حال تبدیل شدن به یک توفان تمام‌عیار در ایران است. کمتر از یک ماه به عید نوروز باقی مانده. در طول تعطیلات نوروز، ایرانیان به دید و بازدید با دوستان و خانواده می‌پردازند و به مهمان‌نوازی پُر و پیمان افتخار می‌کنند. در همین دوره قانون عرضه و تقاضا معمولاً در یک روند تدریجی منجر به گران‌تر شدن مواد غذایی اساسی می‌شود. بجز نوروز در ماه رمضان نیز بازار از همین الگو تأثیر می‌گیرد که امسال مصادف با عید نوروز است. قیمت‌ها به شدت افزایش پیدا کرده است. بطوری که از زمان جنگ ایران و عراق تا کنون، ایرانیان تا این اندازه تحت فشار اقتصادی قرار نگرفته بودند. ناتوانی در مهمان‌نوازی و انبوهی از بدهکاری‌های گوناگون چیزبست که روحیه را تضعیف می‌کند.

وقتی علی خامنه‌ای درباره ارزش‌های انقلاب سخنرانی می‌کند، اکثر مردم سرشان را برمی‌گردانند. درست مثل وضعیت

افزایش اعتصابات صنفی؛ جوّ امنیتی شدید در ذوب آهن اصفهان؛ بازنشستگان سه شنبه ۹ اسفند دست به تجمع سراسری می زنند



تأمین اجتماعی و آموزگاران بازنشسته جمعیتی را برگزار کرده اند.

روز یکشنبه هفتم اسفندماه شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی در چند شهر ایران از جمله اهواز، شوش، شوش، کرمان، کرمانشاه و اصفهان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان در مقابل ساختمان تأمین اجتماعی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع بازنشستگان معترض به دلیل شرایط نامناسب معیشتی و عدم اجرای باقیمانده طرح همسان سازی صورت گرفته است. آنها در این تجمع شعارهایی از جمله «دولت بی کفایت استعفا استعفا»، «کجای این عدالته، دستت توجیب ملته» و «رزمندگان دیروز، گرسنگان امروز» سر دادند.

همزمان در استان اصفهان نیز بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان در اعتراض به «عدم رسیدگی به وضعیت بد معیشتی و دیگر مطالبات» مقابل صندوق بازنشستگی فولاد تجمع کردند. شماری از کشاورزان روستای «الباجی» در استان خوزستان نیز روز گذشته در اعتراض به عدم دریافت حقایق زمین های کشاورزی در مقابل ساختمان استانداری خوزستان واقع در اهواز تجمع کردند.

بازنشستگان مخابرات نیز که در ماه های گذشته بارها در اعتراض به عدم افزایش حقوق با وجود مصوبات قانونی، جمعیتی برگزار کرده بودند نیز روز یکشنبه هفتم اسفند در چند شهر ایران تجمع کردند.

کارگران صنایع فولاد یزد هم روز یکشنبه هفتم اسفند اعتصاب کردند. بر اساس ویدئوی منتشر شده اعتصاب کنندگان در خیابان های یزد تظاهرات کرده و شعارهایی از جمله «کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد» سر دادند.

کارگران شهرداری یاسوج در استان کهگیلویه و بویر احمد هم که هر کدام بی هشت تا سیزده ماه است هیچ حقوقی دریافت نکرده اند مقابل ساختمان شهرداری و شورای این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

روز شنبه ششم اسفندماه نیز شماری از کارگران پروژه ای شاغل در نیروگاه سیکل ترکیبی سیلان اردبیل، در اعتراض به معوقات مزدی سه ماهه خود دست به اعتصاب زده و

اعتراضی داشتند از سوی مأموران مورد حمله قرار گرفتند و آنها را متفرق کردند.

تجمعه کارگران بخش بهره برداری ذوب آهن تا نیمه شب شنبه ششم اسفند ادامه داشت و نیروهای گارد ویژه با حمله به کارگران و استفاده از ماشین آب پاش کارگران و بازداشت شماری از آنها، تجمع کارکنان این بخش را پایان دادند اما صبح یکشنبه بار دیگر کارگران تجمع کردند و اعتصاب خود را پیش بردند. جوّ کارخانه امروز دوشنبه هشتم اسفندماه نیز امنیتی گزارش شده است. ویدئوهای منتشر شده از این کارخانه نشان می دهد صدها کارگر در محوطه کارخانه ایستاده اند و حاضر به بازگشت به کار نیستند. این اعتصاب در حالی ادامه دارد که یگان ویژه و ضد شورش همچنان در کارخانه مستقرند و مأموران امنیتی تلاش دارند صف اعتصاب کارگران را با تهدید و ارباب در هم بشکنند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه امروز دوشنبه هشتم اسفند با انتشار پیامی از اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان حمایت کرده و در محکومیت رفتار خشونت بار مأموران نوشته که «سرکوب کارگران ره به جایی نخواهد برد و کارگران نیز این سرکوب ها را هرگز فراموش نکرده و خواهند بخشید. کلیه کارگران بازداشتی در مجتمع ذوب آهن اصفهان باید فوری و بدون قید و شرط آزاد گردند.» کارگران ذوب آهن اصفهان خواستار افزایش حقوق، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و همچنین پرداخت به موقع دستمزدها و مزایای شغلی هستند. هزاران کارگر شاغل در این کارخانه در ماه های گذشته چند بار تجمعات و اعتصابات برگزار کرده بودند. دو اعتصاب بزرگ این کارگران در روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان و ۵ آذر برگزار شد. پنجم آذر مقامات کارخانه و استان و نمایندگان وزیر صمت وعده داده بودند به سرعت مشکل کارگران را حل کنند اما با گذشت بیش از سه ماه همچنان تغییری در وضعیت حقوق کارگران رخ نداده است.

در روزهای گذشته موج تازه از تجمعات و اعتصابات صنفی در ایران به راه افتاده است. کارگران در مجتمع کشت و صنعت هفت تپه، مجتمع صنعتی فولاد یزد اعتصاب کردند. همچنین بازنشستگان صنعت فولاد و بازنشستگان سازمان

«اتحادیه آزاد کارگران» گزارش داده که نزدیک به ۱۰۰ مامور یگان ویژه در محوطه مجتمع ذوب آهن اصفهان حاضر شده و با گشت های موتور در صدد تشدید فضای ارباب و تهدید علیه کارگران برآمدند.

شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی در چند شهر ایران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان در مقابل ساختمان تأمین اجتماعی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

کارگران صنایع فولاد یزد هم روز یکشنبه هفتم اسفند اعتصاب کردند. بر اساس ویدئوی منتشر شده اعتصاب کنندگان در خیابان های یزد تظاهرات کرده و شعارهایی از جمله «کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد» سر دادند.

بر اساس فراخوان منتشر شده در شبکه های اجتماعی، بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی با همراهی آموزگاران بازنشسته قرار است فردا، سه شنبه ۹ اسفند، دست به اعتراض سراسری بزنند.

در پی اعتصاب کارخانه ذوب آهن اصفهان در شبانه روز گذشته جوّ امنیتی شدیدی در کارخانه حکمفرما شده و شماری از کارگران توسط حراست کارخانه و مأموران امنیتی بازداشت شدند. جمهوری اسلامی از ترس راه افتادن اعتصابات سراسری به دلیل عدم افزایش حقوق، عدم پرداخت عیدی و پاداش کافی و گرانی ناشی از افزایش قیمت دلار، فشارهای امنیتی در اصناف مختلف را افزایش داده است.

کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان از روز شنبه ششم اسفند دور تازه ای از اعتراضات را در این کارخانه آغاز کردند اما یک روز بعد شماری از کارگران بازداشت شده و صدها نیروی یگان ویژه و پلیس ضد شورش و مأموران امنیتی در کارخانه مستقر شدند.

«اتحادیه آزاد کارگران» گزارش داده که نزدیک به ۱۰۰ مامور یگان ویژه در محوطه مجتمع ذوب آهن اصفهان حاضر شده و با گشت های موتور در صدد تشدید فضای ارباب و تهدید علیه کارگران برآمدند.

همچنین شماری از کارگران پس از شناسایی از سوی مأموران امنیتی بازداشت شدند و از سوی دیگر، کارگرانی که در بخش «آگلومراسیون» و کک سازی و نورد، قصد برگزاری تجمع



شعارنویسی بسجی‌ها روی دیوار سفارت انگلیس در تهران

جمهوری اسلامی آماده بستن سفارت بریتانیا در تهران می‌شود؟ حکومت نگران از «توطئه» موساد و انگلیسی‌ها

● هفته‌نامه انگلیسی «جوییش کرونیکل» وابسته به یهودیان بریتانیا گزارش می‌دهد جمهوری اسلامی در حال آماده شدن برای بستن سفارت انگلیس در تهران است.

● منابع می‌گویند این اقدام احتمالی توسط مقامات تهران از جلسه محرمانه با سفرای عمان، کویت و امارات در روز سه‌شنبه ۲۱ فوریه (دوم اسفند) فاش شده است.

● منابع امنیتی تأیید کردند که بستن سفارت انگلیس در ایران می‌تواند ضربه مهمی به منافع غرب در این کشور باشد و عملیات جاسوسی مهمی را که توسط انگلیس، اسرائیل و ایالات متحده انجام می‌شود، محدود کند.

● آنچه نهادهای جمهوری اسلامی را نگران کرده عمدتاً فشارهای بین‌المللی علیه رژیم از کانال «اسرائیل، انگلیس و آلمان» است که بخشی از آن به تلافی همدستی جمهوری اسلامی با روسیه در جنگ اوکراین و بخشی دیگر از آن در مقابله با دستیابی حکومت ملایان به سلاح اتمی است.

آنچه نهادهای جمهوری اسلامی را نگران کرده است عمدتاً فشارهای بین‌المللی علیه رژیم از کانال «اسرائیل، انگلیس و آلمان» است که بخشی از آن به تلافی همدستی جمهوری اسلامی با روسیه در جنگ اوکراین و بخشی دیگر از آن در مقابله با دستیابی حکومت ملایان به سلاح اتمی است.

حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه کیهان چاپ تهران سوم اسفند در سرمقاله این روزنامه پیشنهاد داده بود کارکنان سفارت آلمان ممنوع‌الخروج و محاکمه شوند. او ادعا کرده است جمشید شارمهد تابعیت دوگانه ایرانی-آلمانی داشته و در ایران تحت نظارت سفارت آلمان بوده و وی که اخیراً حکم اعدامش صادر شده از طریق سفارت آلمان با افسر آژانس اطلاعاتی آلمان (Bundes nachrichten dienst BND) در تماس بوده است.

تنش‌ها بین رژیم ایران و بریتانیا اخیراً در ماجرای تهدید کارکنان تلویزیون «ایران اینترنشنال» مستقر در انگلیس نیز بالا گرفت و دفتر پخش برنامه‌ای این شبکه تلویزیونی به واشنگتن منتقل شد.

تام توگندات معاون امنیتی وزیر کشور بریتانیا به نشریه جوییش کرونیکل گفته است جمهوری اسلامی جنایتکاران سازمانیافته را برای جاسوسی از یهودیان بریتانیا استخدام می‌کند تا برای کارزار ترور احتمالی اعضای برجسته جامعه یهودی آماده شود و همچنین به باندهای جنایتکار برای جاسوسی پول می‌دهد.

نوگندات که مسئول «MI۵» است می‌گوید اطلاعات بسیار روشنی در مورد توطئه‌های عوامل جمهوری اسلامی در انگلیس علیه یهودیان به دست آمده است.

● هفته‌نامه انگلیسی «جوییش کرونیکل» وابسته به یهودیان بریتانیا گزارش می‌دهد جمهوری اسلامی در حال آماده شدن برای بستن سفارت انگلیس در تهران است.

● منابع می‌گویند این اقدام احتمالی توسط مقامات تهران از جلسه محرمانه با سفرای عمان، کویت و امارات در روز سه‌شنبه ۲۱ فوریه (دوم اسفند) فاش شده است.

● منابع امنیتی تأیید کردند که بستن سفارت انگلیس در ایران می‌تواند ضربه مهمی به منافع غرب در این کشور باشد و عملیات جاسوسی مهمی را که توسط انگلیس، اسرائیل و ایالات متحده انجام می‌شود، محدود کند.

● آنچه نهادهای جمهوری اسلامی را نگران کرده عمدتاً فشارهای بین‌المللی علیه رژیم از کانال «اسرائیل، انگلیس و آلمان» است که بخشی از آن به تلافی همدستی جمهوری اسلامی با روسیه در جنگ اوکراین و بخشی دیگر از آن در مقابله با دستیابی حکومت ملایان به سلاح اتمی است.

هفته‌نامه انگلیسی «جوییش کرونیکل» (JC) وابسته به یهودیان بریتانیا گزارش می‌دهد که با افزایش تنش‌ها بر سر سرکوب معترضان در ایران و توطئه علیه یهودیان مقیم بریتانیا، جمهوری اسلامی در حال آماده شدن برای بستن سفارت انگلیس در تهران است.

منابع می‌گویند این اقدام احتمالی توسط مقامات تهران از جلسه محرمانه با سفیران عمان، کویت و امارات در روز سه‌شنبه ۲۱ فوریه (دوم اسفند) فاش شده است.

به گفته یکی از حاضران، مقامات ایران به دیپلمات‌های حاضر در جلسه گفتند که تهران قرار است مجموعه‌ای از تحریم‌های جدید را برای ضربه زدن به بریتانیا اعلام کند.

منابع امنیتی تأیید کردند که بستن سفارت انگلیس در ایران می‌تواند ضربه مهمی به منافع غرب در این کشور باشد و عملیات جاسوسی مهمی را که توسط انگلیس، اسرائیل و ایالات متحده انجام می‌شود، محدود کند.

این منبع گفت: «از آنجا که اسرائیل و ایالات متحده در ایران حضور ندارند، برای انجام کارهای اطلاعاتی به سفارت بریتانیا وابسته هستند.»

اخیراً جمهوری اسلامی به تلافی تحریم‌های انگلیس و دولت‌های اروپایی شماری از دیپلمات‌ها و مقامات ارشد سیاسی و نمایندگان پارلمان در انگلیس و اتحادیه اروپا و همچنین شماری از نویسندگان و رسانه‌های آنها را تحریم کرد که یکی از آنها آلن جیکوبز از چهره‌های سرشناس یهودی و رئیس پیشین هیئت مدیره نشریه «جوییش کرونیکل» است.

→ در محوطه این کارگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند. شماری از کارگران شاغل در مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه نیز از روز شنبه ششم اسفندماه در اعتراض به اجرا نشدن قانون طبقه‌بندی مشاغل و عقب افتادن دستمزدها اعتصاب کرده‌اند.

همچنین بر اساس فراخوان منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی قرار است فردا، سه‌شنبه ۹ اسفند، دست به اعتراض سراسری بزنند. این اعتراضات در شهرستان‌ها مقابل سازمان تأمین اجتماعی و در تهران مقابل مجلس شورای اسلامی و سازمان برنامه و بودجه برگزار می‌شود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار بیانیه‌ای از این تجمع سراسری حمایت کرده است. در این بیانیه آمده که «بازنشستگان تأمین اجتماعی در سه سال گذشته بطور پیوسته در مناطق مختلف کشور در اعتراض به عدم اجرای همسان سازی حقوق و عدم افزایش حقوق بازنشستگی متناسب با نرخ واقعی تورم به خیابان‌ها آمده‌اند، اما حاکمیت بجای رسیدگی به مطالبات برحق و ابتدایی بازنشستگان بارها به سرکوب و برخورد‌های امنیتی و پلیسی و بازداشت معترضین متوسل شده است»

این بیانیه افزوده که «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی حومه ضمن حمایت از فراخوان تجمع ۹ اسفند، خواهان اجرای کامل همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و افزایش حقوق بازنشستگی متناسب با نرخ واقعی تورم می‌باشد، و از همه همکاران بازنشسته و شاغل تقاضا داریم در این تجمعات شرکت کنند.»

همچنین شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای از فراخوان بازنشستگان برای تجمع در روز ۹ اسفند حمایت کرد و از فرهنگیان «بازنشسته و شاغل» خواست در این تجمع شرکت کنند. در بخشی از این بیانیه آمده است: «در روزهایی که تورم به صورت روزانه در حال رشد بوده و مسئولان اقتصادی کشور قادر به کنترل تورم افسار گسیخته نیستند، کاهش قدرت خرید برای اکثریت مردم ادامه زندگی حداقلی را برای قشر بازنشسته بسیار دشوار نموده»

این شورا با تأکید بر اینکه «وعده همسان‌سازی حقوق بازنشستگان» به فراموش سپرده شده است، شرایط نابامان کشور را منجر به صدور فراخوانی برای تجمع ۹ اسفند توسط گروه‌های بازنشستگان دانسته و اعلام کرده که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران «خواهان اجرای کامل همسان‌سازی حقوق بازنشستگان در سال جاری می‌باشد.»

دولت ابراهیم رئیسی در برابر افزایش دستمزدها برای سال ۱۴۰۲ به شدت مقاومت کرده است. رقم عیدی پرداختی به بازنشستگان نیز در حالی که باید برابر با رقم مستمری ماهانه آنها می‌بود اما رقمی ناچیز و حدود یک و نیم میلیون تومان تعیین شده است.

از سوی دیگر تورم عمومی اقتصاد به بیش از ۵۰ درصد و تورم مواد خوراکی به بیش از ۷۵ درصد رسیده است. افزایش قیمت ارز در هفته‌های گذشته نیز موجی از گرانی کالاها و خدمات را به همراه خواهد داشت. در چنین شرایطی افشار کم‌درآمد مانند کارگران و بازنشستگان بیش از گذشته به زیر خط فقر رانده شده و برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی دچار بحران هستند.

در آنسو جمهوری اسلامی بجای اینکه برنامه‌های حمایتی از افشار تنگدست و کم‌درآمد را در دستور کار قرار دهد، از هراس به راه افتادن اعتصابات سراسری در کشور، فشارهای امنیتی و سرکوب‌گرایانه را در اصفاف مختلف افزایش داده و با تهدید و وحشت‌آفرینی تلاش دارد از شکل گرفتن اعتصابات پایدار جلوگیری کند.

فروش ۴۰۰ میلیارد تومان اموال تملیکی برای تأمین مخارج غذا و پوشاک زندانیان

مجلس سال ۱۴۰۰ در یک مصاحبه تعداد زندانیانها در ایران را ۲۴۰ هزار نفر اعلام کرد و گفت این رقم باید به ۲۰ هزار نفر برسد.

بنا به گزارش وبسایت «رویداد ۲۴» شهریور ماه امسال مهدی حاجیان سخنگوی فراجا اعلام کرده بود که برای نگهداری هر زندانی در زندان ماهیانه ۱۰ میلیون تومان هزینه می‌شود. در صورتی که آمار ۳۰ هزار بازداشتی در جریان اعتراضات اخیر صحت داشته باشد، بالغ بر ۳۰۰ میلیارد تومان ماهانه و ۳ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان سالانه به هزینه‌های سازمان زندان‌ها اضافه شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد بودجه سازمان زندان‌ها در ایران در سال ۱۴۰۲ حدوداً ۹ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان است که بیش از ۹۰ درصد آن صرف اعتبارات جاری و هزینه‌های روزمره زندان‌ها می‌شود. ۶/۳ هزار میلیارد تومان هزینه مازاد نزدیک به ۴۰ درصد مجموع بودجه سازمان زندان‌ها در لایحه بودجه ۱۴۰۲ است که تحقق آن با توجه به وضعیت کسری بودجه و ادامه تحریم‌ها غیرممکن است. جمع‌آوری و فروش کالاهای متروکه و قاچاق که در دوران پهلوی از وظایف گمرک بود پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کمیته‌ای متشکل از نمایندگان بنیاد مستضعفان، جهاد سازندگی، بنیاد مسکن و دادستانی کل کشور واگذار شد.



زندان «رجایی شهر» کرج

از آنها مربوط به اعتراضات اخیر بودند. بر اساس آخرین آمارهای «ورلد پرسون بریف» وبسایت اختصاصی مؤسسه تحقیقات درباره سیاست‌های جرم و عدالت، ایران با ۱۹۰ هزار زندانی در رتبه دهمین کشور جهان با بیشترین تعداد زندانیان قرار داشت. حسن نوروزی نایب‌رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی

طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی، درآمد حاصل از فروش اموال منقول و غیرمنقول تملیکی (به استثنای اموال در اختیار ولی فقیه) به حساب سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی واریز می‌شود و بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان از آن بابت غذا و پوشاک زندانیان هزینه خواهد شد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی یکشنبه ۷ اسفندماه در جریان بررسی بخش درآمدی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور با بند الحاقی ۳ تبصره ۶ ماده واحده لایحه بودجه ۱۴۰۲ موافقت کردند. طبق این مصوبه دست دولت برای فروش اموال تملیکی بازتر خواهد شد.

به گزارش ایلنا بر اساس مصوبه درآمد حاصل از فروش اموال منقول و غیرمنقول تملیکی (به استثنای اموال در اختیار ولی فقیه) به حساب سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی واریز می‌شود و بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان از آن بابت غذا و پوشاک زندانیان هزینه خواهد شد.

با افزایش نرخ ارز و تشدید تحریم‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی برای نجات از بحران اقتصادی طرح «مولدسازی» (واگذاری و فروش املاک و اموال دولتی) را که به نظر می‌رسد برگرفته از یک نسخه‌ی روسی اقتصاد است به اجرا گذاشته‌اند. اوایل بهمن‌ماه حکومت ۱۰۰ هزار نفر از محکومان زندانی را به فرمان علی خامنه‌ای «عفو» کرد که حدود ۳۰ هزار نفر

را هم بکشیم می‌توانستیم ولی یک مُشت سرباز بدبخت بودند که کشتن اینها هدف ما نبود، انشالله بتوانیم ترامپ، پمپئو و مک‌کنزی را بکشیم!» منابع آگاه در سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس) ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸ ادعا کرده بودند دست‌کم ۸۰ آمریکایی در این حمله کشته شدند!

در شرایطی که حاجی‌زاده علنی اعلام می‌کند که به دنبال کشتن مقامات آمریکایی هستیم جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اخیراً در مخالفت با قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا عنوان کرد «می‌توانید بگویید چون من از آن خوشم نمی‌آید پس تروریست هستید!»

سلامی: قادر به رهگیری ماهواره‌ها هستیم

به نظر می‌رسد آنچه مقامات ارشد نظامی در مورد توانایی‌های نظامی جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کنند تا حدود زیادی با اغراق همراه است.

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران در مورد موشک‌های جدید این نهاد موازی و نامتعارف گفته «ما امروز می‌توانیم ماهواره‌ها را با رادار از زمین رهگیری کنیم. زمانی که ما تحصیل می‌کردیم تصویری از این علوم نداشتیم اما امروز توسط شما جوانان این دستاوردها تحقق پیدا کرده است. امروز شما می‌توانید از فاصله هزاران کیلومتر دورتر هر کشتی در حال حرکت را بزیند و بعد می‌توانید نقطه اصابت به کشتی را نیز مشخص کنید تا خدمه کشتی آسیب نبینند.»

روزنامه «تایمز اسرائیل» با اشاره به تهدیدات مقامات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گزارشی می‌نویسد، اسرائیل مدت‌هاست که نسبت به برنامه موشکی تهران هشدار داده و گفته است که تهدیدی برای اسرائیل، منطقه و اروپا است، نه فقط به خاطر قابلیت‌های متعارف، بلکه به این دلیل که در صورت دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، در نهایت می‌توان از آنها برای پرتاب تسلیحات هسته‌ای استفاده کرد.



محمدرضانقدی معاون هماهنگ‌کننده سپاه پاسداران ادعا می‌کند موشک بالستیک نقطه‌زن از اختراعات جمهوری اسلامی است

کمتز از یک هفته پس از گزارش بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از افزایش غلظت اورانیوم در تأسیسات اتمی ایران به ۸۴ درصد، نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از یک موشک کروز هایپرسونیک با عنوان «پاوه» با بُرد ۱۶۵۰ کیلومتر رونمایی کرد. امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران از عوامل اصلی شلیک موشک به هواپیمای مسافری «اوکراین اینترنشنال» جمعه شب ۵ اسفند در برنامه تلویزیونی «صف اول» در توضیح قابلیت‌های موشک پاوه و توانایی‌های نظامی جمهوری اسلامی به تهدید اروپایی‌ها پرداخت.

وی گفت، «قادریم تا ۲ هزار کیلومتر ناوهای آمریکایی را بزینم که این ۲ هزار کیلومتر هم به احترام اروپایی‌هاست که امیدواریم احترام خود را نگه دارند.»

وی با اشاره به شلیک چند موشک به پایگاه آمریکایی «عین‌الاسد» در عراق بعد از کشته شدن قاسم سلیمانی گفت «ما آن شب اگر می‌خواستیم هزار نفر از آمریکایی‌ها

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اروپا را تهدید موشکی می‌کند؛ حاجی‌زاده: انشالله بتوانیم ترامپ و پمپئو و مک‌کنزی را بکشیم!

نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک موشک کروز با نام «پاوه» را تست کرده که گفته می‌شود ۱۶۵۰ کیلومتر بُرد دارد.

امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران می‌گوید «قادریم تا ۲ هزار کیلومتر ناوهای آمریکایی را بزینم که این ۲ هزار کیلومتر هم به احترام اروپایی‌هاست که امیدواریم احترام خود را نگه دارند.»

وی در یک برنامه تلویزیونی گفته «انشالله بتوانیم ترامپ، پمپئو و مک‌کنزی را بکشیم!»

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران در مورد موشک‌های جدید این نیروی نظامی موازی و نامتعارف می‌گوید «ما امروز می‌توانیم ماهواره‌ها را با رادار از زمین رهگیری کنیم... امروز شما می‌توانید از فاصله هزاران کیلومتر دورتر هر کشتی در حال حرکت را بزیند و بعد می‌توانید نقطه اصابت به کشتی را نیز مشخص کنید تا خدمه کشتی آسیب نبینند.»



نتایج یک پژوهش: از هر ۱۰ شهروند بزرگسال ایران ۸ نفر متلک یا مزاحمت بدنی را تجربه کرده‌اند

مدت زمان حضورش در سطح خیابان‌ها، در هر تردد شهری، بین یک تا ۲۰ بار مزاحمت‌های کلامی، فیزیکی و چشمی (نگاه نامناسب و آزاردهنده) از سوی برخی مردان تجربه می‌کند. نظرسنجی یک نهاد عمومی نشان می‌دهد که ۷۶ درصد از زنان گفته‌اند که به آنان متلک گفته شده و ۸۳ درصد از زنان از تنه زدن عمدی خبر داده‌اند. گزارشی از محیط کاری روزنامه‌نگاران حاکی از آن است که ۶۵ درصد آنان مزاحمت کلامی و ۳ درصد مزاحمت همراه با لمس بدن را تجربه کرده‌اند.

«داده‌های باز ایران» در گزارش خود افزوده که «متلک، عباراتی است که بطور عمدۀ مردان و گاه زنان، به قصد دست انداختن، تحقیر، یا جلب توجه اینجا و آنجا نثار همدیگر می‌کنند. متلک از جانب دریافت‌کنندگان، اغلب مزاحمت تلقی می‌شود. برخلاف متلک که زبانی‌ست، مزاحمت بدنی یا «انگولک» مزاحمتی است که به صورت بدنی یا فیزیکی اعمال می‌شود. در زبان فارسی، واژه انگولک به معنی «کاویدن به انگشتان یا ور رفتن با چیزی با انگشت» تعریف شده است. اما در کاربرد امروزی به معنای مزاحم کسی شدن، به ویژه از طریق لمس بدن دیگری بدون رضایت او به کار می‌رود.»

این گزارش تأکید کرده که متلک و مزاحمت بدنی پدیده‌هایی جهانی هستند. کمتر جامعه‌ای یافت می‌شود که کاملاً عاری از متلک باشد؛ حتی در جامعه‌های مدرن غربی. مثلاً برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ۱۴ درصد از زنان کشورهای اروپایی گفته‌اند در طول سال گذشته با مردانی مواجه شده‌اند که برای جلب توجه در خیابان برایشان سوت زده‌اند. در میان این کشورها اسپانیا با ۲۳ درصد بیشترین و ایتالیا با ۱۰ درصد کمترین موارد این نوع متلک را به خود اختصاص داده‌اند.

گرچه در بسیار از جوامع مزاحمت بدنی به دلیل «مجازات‌های قانونی» و «فعالیت‌های مدنی» به شدت کاهش یافته است، هنوز در برخی جوامع رواج بسیار دارد. مصر یکی از شناخته شده‌ترین این کشورهاست. یک پژوهش در دهه قبل نشان می‌دهد که ۹۸ درصد زنان خارجی و ۸۳ درصد از زنان مصری گفته‌اند که مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. گستردگی موضوع آزار جنسی خیابانی چنان است که حتی در تجمعات اعتراضی در دوره بهار عربی نیز رخ داد.

۱ نفر می‌گوید چنین تجربه‌ای داشته است. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد مردان، ۱۰ برابر زنان متلک‌گو هستند و نسبت مردانی که عامل مزاحمت بدنی‌اند، بیش از ۱۵ برابر زنان بوده است. ۸۰ درصد گویندگان متلک مرد/پسر بوده‌اند، در حالی که ۸ درصدشان را زنان/دختران تشکیل داده‌اند.

همچنین زنان دو و نیم برابر زنان در معرض مزاحمت بدنی بوده‌اند. نزدیک به سه چهارم زنان می‌گویند در معرض مزاحمت بدنی بوده‌اند در حالی که از هر ۱۰ مرد حدود ۳ مرد می‌گویند مزاحمت بدنی داشته‌اند.

همچنین افراد دارای تحصیلات دانشگاهی بیشتر در مکان‌های مرتبط با حمل و نقل و در مکان‌های اداری، تجاری و تفریحی در معرض مزاحمت بدنی بوده‌اند. افراد بدون تحصیلات دانشگاهی اما بیشتر در خیابان‌ها و مکان‌ها مسکونی در معرض مزاحمت بدنی بوده‌اند.

درباره چگونگی این پژوهش نیز «داده‌های باز ایران» توضیح داده که برای دریافت اطلاعاتی وسیع‌تر در زمینه میزان و چگونگی مواجهه با متلک و مزاحمت بدنی، طی فراخوانی از کاربران فضای مجازی خواسته شده تجربه خود را در این زمینه با این سازمان در میان بگذارند. فراخوان برای شرکت در این پیمایش آنلاین، از ۱۱ خرداد تا ۲ آبان ۱۴۰۱ در دسترس کاربران بوده است.

در این مدت، ۲۵۰۷ نفر از کاربران فضای مجازی در این فراخوان مشارکت کرده‌اند و به پرسش‌های این فراخوان پاسخ داده‌اند. ۶۴ درصد از پاسخ‌گویان زن و ۳۶ درصد مرد بوده‌اند. ۹۷ درصد از پاسخ‌دهندگان به این فراخوان در مناطق شهری و ۳ درصد باقی در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند.

پاسخ‌گویان در ۳۱ استان کشور پراکنده بوده‌اند. چنانکه انتظار می‌رود، بیشترین پاسخ‌دهندگان می‌گویند ساکن تهران هستند. کمترین میزان پاسخ‌گویان ساکن استان خراسان جنوبی و شمالی و کهگیلویه و بویر احمد بوده‌اند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۳۲ سال بوده است. ۴۳ درصد از پاسخ‌گویان تحصیلاتی کمتر از کارشناسی داشته‌اند و ۵۷ درصد بیش از کارشناسی.

این گزارش افزوده که در مورد جامعه ایران پیمایش‌های گسترده‌ای که ارقام دقیقی به ما بدهد، در دست نیست. پژوهش یک مرکز تحقیقاتی خصوصی نشان می‌دهد هر زن یا دختر در شهرهای ایران به میزان مسافتی که طی می‌کند یا

● از هر ۱۰ نفر که در نظرسنجی این سازمان شرکت کردند ۸ نفر متلک شنیده و از هر ۱۰ نفر نیز ۸ نفر مزاحمت بدنی داشته‌اند.

● زنان دو و نیم برابر مردان در معرض مزاحمت بدنی بوده‌اند. نزدیک به سه چهارم زنان می‌گویند در معرض مزاحمت بدنی بوده‌اند در حالی که از هر ۱۰ مرد حدود ۳ مرد می‌گویند مزاحمت بدنی شده‌اند.

● افراد کمتر از ۲۰ سال بیشتر در مکان‌های مرتبط با حمل و نقل متلک شنیده‌اند و افراد بالای ۴۰ سال بیشتر در مکان‌های تجاری، اداری و تفریحی.

● افراد دارای تحصیلات دانشگاهی بیشتر در مکان‌های مرتبط با حمل و نقل و در مکان‌های اداری، تجاری و تفریحی و افراد بدون تحصیلات دانشگاهی اما بیشتر در خیابان‌ها و مکان‌ها مسکونی در معرض مزاحمت بدنی بوده‌اند.

نتایج پژوهش «داده‌های باز ایران» نشان می‌دهد در ایران از هر ۱۰ نفر، هشت نفر «متلک و مزاحمت بدنی» را تجربه کرده‌اند. بیشترین میزان این نوع آزار در مکان‌های عمومی مانند اماکن تجاری، تفریحی و اداری اتفاق افتاده است.

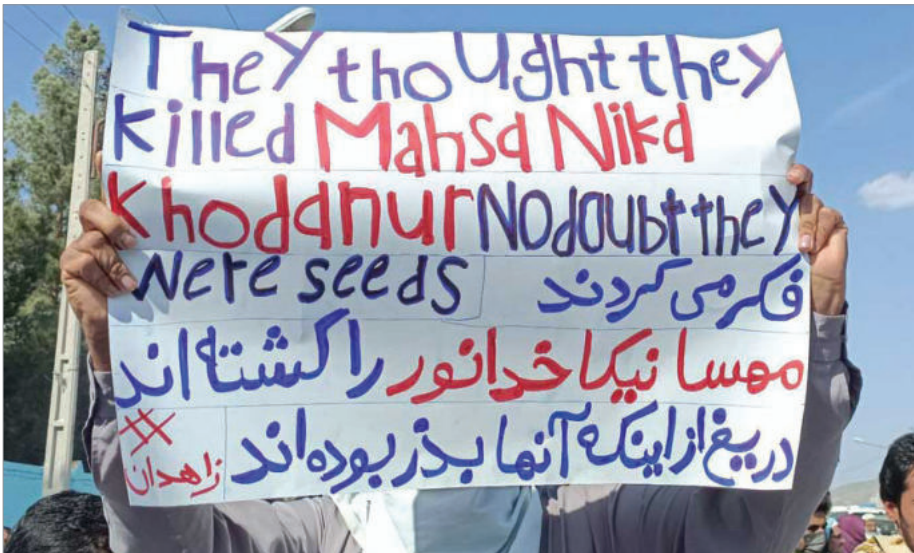
«داده‌های باز ایران» با انتشار نتایج یک پژوهش در مورد تجربه متلک و مزاحمت بدنی اعلام کرده که از هر ۱۰ نفر که در نظرسنجی این سازمان شرکت کردند ۸ نفر متلک شنیده و از هر ۱۰ نفر نیز ۸ نفر با مزاحمت بدنی روبرو شده‌اند. همچنین بیشترین میزان متلک در مکان‌های تجاری، تفریحی و اداری رخ داده است.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افراد کمتر از ۲۰ سال بیشتر در مکان‌های مرتبط با حمل و نقل متلک شنیده‌اند و افراد بالای ۴۰ سال بیشتر در مکان‌های تجاری، اداری و تفریحی.

در حالی که بیشترین میزان مزاحمت بدنی به صورت «دستمالی» یا به اصطلاح «انگولک» صورت می‌گیرد، این مزاحمت بیش از همه در وسایل حمل و نقل و یا ایستگاه‌ها و ترمینال‌های مسافری پیش آمده است.

پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در این فراخوان نظرخواهی نشان می‌دهد که زنان ۳ برابر بیشتر از مردان مخاطب متلک‌های دیگران بوده‌اند. از هر ۴ زن، ۳ نفرشان می‌گویند در معرض این متلک‌ها بوده‌اند حال آنکه از هر ۴ مرد فقط

ادامه اعتراضات در سیستان و بلوچستان؛ تهدید مولانا نقشبندی درباره «فتوای تاریخی» علیه حکومت



بازداشت و ساعتی پس از انتقال به کلانتری ۱۲ منطقه بعثت بر اثر ضرب و شتم به قتل رسید.

یک منبع مطلع به وسایت محلی «حالوش» در سیستان و بلوچستان گفته که «۳ اسفند حوالی ساعت ۴ و نیم عصر دو مامور ابراهیم را از محدوده خیابان کریمپور بازداشت کرده و به کلانتری ۱۲ در منطقه بعثت می برند، تلفن ابراهیم از لحظه بازداشت خاموش می شود و در کلانتری مورد ضرب و جرح قرار می گیرد و فوت می کند، قاضی پرونده شعبه ویژه قتل آقای جهان تیغ و قاضی کشیک و پزشکی قانونی تایید می کنند که ابراهیم بر اثر ضرب و جرح صورت گرفته در داخل کلانتری ۱۲ فوت کرده است.»

این منبع آگاه افزوده که «ساعت پنج و نیم عصر روز گذشته ماموران پزشکی قانونی با حضور در کلانتری ۱۲ و معاینه جسد و مشاهده پاره بودن لباس های ابراهیم تایید می کنند که وی در اثر ضرب و جرح جان خود را از دست داده است.»

بر اساس این گزارش، خانواده ابراهیم از تحویل پیکر وی خودداری کرده اند و هم اکنون در پزشکی قانونی زاهدان است تا بر اساس حکم کالبد شکافی چگونگی جان باختن وی مشخص شود.

ابراهیم ریگی چهار روز پیش از جان باختن با انتشار مطلبی در اینستاگرامش نوشته بود «۸ مهر [جمعه خونین زاهدان] هیچوقت از یاد هیچ ایرانی و بلوچی نخواهد رفت... نمی دانستم که کمک کردن به مجروحین و انتقاد از کشته شدن برادرانمان و خواهرانمان هم گناه است... حتی مرگ حتی اعدام کردن من برای من دیگر مهم نبود...»

او افزوده بود که «عزیزان من، این را بدانید حتی مرگ حتی اعدام کردن من برای من دیگر مهم نبود چون من در این سرزمین بارها از دنیا رفته ام، پیشنهادهای زیادی به من برای خروج از این سرزمین دادند؛ از سراسر دنیا به من پیام دادند اما من شهر خود و مکی را ترک نخواهم کرد.»

روز جمعه هشتم مهرماه ۱۴۰۱ یکی از بزرگترین سرکوبها و کشتار مردم از سوی نیروهای جمهوری اسلامی با مشارکت نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خیابانهای زاهدان رقم خورد که به «جمعه خونین زاهدان» معروف پس از آغاز درگیریهای زاهدان هلی کوپترهای نظامی در آسمان به پرواز درآمدند و شهر وضعیت کاملاً جنگی به خود گرفت. همزمان با این کشتار اینترنت زاهدان و مناطق اطراف آن قطع شد.

زاهدان با خشونت شدید دستگیر می کنند. هنوز آماری از تعداد شهروندان مجروح و بازداشت شده در سرکوب امروز شهر زاهدان منتشر نشده است.

مردم اما تظاهرات گستردهای را در شهر زاهدان برگزار کردند. معترضان شعارهایی از جمله «قسم به خون یاران، ایستاده ایم تا پایان»، «می کشم می کشم آنکه برادرم کشت»، «مرگ بر خامنه ای»، «مرگ بر بسیجی» و «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند.

دفتر مولانا عبدالغفار نقشبندی در هشدار رسمی اعلام کرده است در صورت ادامه سرکوب شهروندان توسط حکومت «فتوای تاریخی» صادر می شود. در این پیام از همه شهروندان استان سیستان و بلوچستان خواسته شده در اعتراضاتی سراسری پس از نماز جمعه شرکت کنند.

در متن فراخوان دفتر مولانا نقشبندی آمده: «محاصره شدید مسجد مکی زاهدان توسط نیروهای سرکوبگر، به اطلاع عموم اهل سنت ایران به ویژه غیورمردان بلوچ می رساند، مسجد مکی هم اکنون در محاصره شدید نیروهای سرکوبگر قرار دارد. سربازان وحشی خامنه ای در حال برخورد شدید و بازداشت انتظامات مسجد مکی زاهدان و مردم هستند.»

این در حالیست که مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی امام جمعه اهل سنت زاهدان در خطبه های نماز جمعه پنجم اسفند ماه ۱۴۰۱ گفت: «ما انتظار داشتیم که عاملان و آمران کشتار جمعه خونین در جلوی ما و مقابل مصالای مکی دزآپ به دار آویخته شوند. عدالت علوی این بود و قصاصی که در قرآن آمده همین است.»

مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی افزوده که «در سیاست اسلامی، اگر استانداری به کسی سیلی بزند به او سیلی زده شود.»

او همچنین خطاب به مقامات جمهوری اسلامی گفته که «حرف مردم و مخالفان را بشنوید و اگر نمی توانید مشکلات مردم را حل کنید کنار بروید و بگذارید کسی که می تواند بیاید و مشکلات را حل کند.»

به نظر می رسد جو سنگین امنیتی امروز در شهر زاهدان به علت کشته شدن یک پزشک جوان در این شهرستان بوده که ساعتی پس از بازداشت بر اثر ضرب و جرح در کلانتری کشته شده است.

ابراهیم ریگی پزشک جوان اهل زاهدان ۲۱ مهر ۱۴۰۱ در ارتباط با درمان معترضان بازداشت و در ۱۱ دیماه با تودیع وثیقه آزاد شده بود. او بار دیگر روز ۳ اسفند ۱۴۰۱

● مأموران جمهوری اسلامی مسجد مکی این شهر را محاصره و تک تیراندازهای حکومتی در ساختمانهای اطراف تجمع مردم، آرایش نظامی گرفتند.

● معترضان شعارهایی از جمله «قسم به خون یاران، ایستاده ایم تا پایان»، «می کشم می کشم آنکه برادرم کشت»، «مرگ بر خامنه ای»، «مرگ بر بسیجی» و «مرگ بر دیکتاتور» سر دادند.

● دفتر مولانا عبدالغفار نقشبندی از همه شهروندان استان سیستان و بلوچستان خواسته در اعتراضات شرکت کنند و هشدار داده در صورت ادامه سرکوب شهروندان توسط حکومت «فتوای تاریخی» صادر می شود.

در بیست و یکمین هفته جمعه های اعتراضی در زاهدان شهروندان پس از نماز جمعه تظاهرات گسترده ضد حکومتی برگزار کردند و در مقابل، نیروهای جمهوری اسلامی جو امنیتی- نظامی سنگینی در شهر حاکم کردند. دفتر مولانا عبدالغفار نقشبندی نیز در هشدار رسمی اعلام کرده در صورت ادامه سرکوب شهروندان توسط حکومت «فتوای تاریخی» صادر می شود.

شهر زاهدان امروز جمعه پنجم اسفندماه در بیست و یکمین هفته از جمعه های اعتراضی این شهرستان با جو امنیتی- نظامی شدید روبرو بود. مأموران جمهوری اسلامی مسجد مکی این شهر را محاصره و تک تیراندازهای حکومتی در ساختمانهای اطراف تجمع مردم آرایش نظامی گرفتند. به گزارش وسایت محلی «حالوش» که خبرهای استان سیستان و بلوچستان را پوشش می دهد در پی جو نظامی سنگین در زاهدان نیروهای سپاه پاسداران قصد ورود و به بیان دیگر حمله به داخل مسجد مکی را داشتند اما انتظامات مسجد در برابر ورود نیروهای سپاه به درون مسجد مقاومت کردند.

همچنین شهروندانی که برای حضور در نماز جمعه قصد ورود به مسجد مکی را داشتند، با ضرب و جرح نیروهای سپاهی و بسیجی روبرو شدند. ویدئوهای منتشر شده از جو نظامی در زاهدان نشان از سرکوب شدید شهروندان توسط نیروهای جمهوری اسلامی و مستقر شدن تک تیراندازهای حکومتی بر پشت بام ساختمانهای خیابانهای منتهی به مسجد مکی که محل تظاهرات و تجمع شهروندان است دارد.

در یکی از ویدئوهای منتشر شده نیروهای حکومتی یک شهروند بلوچ را در خیابان «توحید» نزدیک مسجد مکی



ابراهیم ریگی

سازمان عفو بین‌الملل با تأیید جان باختن ابراهیم ریگی بر اثر «شکنجه» این اقدام را «حمله به حق حیات» خواند

مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرد و فوت می‌کند، قاضی پرونده شعبه ویژه قتل آقای جهان‌تیغ و قاضی کشیک و پزشکی قانونی تأیید می‌کنند که ابراهیم بر اثر ضرب و جرح صورت گرفته در داخل کلانتری ۱۲ فوت کرده است.»

این منبع آگاه افزوده که «ساعت پنج و نیم عصر روز گذشته ماموران پزشکی قانونی با حضور در کلانتری ۱۲ و معاینه جسد و مشاهده پاره بودن لباس‌های ابراهیم تأیید می‌کنند که وی در اثر ضرب و جرح جان خود را از دست داده است.» بر اساس این گزارش، خانواده ابراهیم از تحویل پیکر وی خودداری کرده‌اند و هم‌اکنون در پزشکی قانونی زاهدان است تا بر اساس حکم کالبد شکافی چگونگی جان باختن وی مشخص شود.

وبسایت «همشهری» اما امروز جمعه ۵ اسفند به نقل از علی رحیمی معاون فرمانده نیروی انتظامی استان سیستان و بلوچستان نوشته که تمامی افرادی که ابراهیم ریگی را در اقدام خودسرانه دستگیر کرده بودند برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضائی شدند.

بر اساس گزارش‌ها، دکتر ابراهیم ریگی بعد از حوادث «جمعه خونین زاهدان» به مجروحان کمک می‌کرده و در ماه‌های گذشته معترضان زیادی را درمان کرده بود. پیشتر در ۲۱ مهرماه برخی رسانه‌ها گزارش داده بودند که دکتر ابراهیم ریگی که در بیمارستان تأمین اجتماعی شهر زاهدان کار می‌کرد، توسط مأموران انتظامی بازداشت شد.

کمپین فعالان بلوچ به نقل از یکی از نزدیکان ابراهیم ریگی، اتهامات انتسابی علیه او را «محاربه، افساد فی‌الارض و لیدری اعتراضات» عنوان کرده بود. در نهایت او در دی‌ماه با سپردن وثیقه آزاد شد.

ابراهیم ریگی چهار روز پیش از جان باختن با انتشار مطلبی در اینستاگرامش نوشته بود «۸ مهر [جمعه خونین زاهدان] هیچوقت از یاد هیچ ایرانی و بلوچی نخواهد رفت... نمی‌دانستم که کمک کردن به مجروحین و انتقاد از کشته شدن برادرانمان و خواهرانمان هم گناه است... حتی مرگ حتی اعدام کردن من برای من دیگر مهم نبود...»

جوان از جمله «مرگ بر اثر حمله قلبی» را مطرح کردند. سازمان عفو بین‌الملل به نقل از یک منبع آگاه نوشته که ارزیابی اولیه پزشکی قانونی نشان داده که «ضرب و شتم دلیل مرگ ابراهیم ریگی» بوده است و پس از خودداری خانواده از خاکسپاری این جوان جانباخته، مقامات جمهوری اسلامی روز جمعه پنجم اسفندماه ناچار به موافقت با کالبدشکافی او شدند.

سازمان عفو بین‌الملل به نقل از این منبع آگاه گفته که «ابراهیم ریگی یک ساعت پس از بازداشت به دست نیروهای امنیتی لباس شخصی در محل کلانتری» کشته شده است. وی به عفو بین‌الملل گفت که «ابراهیم پس از بازداشت در خیابان، مورد ضرب و شتم» قرار گرفت و ارزیابی اولیه پزشکی قانونی از معاینه پیکر او نیز به ضرب و جرح‌های بعدی حین بازداشت در کلانتری اشاره دارد.

وبسایت محلی «حال‌وش» در سیستان و بلوچستان نیز شامگاه جمعه پنجم اسفندماه خبر داد که پیکر ابراهیم ریگی پس از انجام کالبدشکافی در روز جمعه، بعد از ظهر همان روز در آرامستان «محمد رسول‌الله» به خاک سپرده شده است. در این گزارش تأکید شده که آثار ضرب و جرح و کبودی‌های بسیاری بر جسم این پزشک جوان بوده است. همچنین گفته شده که نتیجه تحقیقات کالبدشکافی که توسط تیم پزشکی قانونی صورت گرفته ۵ ماه دیگر به اطلاع خانواده خواهد رسید.

دکتر ابراهیم ریگی پزشک ۲۴ ساله در زاهدان و از فعالان جنبش اعتراضی روز ۳ اسفند ۱۴۰۱ بازداشت و ساعتی پس از انتقال به کلانتری ۱۲ منطقه بعثت بر اثر ضرب و شتم به قتل رسید. او پیشتر در ۲۱ مهر ۱۴۰۱ به دلیل فعالیت در درمان معترضان بازداشت و در ۱۱ دی‌ماه با تودیع وثیقه آزاد شده بود. یک منبع مطلع به وبسایت محلی «حال‌وش» در سیستان و بلوچستان گفته که «۳ اسفند حوالی ساعت ۴ و نیم عصر دو مامور ابراهیم را از محدوده خیابان کریم‌پور بازداشت کرده و به کلانتری ۱۲ در منطقه بعثت می‌برند، تلفن ابراهیم از لحظه بازداشت خاموش می‌شود و در کلانتری

در بیانیه عفو بین‌الملل با تأکید بر اینکه قتل ابراهیم ریگی «حمله به حق حیات» او بوده، آمده که «همه کسانی که مظنون به نقش داشتن در شکنجه و مرگ ابراهیم ریگی» حین بازداشت او هستند «باید مورد تحقیقات جنایی قرار گرفته و در یک دادرسی عادلانه محاکمه شوند.»

پیکر ابراهیم ریگی پس از انجام کالبدشکافی در روز جمعه، بعد از ظهر همان روز در آرامستان «محمد رسول‌الله» به خاک سپرده شد. نتیجه کالبدشکافی اما پنج ماه بعد به خانواده اعلام خواهد شد.

دکتر ابراهیم ریگی پزشک ۲۴ ساله در زاهدان و از فعالان جنبش اعتراضی روز ۳ اسفند ۱۴۰۱ بازداشت و ساعتی پس از انتقال به کلانتری ۱۲ منطقه «بعثت» بر اثر ضرب و جرح جان باخت.

سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ای اعلام کرده با استناد به اطلاعات و مدارکی که به دست این سازمان رسیده ابراهیم ریگی پزشک جوان اهل زاهدان بر اثر شکنجه و ضرب و جرح در کلانتری جان باخته است.

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده، اطلاعات و اسنادی در اختیار دارد که نشان می‌دهد ابراهیم ریگی، بر اثر «ضرب و جرح» هنگام بازداشت و «شکنجه» در کلانتری زاهدان، توسط اشرار رژیم به قتل رسیده و این نشان‌دهنده «حمله وحشتناک مقام‌های جمهوری اسلامی به حق زندگی» است.

در بیانیه عفو بین‌الملل با تأکید بر اینکه قتل ابراهیم ریگی «حمله به حق حیات» او بوده، آمده که «همه کسانی که مظنون به نقش داشتن در شکنجه و مرگ ابراهیم ریگی» حین بازداشت او هستند «باید مورد تحقیقات جنایی قرار گرفته و در یک دادرسی عادلانه محاکمه شوند.»

در بیانیه عفو بین‌الملل آمده که مقامات حکومت سعی کرده‌اند خانواده ابراهیم ریگی را تحت فشار قرار دهند تا پیکر او را بدون کالبدشکافی دفن کنند. این بیانیه تأکید کرده که مقامات جمهوری اسلامی برای فرار از مسئولیت اطلاعات ضد و نقیضی در مورد نحوه جان باختن این پزشک

را «اشرار مسلح» خواندند و گفتند که آنها همانهایی بودند که هنگام خروج نمازگزاران از صلا به سمت‌شان تیراندازی کردند و قصد تصرف کلانتری را داشتند. انتشار ویدئوهای این درگیری اما ادعای مقامات جمهوری اسلامی را رد کرد و مشخص شد مردم بی‌دفاع از مردان تا پسر بی‌چهارپا پس از خروج از مسجد با رگبار نیروهای حکومتی روبرو شدند.

بودند که بعد از نماز جمعه به سمت کلانتری ۱۶ زاهدان حمله‌ور شده و مقرّ انتظامی را مورد تعرض قرار دادند. او مدعی شده این درگیری ۱۹ کشته و ۲۰ زخمی داشته است اما منابع غیررسمی تعداد کشته‌شدگان را نزدیک ۴۰ نفر گزارش دادند. فرمانده نیروی انتظامی و فرماندار زاهدان نیز معترضان

تیراندازی نیروهای حکومت به معترضان خشم آنها را بیش از پیش برانگیخت و درگیری را تشدید کرد. مردم سه کلانتری و پایگاه سپاه پاسداران و چند ماشین نیروی انتظامی را به آتش کشیدند.

استاندار سیستان و بلوچستان مدعی شد آنهايي که کشته و زخمی شدند «افراد ناشناس و تجزیه‌طلب و تروریست‌هایی

تجمع سراسری بازنشستگان در چند شهر ایران: رئیی بی‌عرضه، برگرد برو تو حوزه!



نمیکند که ۱۵ ساله باشند و یا ۷۰ ساله. « این بازنشسته معترض افزوده که «مترو بهارستان را تعطیل و مسافران رابه خارج از مترو هدایت!!! میکردند و بیرون از مترو هرکس را که مشکوک به بازنشسته بود مورد بازخواست قرار می‌دادند. با وقاحت تمام مردم را هل میدادند که بارها باعث زمین خوردن بازنشستگان شد. لحنشان بسیار توهین آمیز و توأم با فحاشی بود. اگر کسی مقاومت میکرد فوراً دستور بازداشت داده و سوار ون می‌کردند. امروز برای بازنشستگان تجربه دیگری رقم خورد. تجربه ای که حاوی پیام ترس حکومت از تجمعات اعتراضی بخصوص در تهران است.»

شورای بازنشستگان ایران همچنین با صدور بیانیه‌ای با محکومیت حمله به بازنشستگان در تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی نوشته که «تجمع معیشتی و مسالمت آمیز بازنشستگان بمنظور پیگیری حقوق پایمال شده شان در مقابل مجلس که ادعای خانه ملت را یدک می‌کشد، خط بطلان بر هر ادعای پوچ و بی اساس مسئولینی ست که در تریبون ها عنوان میکنند که تجمعات مسالمت آمیز آزاد است. یورش به بازنشستگان برای پیگیری و دستیابی به مطالباتی که از طرف قوانین خود حکومت زیر پا گذاشته شده نشان میدهد که حکومت هیچ زبان مدنی و مسالمت آمیز را نمی‌شنود.»

این بیانیه افزوده که «شورای بازنشستگان ایران ضمن محکوم نمودن این یورش سبعانه، خواهان آزادی فوری بازداشت شدگان می‌باشد و حکومت باید بداند علیرغم این سرکوب‌ها، بازنشستگان معترض و خشمگین برای دستیابی به مطالبات و احقاق حقوقشان هیچگاه در مقابل ظلم و ستم و تورم روزافزون، ساکت نخواهند نشست.»

برگرد برو تو حوزه»، «گرانی تورم بلای جان مردم»، «همسان‌سازی حق مسلم ماست»، «دولت بی‌کفایت، استعفا، استعفا»، «رئیی دروغگو، وعده‌ی پرجمت کو» از شعارهای بازنشستگان در تجمع امروز بود.

بر اساس ویدئوها و تصاویر منتشر شده اهواز، شهرکرد، تهران، شیراز، اراک، سنندج، کرمانشاه، رشت و اصفهان از جمله شهرهایی بودند که شاهد تجمع سراسری بازنشستگان بود.

در تهران اما تجمع بازنشستگان قرار بود مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار شود که با یورش نیروهای حکومتی، آرایش نظامی و بازداشت گسترده بازنشستگان این تجمع متوقف شد.

کانال تلگرامی «تشکل صنفی معلمان» درباره تجمع بازنشستگان مقابل مجلس شورای اسلامی گزارش داده که «امروز نهم اسفند بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و لشکری و بازنشستگان سایر صندوق‌ها طبق قرار قبلی از ساعت ۱۰ صبح به قصد تجمع اعتراضی و فریاد علیه مطالبات بر زمین مانده، جلوی مجلس آمده اما محل پیشتر توسط نیروهای سرکوبگر اشغال و نه تنها جلوی مجلس و اطراف آنرا قرق کرده و بشدت از تجمع جلوگیری کردند بلکه با کنترل خروجی های مترو، تعدادی از بازنشستگان را نیز دستگیر کردند.»

کانال تلگرامی «شورای بازنشستگان ایران» به نقل از یکی از شرکت‌کنندگان در تجمع امروز نوشته که «حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر نیروی امنیتی با انواع و اقسام ادوات سرکوب از داخل مترو تا جلوی مجلس را قرق کرده بودند. تعداد ماموران امنیتی زن هم به نسبت همیشه بیشتر بود و این امر نشان دهنده تفرشان از زنان معترض است فرق هم

● تجمع بازنشستگان قرار بود مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار شود که با یورش نیروهای حکومتی، آرایش نظامی و بازداشت گسترده بازنشستگان این تجمع متوقف شد.

● «هزینه‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه»، «گرانی تورم بلای جان مردم»، «همسان‌سازی حق مسلم ماست»، «دولت بی‌کفایت، استعفا، استعفا» و «رئیی دروغگو، وعده‌ی پرجمت کو» از شعارهای بازنشستگان در تجمع امروز بود.

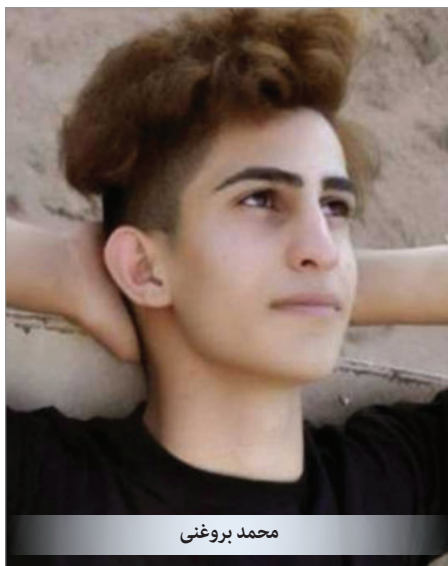
● علی‌اکبر عیوضی: همواره دولت‌ها به صندوق تأمین اجتماعی به مثابه جیب ذخیره یا قلک روز مبادای خود نگاه کرده‌اند. آنها دست در جیب صندوق بازنشسته‌ها کرده و به نوعی هرکدام صندوق‌ها را ضعیف کردند.

هزاران نفر از بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی امروز سه‌شنبه نهم اسفندماه در شهرهای مختلف ایران تجمع کردند. تجمع بازنشستگان مقابل مجلس شورای اسلامی در تهران با صف‌آرایی نظامی مأموران حکومتی و بازداشت شماری از بازنشستگان توسط نهادهای امنیتی روبرو شد. بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی امروز سه‌شنبه نهم اسفندماه در اعتراض به عدم افزایش متناسب و عادلانه حقوق و وضعیت نامناسب معیشتی و بی‌تفاوتی مسئولان به مشکلاتشان در شهرهای مختلف ایران به طور همزمان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بازنشستگان در شهرهای مختلف با حضور مقابل سازمان تأمین اجتماعی یا استانداری شعارهایی علیه حکومت سر داده و خواهان رسیدگی هر چه سرعتی مقامات به مشکلاتشان شدند.

«هزینه‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه»، «رئیی بی‌عرضه،

محمد بروغنی؛ از «رویای آزادی» تا «بیم اعدام»



محمد بروغنی

خود می‌گویم که خدا محمد مرا حفظ می‌کند. او افزوده که «سری اول که گفتند حکم محاربه و اعدام پسر من صادر شده، مادرش حالش خیلی خراب شد. چرا دروغ بگم، مجبور شدیم به بیمارستان ببریمش... همیشه استرس داشت، مادرش استرسی است. رنگ این زن، شده بود گچ، انگار روح در بدن نداشت... [بغض می‌کند]. بعد از صدور حکم اعدام هم مادرش، هم من، هم خواهرش توکل به خدا کرده و جوانان را از خدا طلب می‌کنیم. آگه این پسر اعدام بشه...»

به گفته حسین بروغنی «محمد از کودکی وقتی فهمید که باید روی پای خودش بایستد، می‌رفت کفایش تا دو سال قبل که ۱۷ ساله شد، کفایش می‌کرد. سه ماه تعطیلی را محمد سر کار بود. پسر هیچ‌وقت بیکار نبود. پسر رویای پیشرفت داشت و می‌خواست زندگی خوبی برای خودش و خانواده‌اش بسازد.»

حسین بروغنی در این گفتگو توضیح داده که «من کارگر ضایعات آهن هستم. ضایعات مردم را جمع می‌کنم و شکر خدا می‌کنم. روزی من از این طریق می‌گذرد. محمد هم از بچگی‌اش کارگری می‌کرد، از ۷ سالگی در کفایش کار می‌کرد. این حرفه را کامل یاد گرفت. کفایش ماهری شد.» محمد بروغنی در جریان اعتراضات سراسری بازداشت شد و روز ۲۵ آبان دادگاهی به ریاست قاضی صلواتی او را به اتهام «آتش زدن فرمانداری پاکدشت و حمله منجر به جراحت به مأمور دولت» به «محاربه» متهم و برای او مجازات اعدام تعیین کرد.

محمد بروغنی در یکی از شتابزده‌ترین دادگاه‌های معتضان اخیر، طی یک جلسه دادگاه در هفتم آبان به اعدام محکوم شد. محمد قبادلو، سامان صیدی، محسن رضازاده قراقلو، سعید شیرازی و ابوالفضل مهری حسین حاجی‌لو دیگر متهمان این پرونده بودند.

این دادگاه در حالی برگزار شد که محمد بروغنی حق برخورداری از وکیل انتخابی (تعیینی) را نداشت و در دادگاه نیز اجازه پیدا نکرد از خود دفاع کند. شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی این جوان متولد ۱۳۸۲ برای این اتهامات انتسابی به جرم «محاربه» به اعدام محکوم کرد.

● امیر هاشمی مدیر روابط عمومی دیوان عالی کشور روز چهارشنبه دوم اسفند از پذیرش درخواست فرجام‌خواهی محمد بروغنی خبر داد.

● حسین بروغنی: پسر من وقتی با خبر شد، گفت بابا حکم اعدام من صادر شده... بابا جان دلم روشنه، با خودم می‌گویم که خدا محمد مرا حفظ می‌کند.

● محمد بروغنی حق برخورداری از وکیل انتخابی (تعیینی) را نداشت و در دادگاه نیز اجازه پیدا نکرد از خود دفاع کند.

دیوان عالی کشور با درخواست فرجام‌خواهی محمد بروغنی موافقت کرده است. محمد بروغنی معترض ۱۹ ساله که در جریان جنبش اعتراضی بازداشت و در روندی غیرقانونی در دادگاه به «اعدام» محکوم شد. پدرش می‌گوید «می‌دانم در زندان رویای آزادی می‌بیند.»

امیر هاشمی مدیر روابط عمومی دیوان عالی کشور روز چهارشنبه دوم اسفند از پذیرش درخواست فرجام‌خواهی محمد بروغنی خبر داد.

امیر هاشمی در حساب توئیتری خود نوشت: «درخواست اعاده دادرسی محمد بروغنی یکی از متهمان اغتشاشات اخیر، نسبت به رأی صادره از دادگاه انقلاب، در انطباق با بند چ ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری در دیوان عالی کشور تجویز و پرونده جهت رسیدگی به شعبه هم‌عرض دادگاه صادرکننده رأی ارجاع شد.»

دی‌ماه امسال خرابی‌های غیررسمی درباره احتمال اجرای حکم اعدام محمد بروغنی منتشر شد اما دیوان عالی کشور روز چهارشنبه ۲۱ دی اعلام کرده بود که «تقاضای اعاده دادرسی متهم «محمد بروغنی» نسبت به رأی صادره دادگاه انقلاب در اجرای ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری در دیوان عالی کشور ثبت و اصول پرونده محاکماتی نامبرده جهت رسیدگی مجدد و بررسی تقاضای ثبت شده توسط وکیل وی از دادگاه مربوطه مطالبه شده است. در اجرای تبصره ذیل ماده ۴۷۸ قانون مذکور، قرار توقف اجرای حکم اعدام تا حصول نتیجه از دیوان عالی کشور صادر شده است.» دیوان عالی کشور تأکید کرده بود که محمد بروغنی به محاربه از طریق کشیدن سلاح سرد قمه و حمله به همراه اوپاش به فرمانداری پاکدشت و به آتش کشیدن فرمانداری پاکدشت و حمله به مأمور دولت حین انجام وظیفه و مجروح شدن وی متهم بود که حکم صادره برای وی از سوی دادگاه اعدام اعلام شده بود.

حسین بروغنی پدر محمد بروغنی همزمان با پذیرش درخواست فرجام‌خواهی فرزندش از سوی دیوان عالی کشور در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» چاپ تهران گفته که «محمد همیشه رویاپردازی می‌کرد. همیشه رویا می‌دید و شرایط را برای خودش بهتر می‌کرد. وقتی تو مدرسه هم بود، معلمانش می‌گفتند، محمد رویاپردازی می‌کند. می‌گفتند این پسر انگار در این دنیا نیست، واسه خودش (رویا) می‌بافد و می‌دوزد. الان هم می‌دانم در زندان رویای آزادی می‌بیند.»

او گفته حکم اعدام نخستین‌بار به فرزندش در زندان ابلاغ شده است: «اول دادگاه محمد زیر نظر قاضی [صلواتی] برگزار شد، بعد به خودش اعلام کردند. پسر من وقتی با خبر شد، گفت بابا حکم اعدام من صادر شده. وقتی حکم اعلام شد به ما استرس که زیاد داشتم، چرا دروغ بگویم؟ مگر می‌شود، کسی حکم اعدام تنها پسرش را بشود و حال عادی داشته باشد. اما (سکوت می‌کند)... بابا جان دلم روشنه، با

تجمع امروز بازنشستگان با فراخوانی از سوی تشکلهای صنفی بازنشستگان برگزار شد. در فراخوان تشکلهای بازنشستگان تأمین اجتماعی آمده بود «با توجه به عدم اجرای وعده‌های داده شده و فریبکاری مجلس و دولت در مورد حقوق بازنشستگان و بیش از یکسال اذیت و آزار روحی و روانی و زندانی کردن‌ها، تجمع بزرگ بازنشستگان سراسر کشور برگزار می‌شود.»

این فراخوان به سرعت مورد حمایت دیگر تشکلهای صنفی آموزگاران، سندیکای کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، شرکت واحد اتوبوسرانی و اتحادیه آزاد کارگران قرار گرفت.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز در بیانیه‌ای نوشت: «در روزهایی که تورم به صورت روزانه در حال رشد بوده و شاهد افزایش نرخ همه کالاها و خدمات به صورت روزانه هستیم و از طرف دیگر مسئولان اقتصادی کشور قادر به کنترل تورم افسار گسیخته نیستند. این شرایط باعث کاهش قدرت خرید برای اکثریت مردم شریف شده و ادامه زندگی حداقلی را برای قشر بازنشسته بسیار دشوار نموده ضمناً وعده «همسان‌سازی حقوق بازنشستگان» هم به بوته فراموش سپرده شده است.»

مهمترین خواسته بازنشستگان تأمین اجتماعی افزایش دستمزدها و اجرای طرح همسان‌سازی حقوق است. سازمان تأمین اجتماعی اما منابع کافی برای افزایش حقوق‌ها ندارد و علت آن را طلب بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی از دولت عنوان می‌کند. علی‌اکبر عیوضی دبیر کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی استان تهران در اینباره گفته که «همواره دولت‌ها به صندوق تأمین اجتماعی به مثابه جیب ذخیره یا قلک روز مبادای خود نگاه کرده‌اند. آنها دست در جیب صندوق بازنشسته‌ها کرده و به نوعی هرکدام صندوق‌ها را ضعیف کردند. سوال اصلی این است که چرا سازمان تأمین اجتماعی باید بعد از ۵۵ سال عمر، تنها در دهه اخیر دچار مشکل کسری بودجه شود و کار به جایی برسد که صندوق در معرض خطر ورشکستگی قرار گیرد؟»

او همچنین گفته دولت و مجلس شورای اسلامی بیمه شدن شمار زیادی که مشمول قانون کار نبودند را به سازمان تأمین اجتماعی تحمیل کرده اما در مقابل حق بیمه آنها که اکنون به رقم ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده به سازمان پرداخت نشده است: «هم دولتی‌ها و هم نمایندگان مجلسی که می‌خواستند رای بیشتری کسب کنند، شعارهای خاصی را مطرح کردند و در نهایت ۲۶ گروه بیمه شده در سازمان تأمین اجتماعی با مصوبه دولت و مجلس به لیست بیمه‌شدگان سازمان اضافه شدند که مشمول قانون کار نیستند. بیمه این ۲۶ گروه با قوانینی از سوی مجلس به دولت سپرده شد و تعهدات جدید برای قوه مجریه ایجاد شد. مشکل اما این بود که دولت هیچ وقت این تعهدات را انجام نداد و این ۵۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی به روز نشده ریالی به سازمان تأمین اجتماعی از سوی دولت، محصول همین عدم انجام تعهدات نسبت به این ۲۶ گروه است که دولت در حقیقت کارفرمای بیمه‌کننده آن‌ها است.»

علی‌اکبر عیوضی با بیان اینکه «بی‌تدبیری باعث شده بعد از نیم قرن سازمان تأمین اجتماعی به جایی رسیده که نمی‌تواند حقوق بازنشستگان خود را بدهد» گفت: «علت عدم پرداخت تسهیلات وام بازنشستگان، عدم پرداخت عیدی مناسب برای بازنشستگان، دیرکرد در پرداخت حقوق برای بازنشستگان تأمین اجتماعی و عدم امکان اجرای قانون الزام درمان، دقیقاً همه جزء مشکلاتی است که به صندوق سازمان تأمین اجتماعی از سوی دولت و مجلس تحمیل شده است. این بحران هر روز نیز بیشتر می‌شود.»

جان باختن پزشک جوان اهل زاهدان ساعتی پس از بازداشت؛ نیروی انتظامی انکار کرد!

● ابراهیم ریگی پزشک ۲۱ مهر ۱۴۰۱ در ارتباط با درمان معترضان بازداشت و در ۱۱ دی ماه با وثیقه آزاد شده بود. او بار دیگر روز ۳ اسفند ۱۴۰۱ بازداشت شد و ساعتی پس از انتقال به کلانتری ۱۲ منطقه «بعثت» بر اثر ضرب و جرح به قتل رسید.

● خانواده ابراهیم از تحویل پیکر وی خودداری کرده و هم‌اکنون در پزشکی قانونی زاهدان است تا بر اساس حکم کالبد شکافی چگونگی جان باختن وی مشخص شود.

دکتر ابراهیم ریگی پزشک ۲۴ ساله در زاهدان و از فعالان جنبش اعتراضی پس از بازداشت بر اثر ضرب و جرح جان باخت. جمهوری اسلامی در پی انکار قتل حکومتی این پزشک جوان است و در حالی که از یکسو خانواده او را برای عدم پیگیری پرونده زیر فشار قرار داده‌اند از سوی دیگر علت درگذشت او را «اقدام خودسرانه» عنوان کرده‌اند.

علی رحیمی معاون فرمانده نیروی انتظامی استان سیستان و بلوچستان روز پنجشنبه چهارم اسفند تأیید کرد که ابراهیم ریگی شامگاه چهارشنبه به دست «چند نفر با یک دستگاه خودرو تویوتا هایلوکس» دستگیر و به کلانتری ۱۲ شهرستان زاهدان برده شده است.

این مقام نیروی انتظامی اضافه کرد که حکم جلب ابراهیم ریگی «به علت اختلافات خانوادگی از سوی مقام قضایی قبلاً صادر شده» بود، اما او نه به دست پلیس، بلکه به دست شاکبان دستگیر شده است.

علی رحیمی گفته که بازداشت ابراهیم ریگی «اقدامی خودسرانه» و «بدون حضور مأموران انتظامی» بوده اما توضیح نداده چطور این پزشک جوان به کلانتری منتقل و آنجا جان باخته است!

ابراهیم ریگی پزشک جوان اهل زاهدان ۲۱ مهر ۱۴۰۱ در ارتباط با درمان معترضان بازداشت و در ۱۱ دی ماه با تودیع وثیقه آزاد شده بود. او بار دیگر روز ۳ اسفند ۱۴۰۱ بازداشت و ساعتی پس از انتقال به کلانتری ۱۲ منطقه بعثت بر اثر ضرب و شتم به قتل رسید.

یک منبع مطلع به وبسایت محلی «حال‌وش» در سیستان و بلوچستان گفته که «۳ اسفند حوالی ساعت ۴ و نیم عصر دو مامور ابراهیم را از محدوده خیابان کریم‌پور بازداشت کرده و به کلانتری ۱۲ در منطقه بعثت می‌برند، تلفن ابراهیم از لحظه بازداشت خاموش می‌شود و در کلانتری مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرد و فوت می‌کند، قاضی پرونده شعبه ویژه قتل آقای جهان‌تیغ و قاضی کشیک و پزشکی قانونی تأیید می‌کنند که ابراهیم بر اثر ضرب و جرح صورت گرفته در داخل کلانتری ۱۲ فوت کرده است.»

این منبع آگاه افزوده که «ساعت پنج و نیم عصر روز گذشته ماموران پزشکی قانونی با حضور در کلانتری ۱۲ و معاینه جسد و مشاهده پاره بودن لباس‌های ابراهیم تأیید می‌کنند که وی در اثر ضرب و جرح جان خود را از دست داده است.»

بر اساس این گزارش، خانواده ابراهیم از تحویل پیکر وی خودداری کرده‌اند و هم‌اکنون در پزشکی قانونی زاهدان است تا بر اساس حکم کالبد شکافی چگونگی جان باختن وی مشخص شود.

وبسایت «همشهری» اما امروز جمعه ۵ اسفند به نقل از علی رحیمی معاون فرمانده نیروی انتظامی استان سیستان



ابراهیم ریگی

و بلوچستان نوشته که تمامی افرادی که ابراهیم ریگی را در اقدام خودسرانه دستگیر کرده بودند برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضائی شدند.

بر اساس گزارش‌ها، دکتر ابراهیم ریگی بعد از حوادث «جمعه خونین زاهدان» به مجروحان کمک می‌کرده و در ماه‌های گذشته معترضان زیادی را درمان کرده بود. پیشتر در ۲۱ مهرماه برخی رسانه‌ها گزارش داده بودند که دکتر ابراهیم ریگی که در بیمارستان تأمین اجتماعی شهر زاهدان کار می‌کرد، توسط مأموران انتظامی بازداشت شد.

کمپین فعالان بلوچ به نقل از یکی از نزدیکان ابراهیم ریگی، اتهامات انتسابی علیه او را «محاربه، افساد فی‌الارض و لیدری اعتراضات» عنوان کرده بود. در نهایت او در دی‌ماه با سپردن وثیقه آزاد شد.

ابراهیم ریگی چهار روز پیش از جان باختن با انتشار مطلبی در اینستاگرامش نوشته بود «۸ مهر [جمعه خونین زاهدان] هیچوقت از یاد هیچ ایرانی و بلوچی نخواهد رفت... نمی‌دانستم که کمک کردن به مجروحین و انتقاد از کشته شدن برادرانم و خواهرانم هم گناه است... حتی مرگ حتی اعدام کردن من برای من دیگر مهم نبود...»

او افزوده بود که «عزیزان من، این را بدانید حتی مرگ حتی اعدام کردن من برای من دیگر مهم نبود چون من در این سرزمین بارها از دنیا رفته‌ام. پیشنهادهای زیادی به من برای خروج از این سرزمین دادند؛ از سراسر دنیا به من پیام دادند اما من شهر خود و مکی را ترک نخواهم کرد.»

اعتراضات مردم در استان سیستان و بلوچستان از هفته سوم شهریور و در پی انتشار خبر تجاوز ابراهیم کوچک‌زایی فرمانده انتظامی شهرستان چابهار به یک دختر ۱۵ ساله آغاز شد. این اعتراضات با اعتراضات سراسری به قتل حکومتی مهسا امینی پیوند خورد و استان سیستان و بلوچستان را به یکی از پایگاه‌های مهم جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد.

بر اساس گزارش‌ها، ابراهیم کوچک‌زایی روز ۱۰ شهریور امسال به بهانه بازجویی از این دختر که اهل شهر دشتیاری از توابع چابهار است، او را به اتاق استراحت خود در محل کار برد و به او «تجاوز» کرد.

چند روز پس از آغاز اعتراضات در استان سیستان و بلوچستان و در روز جمعه هشتم مهرماه ۱۴۰۱ یکی از بزرگترین سرکوب‌ها و کشتار مردم از سوی نیروهای جمهوری اسلامی با مشارکت نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خیابان‌های زاهدان رقم خورد که به «جمعه خونین زاهدان» معروف شد.

نمازگزاران پس از نماز جمعه در تجمع اعتراضی علیه قتل حکومتی مهسا امینی و همچنین اعتراض علیه تجاوز به دختر ۱۵ ساله چابهار مورد حمله نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفتند. پس از آغاز درگیری‌های زاهدان هلی‌کوپترهای نظامی در آسمان به پرواز درآمدند و شهر وضعیت کاملاً جنگی به خود گرفت. همزمان با این کشتار اینترنت زاهدان و مناطق اطراف آن قطع شد.

تیراندازی نیروهای حکومت به معترضان خشم آنها را بیش از پیش برانگیخت و درگیری را تشدید کرد. مردم سه کلانتری و پایگاه سپاه پاسداران و چند ماشین نیروی انتظامی را به آتش کشیدند.

استاندار سیستان و بلوچستان مدعی شد آنها بی‌گناه کشته و زخمی شدند «افراد ناشناس و تجزیه‌طلب و تروریست‌هایی بودند که بعد از نماز جمعه به سمت کلانتری ۱۶ زاهدان حمله‌ور شده و مقر انتظامی را مورد تعرض قرار دادند.» او مدعی شده این درگیری ۱۹ کشته و ۲۰ زخمی داشته است اما منابع غیررسمی تعداد کشته‌شدگان را نزدیک ۴۰ نفر گزارش دادند.

فرمانده نیروی انتظامی و فرماندار زاهدان نیز معترضان را «اشرار مسلح» خواندند و گفتند که آنها همانهایی بودند که هنگام خروج نمازگزاران از مصلی به سمت‌شان تیراندازی کردند و قصد تصرف کلانتری را داشتند. انتشار ویدئوهای این درگیری اما ادعای مقامات جمهوری اسلامی را رد کرد و مشخص شد مردم بی‌دفاع از مردان تا پسر بچه‌ها پس از خروج از مسجد با رگبار نیروهای حکومتی روبرو شدند.

افزایش نجومی قیمت اتومبیل؛ استیضاح فاطمی امین بار دیگر مطرح شد

گرفتار کردند.»

به گفته این نماینده مجلس، «بازار اتومبیل سامان نمی‌گیرد، چون عرضه با تقاضا همخوانی ندارد. وزیر باید به سمت تنظیم عرضه با تقاضا برود، ولی مسیری که ایشان می‌رود، عرضه و تقاضا را تنظیم نمی‌کند و این به گرانی و بی‌کیفیتی خودرو دامن می‌زند.»

نماینده قزوین در مجلس شورای اسلامی افزوده که «من دومین استیضاح وزیر صمت را در کارتابل گذاشته‌ام. از این رو، از همکارانم می‌خواهم جهت احقاق حقوق مردم، گرانی بی‌رویه، عدم درک درست و عدم حل مسئله در وزارت صمت استیضاح وزیر را امضا کنند. متأسفانه وزیر صمت، توانایی کافی را ندارد. قبل از این تحرکی که من و برخی از همکاران در پیش گرفتیم، از دولت می‌خواهم که وزیر صمت را عوض کند تا کار به استیضاح و بازخواست نکشد.» یکی از راهکارها برای ساماندهی به بازار اتومبیل در ایران خروج این بازار از انحصار با صدور مجوز واردات اتومبیل بود. این طرح هم اما با فراز و نشیب بسیار روبرو و حالا به کنار دیگر طرح‌های امنیتی در جمهوری اسلامی رفته و اطلاعات آن قرار است «محرمانه» باشد. مقامات وزارت صمت هفته گذشته از ورود خبرنگاران به جلسه‌ای که درباره این طرح برگزار شد جلوگیری کردند!

بر اساس این طرح، متقاضیانی که قصد خرید اتومبیل را دارند، باید ۵۰۰ میلیون تومان برای شرکت در این طرح پیش‌فروش در حساب خود بلوکه کنند. نکته جالب در واریز ۵۰۰ میلیون تومان در حساب وکالتی، این است که هنوز تعداد، مدل و حتی قیمت اتومبیل‌های وارداتی مشخص نیست. درواقع مردم باید برای خرید یک اتومبیل در این طرح شرکت کنند که حتی ورود آن به کشور قطعی نشده است.

حال سازمان تعزیرات وارد قضیه پیش‌فروش اتومبیل‌های وارداتی شده و معتقد است این روش فروش مشکلات قانونی دارد. سید احد یوزباشی مدیرکل حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی در گفتگوی خبری گفت: «قرارداد خرید اتومبیل‌های وارداتی دارای مشکل حقوقی است. در ابتدا باید قیمت قطعی اتومبیل‌های وارداتی از قبل مشخص باشد و معلوم شود چه خودرویی و با چه کیفیتی قرار است به مردم فروخته شود.»

امید قالیباف سخنگوی وزارت صمت نیز در توضیحاتی گفته که «به دلیل مقتضیات تحریم‌ها نمی‌توان همه اطلاعات را به صورت شفاف اطلاع‌رسانی کرد. اما متقاضیان اطمینان داشته باشند که در زمان ثبت‌نام اصلی همه اطلاعات در اختیارشان قرار خواهد گرفت. ضمن این که اکنون عرضه دو مدل خودرو چانگان قطعی شده است.»

کارشناسان معتقدند پیش‌فروش این اتومبیل‌ها، آن هم با شرایط جدیدی که باید ۵۰۰ میلیون تومان برای شرکت در این طرح بلوکه شود، بسیار نادرست است و ممکن است تجربه تلخ سال ۹۷ برای مردم و مسئولان تکرار شود.

سال ۱۳۹۷ بود که شرکت‌های واردکننده اتومبیل اقدام به پیش‌فروش اتومبیل‌های وارداتی خود کردند. اما در تصمیمی ناگهانی، دولت واردات اتومبیل به کشور را ممنوع اعلام کرد و عملاً خریداران اتومبیل‌های وارداتی طی یک شب ضرر بسیار کردند. البته باید به این نکته هم اشاره کرد که هنوز پرونده سال ۹۷ خاتمه نیافته و برخی در این ارتباط همچنان در زندان هستند!



هستند و برای حفظ ظاهر چراغ کارخانه‌ها را روشن نگه داشته‌اند، اما وزارت صمت نسبت به این قضیه کاملاً منفعل عمل می‌کند و با دستور افزایش تولید به خودروسازان تولید زیان‌ده را به بیش از ۱۰۰ درصد رسانده است؛ در چنین تناقضی هم زیان‌دهی افزایش یافته و هم تولید آسیب دیده است و نتیجه این اهمال‌کاری‌ها وضعیت فعلی تولید و بازار خودرو است!»

افزایش قیمت اتومبیل طی روزهای گذشته بار دیگر موضوع استیضاح رضا فاطمی امین را مطرح کرده است. ابراهیم رئیسی برای حمایت از وزیر صمت و با ادعای مبارزه با رانت و فساد، مهدی خطیبی را از مدیریت شرکت «ایران خودرو» برکنار و علیمردان عظیمی عضو هیئت مدیره شرکت «سایپا» را به مدیریت «ایران خودرو» منصوب کرد تا شاید بار فشار از فاطمی امین کاسته شود.

پیشتر جلسه استیضاح وزیر صمت رئیسی در دهم آبان ۱۴۰۱ و به دلیل عملکرد او در بازار اتومبیل برگزار شد و در نهایت وزیر صمت با وعده ساماندهی این بازار توانست به کار خود ادامه دهد. وعده او اما نه تنها وضعیت بازار را در این مدت سامان نداد بلکه باعث شد تا قیمت اتومبیل به صورت روزانه در حال افزایش باشد.

اکنون لطف‌الله سباهکی نماینده‌ای که پیشتر نیز در استیضاح رضا فاطمی امین نقش فعالی داشت در گفتگو با وبسایت «اقتصاد۲۴» گفته که «متأسفانه مجلس خیلی واکنشی به رویه کنونی وزارت صمت و شخص وزیر نشان نمی‌دهد و من اراده‌ای در مقابله با طرز فکر و کار آقای فاطمی‌امین در بین همکاران مشاهده نمی‌کنم. امیدوارم همکاران اثبات کنند که من اشتباه می‌کنم، ولی به دوستان خود در مجلس می‌گویم هرچه دیرتر به این موضوع واکنش نشان دهند، مردم حق دارند که گرانی شدن خودرو را از چشم نمایندگان ببینند.»

لطف‌الله سباهکی گفته که «تقریباً همه پیش‌بینی‌هایی که بنده در خصوص خودرو کرده بودم، اتفاق افتاد. گفتم خودرو گرانی می‌شود، گفتم ۲۰۶ را این وزیر می‌تواند به یک میلیارد تومان برساند که حال می‌بینید ما را به چه وضعی

● قیمت پژو ۲۰۰۸ به ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان، پژو ۲۰۶ تیپ ۲ مدل ۱۳۹۹ نیز به ۵۱۰ میلیون تومان رسیده و مدل ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ این اتومبیل نیز طی تنها ۲۴ ساعت ۱۰ میلیون تومان گرانی شدند.

● امیرحسین کاکایی: شرکت‌های اتومبیل‌سازی بزرگ کشور با زیان انباشته کلانی روبرو هستند و برای حفظ ظاهر چراغ کارخانه‌ها را روشن نگه داشته‌اند، اما وزارت صمت نسبت به این قضیه کاملاً منفعل عمل می‌کند.

● پیشتر جلسه استیضاح وزیر صمت رئیسی در دهم آبان ۱۴۰۱ به دلیل عملکرد او در بازار اتومبیل برگزار شد و در نهایت وزیر صمت با وعده ساماندهی این بازار توانست به کار خود ادامه دهد.

قیمت اتومبیل در روزهای گذشته با افزایش پرشتابی روبرو شده بطوری که قیمت پژو ۲۰۰۸ به ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان رسیده است. منتقدان عملکرد وزیر صمت می‌گویند افزایش قیمت‌ها از تصمیمات غلط و وعده‌های ناشی از عدم آگاهی مقامات وزارتخانه از وضعیت صنعت اتومبیل‌سازی است.

قیمت انواع اتومبیل در ایران با افزایش چشمگیری روبرو شده بطوری که در بین اتومبیل‌های پراید موجود در بازار، قیمت مدل ۱۵۱ سال ۱۴۰۱ به ۳۰۵ میلیون تومان و مدل ۱۴۰۰ نیز به ۲۹۰ میلیون تومان افزایش داشته است.

انواع ماشین پژو بیشترین افزایش را نسبت به دیگر برندهای اتومبیل داشته است بطوری که قیمت پژو ۲۰۰۸ به ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان رسیده است. پژو ۲۰۶ تیپ ۲ مدل ۱۳۹۹ نیز به ۵۱۰ میلیون تومان و مدل ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ این اتومبیل نیز طی تنها ۲۴ ساعت ۱۰ میلیون تومان گرانی شدند و به ترتیب ۵۳۵ و ۵۷۵ میلیون تومان قیمت‌گذاری شدند.

انواع اتومبیل سمند نیز با نوسانات قیمتی روبرو شد بطوری که قیمت سمند EFV مدل ۱۳۹۹ از ۴۹۰ میلیون تومان طی کمتر از یک هفته به ۵۳۰ میلیون تومان رسیده است.

سیاست‌های اقتصادی دولت ابراهیم رئیسی بازارهای مختلف کشور از جمله بازار اتومبیل را با بحران‌های مضاعفی روبرو کرده است.

امیرحسین کاکایی عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران درباره وضعیت صنعت اتومبیل‌سازی گفته که «خودروسازی کشور ما بجای اینکه در جایگاه صنعتی باشد تمام وقت در فضای سیاسی و انحصار دولتی بسر می‌برد که نتیجه این نوع سیاست‌کاری در یک صنعت ارزآور همین وضعیت فعلی است. از وزیری که از ابتدا به دنبال ارائه برنامه‌هایی برای جلب رضایت جهت کسب رأی اعتماد از نمایندگان مجلس است و از ضعف مدیریتی و مشکلات خودروسازی بطور کامل مطلع است، اما باز با وعده می‌خواهد کرسی ریاست در وزارت صمت را حفظ نگه دارد، چه توقعی می‌توان داشت جز تخریب بیشتر صنعت و گرانی غیر واقعی قیمت‌ها در بازار خودرو!»

به گفته کاکایی، «امروز همه می‌دانند که وعده‌های جناب وزیر با برنامه‌های اجرای وزارت صمت کاملاً مغایرت دارد و این تناقض به دلیل ضعف مدیریتی است که سینه به سینه از یک وزیر به وزیر دیگری رسیده است. اکنون شرکت‌های اتومبیل‌سازی بزرگ کشور با زیان انباشته کلانی روبرو



عکس هفته | استقبال از شاهزاده رضا پهلوی در اکسفورد / دوشنبه ۸ اسفند ۱۴۰۱
عکس از @GhorbaniiNiyak